



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

شیوه‌های بالندگی و

# شکوفایی اراده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زمینه‌های بالندگی و شکوفائی اراده در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام

نویسنده:

محمد حسین حق جو

ناشر چاپی:

جواهریان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۲	زمینه های بالندگی و شکوفائی اراده در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	مقدمه
۱۴	گلایه از ضعف اراده
۱۵	چکیده مطالب
۱۵	سؤالات
۱۵	مشکلات جوان
۱۵	اشاره
۱۷	برخورد با مشکل
۱۷	اشاره
۱۷	۱ - بالا بردن سطح آگاهی
۱۷	۲ - پاسخگویی مشکلات
۱۸	۳ - موضعگیری مناسب
۱۸	۴ - آگاهی به محورهای بحث
۱۸	مشکلات سیاسی
۱۹	موضعگیری مناسب
۲۰	مشکل عقیدتی
۲۰	موضع گیری صحیح
۲۱	مشکلات اجتماعی
۲۳	مشکلات فرهنگی و علمی
۲۴	مشکلات روحی
۲۴	محور بحث ما
۲۵	خصوصیات جوان

۲۵	.....	اشاره
۲۵	.....	۱ - نسل جوان کم تجربه است -
۲۵	.....	۲ - آگاهی نسل جوان کم است ..
۲۶	.....	۳ - احساسات جوان زیاد است ..
۲۶	.....	۴ - شتابزدگی ..
۲۶	.....	۵ - ضعف اراده ..
۲۹	.....	تعریف اراده ..
۲۹	.....	اشاره ..
۲۹	.....	اشتراک صفات ..
۳۱	.....	خصوصیت مجردات ..
۳۱	.....	اراده ثابت است یا اکتسابی؟ ..
۳۲	.....	تفاوت اراده در اشخاص -
۳۳	.....	شکوفایی اراده ..
۳۳	.....	موانع شکوفایی اراده ..
۳۳	.....	فلاسفه و اراده ..
۳۴	.....	مراحل علم و یقین ..
۳۶	.....	علم و ایمان ..
۳۶	.....	زمینه تحقق اراده ..
۳۷	.....	اراده در روایات ..
۳۷	.....	مرز اراده ..
۳۸	.....	ارتباط عقل و اراده ..
۳۸	.....	نقش اراده در عبادات ..
۳۸	.....	ریا ..
۳۹	.....	عادت کردن به اراده الهی -
۴۳	.....	نشانه های اراده ..
۴۳	.....	اشاره ..

۴۳	۱ - تعبد
۴۴	۲ - انعطاف در عمل
۴۶	۳ - هماهنگی جسم و روح
۴۶	اشاره
۴۶	قرآن و اعمال ارادی
۴۶	اشاره
۴۸	بررسی اعمال در جسم و روح
۴۸	قدرت در هماهنگی جسم و روح
۴۹	رشد سریع، با اراده قوی
۵۰	تقویت اراده
۵۲	به استخدام درآوردن اراده
۵۲	اراده مثبت و منفی
۵۳	ارکان اراده
۵۷	اعمال غیر ارادی
۵۷	اشاره
۵۷	۱ - عملی که دیوانه انجام می دهد
۵۷	۲ - عملی که در خواب انجام می شود
۵۷	۳ - عملی که با جبر انجام می شود
۵۸	۴ - عملی که از روی اضطرار انجام می شود
۵۸	۵ - عملی که از روی خطا یا اشتباه انجام می شود
۵۸	۶ - عملی که از روی فراموشی انجام می شود
۵۸	۷ - عملی که از روی ناآگاهی و جهل انجام شود
۵۹	افتراق عمل ارادی و غیر ارادی
۵۹	شوک ارادی
۶۰	برآیند ضعف و کمبود
۶۰	اشاره

- ۱ - قدرت تصمیم گیری ندارند - ۶۰
- ۲ - در فکر خود پروژه زیاد دارند - ۶۰
- ۳ - کارها را به تأخیر می اندازند - ۶۱
- ۴ - تضاد فکری و عملی دارند - ۶۱
- ۵ - زود تحت تأثیر قرار می گیرند - ۶۳
- ۶ - زود عصبانی می شوند - ۶۴
- ۷ - کم صبر هستند - ۶۶
- بعد منفی تقویت اراده - ۷۱
- اشاره - ۷۱
- تفاوت تقویت در جسم و روح - ۷۱
- ابزار تقویت روحی - ۷۲
- ابزار الهی در وجود انسان - ۷۳
- ابعاد وجود انسان - ۷۳
- اشاره - ۷۳
- ۱ - صفات الهی - ۷۳
- ۲ - صفات شیطانی - ۷۳
- ۳ - صفات حیوانی - ۷۴
- ۴ - صفات مادی - ۷۵
- ۵ - صفات عاطفی - ۷۵
- لزوم شکوفایی اراده - ۷۹
- اشاره - ۷۹
- الگوهای عملی در شکوفایی اراده - ۷۹
- تأثیر اراده در دیگران - ۸۰
- اشاره - ۸۰
- الف - روشهای شکوفایی اراده - ۸۰
- اشاره - ۸۰



- ۱ - متانت در عمل ..... ۸۲
- ۲ - متانت در بیان ..... ۸۲
- ۳ - متانت در رؤیت ..... ۸۲
- ۴ - متانت در مشی ..... ۸۳
- ۵ - متانت در غذا خوردن ..... ۸۳
- ب: تسلط بر روح ..... ۸۴
- اشاره ..... ۸۴
- جلوه های سیطره روح ..... ۸۴
- ج: احتیاط در مصرف انرژیهای مادی ..... ۸۵
- اشاره ..... ۸۵
- ۱ - حرف زدن ..... ۸۵
- اشاره ..... ۸۵
- تفکر یا تخیل؟ ..... ۸۷
- ۲ - شنیدن ..... ۸۹
- ۳ - نگاه کردن ..... ۹۰
- ۴ - راه رفتن ..... ۹۰
- ۵ - خوردن ..... ۹۱
- د: درمان کاستیهای جسمی ..... ۹۲
- اشاره ..... ۹۲
- جامعیت دستورات اسلام ..... ۹۲
- ه: تسلط بر قوای جسمی ..... ۹۳
- اشاره ..... ۹۳
- نظم و شرطی شدن ..... ۹۴
- الگوهای عملی در سیطره بر قوای جسمی ..... ۹۴
- و: آشنایی با مشکلات روحی ..... ۹۶
- علائم بیماریهای روحی ..... ۹۷

- ۹۷ ..... اشاره
- ۹۸ ..... مشورت با اهل فن
- ۹۸ ..... ارزیابی اعمال
- ۱۰۰ ..... ز: توازن علمی یا عملی روح
- ۱۰۰ ..... اشاره
- ۱۰۰ ..... تحلیل درست
- ۱۰۲ ..... برخورد با شکستها
- ۱۰۲ ..... قرآن و شکست
- ۱۰۵ ..... سیره عملی ائمه علیهم السلام
- ۱۰۷ ..... الگوهای عملی تاریخ
- ۱۰۸ ..... عقده گشایی
- ۱۰۹ ..... معامله الهی
- ۱۱۱ ..... تجربه (خود و دیگران)
- ۱۱۱ ..... مشاوره
- ۱۱۲ ..... ح: از بین بردن زمینه های تضعیف روحیه
- ۱۱۲ ..... اشاره
- ۱۱۳ ..... دقت در اعمال
- ۱۱۵ ..... پیوند الهی
- ۱۱۶ ..... تشویق در فرهنگ اسلام
- ۱۱۸ ..... روش گام به گام
- ۱۱۸ ..... اهمیت تمرین
- ۱۲۱ ..... سیر تکاملی شکوفایی اراده
- ۱۲۱ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... ۱ - استفاده از تک حسی
- ۱۲۱ ..... ۲ - زمان محدود
- ۱۲۱ ..... ۳ - کار ساده باشد

- ۱۲۱ ..... اشاره
- ۱۲۳ ..... مستحبات
- ۱۲۴ ..... ۴ - زمان ثابت باشد
- ۱۲۴ ..... ۵ - عمل ثابت باشد
- ۱۲۵ ..... ۶ - هیچ مانعی انسان را از کار باز ندارد
- ۱۲۵ ..... ۷ - اهمیت انگیزه
- ۱۲۶ ..... ۸ - با دیگران در میان نگذاریم
- ۱۲۷ ..... ۹ - هرگز احساس پیروزی نکنیم
- ۱۲۷ ..... اشاره
- ۱۲۷ ..... جلوه های قوای معنوی
- ۱۲۹ ..... ۱۰ - نکات ضعف و قوت کار خود را بنویسیم
- ۱۲۹ ..... ۱۱ - در حالت خوف و رجا باشیم
- ۱۳۰ ..... ۱۲ - کم کم اعمال را زیاد کنیم
- ۱۳۰ ..... اشاره
- ۱۳۲ ..... تفاوت ظرفیتها
- ۱۳۴ ..... ۱۳ - شکستن ابعاد جسم
- ۱۳۵ ..... ۱۴ - زدودن موانع
- ۱۳۶ ..... ۱۵ - احتیاط
- ۱۳۸ ..... ۱۶ - کارهای اهم را انجام دهیم
- ۱۳۹ ..... ۱۷ - دوراندیشی و بلند پروازی
- ۱۴۲ ..... مدارک و منابع تألیف
- ۱۴۳ ..... درباره مرکز

## زمینه های بالندگی و شکوفائی اراده در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه : حق جو، محمدحسین، - 1333

عنوان و نام پدیدآور : زمینه های بالندگی و شکوفائی اراده در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام / مولف محمدحسین حق جو

مشخصات نشر : تهران: جواهریان، 1373.

مشخصات ظاهری : ص 100

شابک : بها:2000ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه: ص. 167؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع : خودسازی (اسلام)

اراده

جبر و اختیار

جوانان و اسلام

اخلاق اسلامی

رده بندی کنگره : BP250/ح 78/1373

رده بندی دیویی : 297/63

شماره کتابشناسی ملی : م 73-2210

ص: 1

### مقدمه

زمینه های بالندگی و شکوفایی اراده

در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام

مؤلف: محمد حسین حق جو

ویرایش: حسین دهنوی

به نام خداوند متعال

به یاد امام مهدی

\* مقدمه

همانگونه که جامعه از مجموعه افراد و فرهنگ تشکیل می‌گردد، افت و خیز جامعه بستگی تنگاتنگی با مردم و فرهنگ آن دارد، در يك جامعه هماهنگ هر کس در حد توان علمی، مالی و معنوی خود باید در صدد جبران خلأهای آن باشد و در مسیر کمال امت خود گام بردارد، این تلاش اختصاص به فرد یا قشر خاصی ندارد، همه و همه باید کوشش نمایند.

توازن و تعادل وقتی در يك جامعه محقق می‌گردد که هر عضو آن در شعاع فکر و توازن خویش گام بردارد.

بی‌اعتنایی و کم‌کاری در امور جامعه برآیندی به بار خواهد آورد که حتی خواندن فرد و خانواده اش را هم در بر خواهد گرفت.

همانگونه که پس لرزه‌ها و یا باران‌های مداوم و نرم گاه خطرش از اصل زمین لرزه و باران شدید بیشتر است، تنش‌ها و افت‌های مداوم فرهنگی هم زیان بارتر از برخی نبردهای فرهنگی فراگیر است.

امروز مسئولین نظام مقدّس جمهوری اسلامی در رأس آنان مقام معظم رهبری آوار تهاجم فرهنگی بلکه شیخون فرهنگی را سر داده و همگان را به حرکت همه‌جانبه و هماهنگ دعوت کرده‌اند، کسی نمی‌تواند به صرف اینکه ادعا کند امکانات کم است یا وجود ندارد بی‌تفاوت باشد، بلکه باید با هر ابزار ممکن در مقابله با دشمن ایستادگی نمود.

ص: 1

نسل جوان ما امروز در نوك پيكان تهاجم قرار گرفته و با ابزار جذّاب و فریبنده آنان را به سوی اندیشه باطل سوق می دهند.

بارها در پرتو مکاتبات، مکالمات و مذاکرات حضوری برادران و خواهران به يك نکته مواجه شده و آن اینکه مصمّم بر انجام کارهای نيك و يارها کردن کارهای زشت بوده اند ولی در زمان کوتاهی از تصمیم خود بازگشته اند و به کارهای قبلی ادامه می داده اند و از ضعف اراده خویش گلایه داشته اند.

در این راستا سلسله مباحثی تحت عنوان مشکلات جوانان در کنار برادران عزیز حوزه مطرح گردید که در کنار این مباحث تبادل نظر هم می شد و خلاصه گفتارها و تضارب افکار دوستان به صورت مجموعه حاضر درآمد و برای بهره گیری عزیزان در سراسر کشور به زیور طبع و چاپ آراسته گردید.

اگرچه نگارنده خود اذعان دارد که تلاشش خالی از اشکال نیست ولی چون کار جدیدی در دنیای مطبوعات اسلامی است امید می رود توسط اندیشمندان بزرگوار سیر تکاملی خود را طی کند و در آینده ای نه چندان دور شاهد مجموعه ای عمیق تر و قوی تری باشیم.

شناخت درد و دردمند از خاصه های آنان است که با اقشار مختلف جامعه در ارتباط هستند اگرچه در مان آن در دیدگاههای افراد تفاوت دارد.

بر اساس تجربه به عمل آمده مطالعه این کتاب در شکوفایی اراده هر فردی مؤثر است و او را به قلّه پیروزی خواهد رساند اگرچه رابطه تنگاتنگی با دقت نظر و پشتکار افراد خواهد داشت.

امید است برنامه های این کتاب جوانان عزیز و مظلوم جامعه ما را یاری دهد تا بتوانند در رها کردن اعمال ناشایست و مداومت بر کارهای نيك و خداپسندانه موفق بدارد، و آنان را یاران مقاومی در کنار مولایمان امام زمان قرار دهد و توفیق همجواری آن عزیز را بیابیم. (1)

خدایا قلم مرا، فکر خواننده را به لطف خودت تأیید کن تا زمینه ساز رضای تو و حضرات معصومین علیهم السلام گردد.

والسلام

حوزه علمیه قم - محمد حسین حق جو

ص: 2

---

1- «وَجَعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ وَيَمْكُتُ فِي ظِلِّهِمْ...»؛ (دعای ندبه)

مهم ترین مرحله زندگی بشر، جوانی است. جوانی، مرحله ای حسّاس و بحرانی است؛ بسیاری از جوانان در این برهه از زندگی با مسائل و مشکلات فراوانی مواجه هستند، فشارهای ناشی از اقتضای بلوغ، فطرت و بحبوحه شکل گیری شخصیت جوانی، بسیاری از جوانان را با مشکلات بسیاری روبرو می سازد.

جوان در این مرحله از زندگی پناهگاه می خواهد. اولیاء، مربیان، آگاهان، مشاوران روانکاو، مدیران و متخصصان اهل فن و روحانیت بهترین پناهگاه از نظر مادی و معنوی برای جوانان می باشند.

لذا، اقتضای طبیعت برخورد این اقشار با جوانان آن است که از آگاهیهای لازم در زمینه های روحی و روانی جوانان، برخوردار باشند و بتوانند راهی فراروی مشکل آنان پیشنهاد کرده و در پیروزی بر مشکلات یار و یاورشان باشند.

بررسی انواع مشکلات، روش صحیح برخورد با مشکلات جوان، توجه به خصوصیات جوان، مسائلی است که سعی شده است، به آنان در این بحث پرداخته شود.

## سؤالات

- 1 - مشکل چیست؟
- 2 - در برخورد با مشکل بهترین روش کدام است؟
- 3 - انواع مشکلات، را مختصر توضیح دهید.
- 4 - روش صحیح پاسخگویی به مشکل چیست؟
- 5 - نقش مشاوره و طرح مشکل با افراد ذیصلاح چه فوایدی دارد؟
- 6 - خاصه های جوان چیست؟
- 7 - در برخورد با احساسات بهترین روش کدام است؟
- 8 - تجربه در زندگی جوان چه نقشی دارد؟
- 9 - مهم ترین راه کسب تجربه چیست؟
- 10 - ضعف اراده چه تأثیری در زندگی جوان دارد؟

## مشکلات جوان

یکی از مسائل اجتماعی بسیار مهم، مشکلات نسل جوان است. جوان، باشور و احساسات و انواع مشکلات زندگی روبرو می شود. او در این گیرودار چه باید بکند؟ رسیدگی به مشکلات جوان

ص: 3



از آن رو حائز اهمیت است که مهم ترین بخش زندگی انسان، جوانی است و در این سن ساختار 50 یا 60 سال زندگی آینده او پی ریزی می شود بر مسئولین فرهنگی ما فرض و لازم است که در باره مشکلات جوانان تحقیق، تعمق و بررسی داشته باشند. تنها بالا بردن سطح علمی حوزوی و یا دانشگاهی، در سطح عموم و جامعه کاربردی ندارد. بلکه رسیدگی به مشکلات نسل جوان و بالا بردن سطح آگاهی پدر و مادرها و مبلغین و اساتید نسبت به این مشکلات بسیار لازم و ضروری است. زیرا در سنین جوانی، بهترین تبلیغات روی این نسل پیامدی چندین ساله دربر خواهد داشت.

هر جوان، در هر سطح فرهنگی و علمی که باشد به گونه ای با مشکلات دست و پنجه نرم می کند و در این ورطه اگر پناهگاه روحی پیدا کرد و توانست راه درست را بیاید، می تواند از انحراف نجات پیدا کند؛ ولی اگر این پناهگاه نبود، در مسیرهای انحرافی خواهد افتاد.

## برخورد با مشکل

### اشاره

کسانی که مسئولیت نظام آموزشی، فرهنگی، عقیدتی و اجتماعی جوان را بر عهده گرفته اند، مسئولیتی بس خطیر دارند.

مهم ترین پناهگاه جوانان، پدر و مادر و روحانیت عزیز نیز که از نظر بعد معنوی راهبری قشر جوان را بر عهده دارند مسئولیتی بس مشکل تر و حساس تر دارند. چنانکه مریبان سطوح مختلف دبستان تا دانشگاه نیز از این مسئولیت کم بهره نیستند.

در برخورد با مشکلات جوان وظیفه ما چیست؟

### 1 - بالا بردن سطح آگاهی

در ابعاد اجتماعی، روانی، فرهنگی باید آگاهی پیدا کنیم. آنان که درگیر مشکلات نسل جوان هستند، با آگاهیهای عمیق می توانند به آنان در رفع مشکلاتشان یاری برسانند. منابع این آگاهی متعدد است: گذراندن دوره های ویژه، مطالعه، استماع نوارهای علمی و مذهبی، مباحثات علمی، سمینارها می تواند در تبادل معلومات و بالا بردن سطح آگاهی مفید باشد.

### 2 - پاسخگویی مشکلات

آنان که در ارتباط با قشر جوان هستند، در برابر سؤالاتی قرار می گیرند که مجبورند به این سؤالات پاسخ لازم را بدهند، مراعات نکاتی در این رابطه لازم و ضروری است:

الف) پاسخ، صحیح باشد و اگر شخص پاسخگو اطمینان به صحت پاسخ ندارد، با صراحت تمام اظهار دارد که: جواب را نمی دانم.

ب) تمام جوانب مطلب را در پاسخ مد نظر داشته باشد.

ج) در پاسخ به مجهولات، رعایت اصول اخلاقی و اسلامی را بنماید.

د) بارویی گشاده و دلسوزی و ملایم و رعایت جوانب مختلف مسائل را مطرح کند.

ه) پرتوقع نباشد و انتظار پذیرش قطعی را نداشته باشد.

و) توانایی علمی خود و طرف مقابل را در نظر داشته باشد.

ز) تفصیلاً او را اهنمایی کرده و قانعش سازد.

### 3 - موضعگیری مناسب

باید بدانیم که اتخاذ يك موضع متناسب در ارتباط با مشکلات بسیار مهم است. اگر جوانی مشکل اداری دارد، نباید حق هیچ يك از طرفین در قضاوت ما ضایع شود.

تکذیب یا تأیید افراد باید روی اصول جامعه شناسی اسلامی باشد. جوان باید با آگاهی شرعی و عقلی بتواند، علت تأیید یا تکذیب را دریابد.

اگر تأیید یا تکذیب روی يك شخصیت، يك برنامه، يك ایده و روش خاص اجتماعی همراه با تندی، پرخاشگری و طرح ایراد و اشکال برای دیگران باشد، نمی تواند جوان را یاری دهد تا از این موضعگیری بهره برداری کند؛ پس بکار بردن روشهای تند و آمیخته با پرخاشگری به هیچ وجه مناسب نیست.

### 4 - آگاهی به محورهای بحث

برای پاسخگویی و رسیدگی به مشکلات جوان آگاهی به محورهای بحث اجتماعی، روانی یا مذهبی بسیار لازم است. طفره رفتن از سؤال، از این شاخه به شاخه ای دیگر پریدن و برخورد کشکولی با مشکلات کردن، به هیچ وجه مناسب نیست.

مشکلات جوان انواع گوناگون دارد که باید ابتدا روی انواع آن شناخت پیدا کرد و سپس نسبت به موضعگیری پیرامون محورهای بحث آماده گشت.

### مشکلات سیاسی

مشکل گاهی سیاسی است. بعد از انقلاب اسلامی ایران و باز شدن فضای سیاسی و آزادی

مطبوعات و بالا رفتن سطح آگاهیهای فردی و اجتماعی مردم، معمولاً همهٔ اقشار، در مباحث سیاسی، خود را دخالت داده و هر کدام، در نظر خود، سیاستمداری لایق جلوه می کنند.

این دخالت‌های سیاسی، معمولاً ذهن برخی از جوانان را در رابطه با مسائل مختلف با مشکل مواجه می کند مخصوصاً اگر آگاهی لازم نسبت به موضوع را نداشته باشند و یا شانتاژهای تبلیغاتی آنقدر فراوان و بی شمار باشند که فرصت یافتن خط فکری مناسب را از جوان بگیرد.

معمولاً مشکلات سیاسی، مقطعی است، گاه يك منطقه یا کشور با سیاستی، دچار آشوب و اضطراب می شود و گاه آرام می گیرد. حال در این مقاطع چگونه باید برخورد کرد؟

### موضوعگیری مناسب

افرادی که در رابطه با مسائل سیاسی، موضوعگیری می کنند باید اطلاعات لازم سیاسی، اجتماعی را داشته باشند. مطالعه روزنامه، مجله، یا کتب منتشره در رابطه با موضوع و همینطور استماع نوار، در موضوعگیری مناسب دخیل است.

لازم است اگر آگاهی زیادی ندارند، با افراد متعهد و متبحر در امور سیاسی مشورت نمایند و خود را از نظر دیدگاههای سیاسی و ربط مسائل تقویت کنند.

در رابطه با مسائل سیاسی و یا افراد و شخصیت‌های زیر سؤال رفته و استیضاح شده، باید مواردی را مد نظر داشت:

1 - هیچ گاه تأیید بر اعمال فرد نگذارید، زیرا شاید موارد خلافی داشته باشد که شما از آن اطلاع ندارید.

2 - در مقابل عدم تأیید، فردی را نیز طرد یا تکفیر نکنید و زیر سؤال نبرید؛ اگر جریانات برخلاف نظر شما جلو برود و نظرتان خلاف واقع تشخیص داده شود، اعتبار سیاسی خود را از دست خواهید داد.

3 - در مواردی که اطلاعاتی در خصوص جریانی ندارید، در جواب سؤال حتماً اظهار نمایید که خبر ندارید.

4 - در مواردی که می توانید و لازم است، حتماً تجاهل، تغافل و قانون توریه را پیاده کنید. یکی از موارد دروغ مصلحت آمیز در مورد آبروی مؤمن است؛ اگر لازم شد توریه کنید و یا دروغ مصلحت آمیز بگویید تا آبروی کسی را بخرید، حتماً این کار را بکنید. راستگویی در مواردی که باعث ضایعه و یا آبروریزی می شود، پسندیده نیست.

5 - در مواردی که آشوب زیاد است و شما قدرت بر دفاع از اشخاص ندارید پافشاری نکنید.

روایت نیز می فرماید:

«کسی را که در حال اضطراب و ناراحتی و درد است، هر قدر بخواهی تقویت کنی، سودمند نیست» (1).

لذا روانشناسان، بازجویی افراد را در حالت رعب، ترس، وحشت و اضطراب تأیید نمی کنند و قبول ندارند.

بهتر است اندکی صبر کنید، گذشت زمان بعضی مسائل را به خوبی حل می کند.

6 - تحت تأثیر شانتاژهای تبلیغاتی، چه از طریق رادیوها، چه از افکار عامه مردم و چه از شایعات به هیچ وجه قرار نگیرید بلکه خود تصمیم مناسب را اتخاذ کنید.

7 - باید سعی کنید افراد را در رابطه با مشکلات راهنمایی و یا درد آنها را درمان کنید. به جوان آنقدر با آگاهی تلقین کنید، که قدرت تشخیص راه راست را از گفتار شما پیدا کند.

8 - هرگز برای خوشحالی و یا تأیید دیگران، راه غلطی را اتخاذ نکنید. بلکه اصلاح فرد، مورد نظر شما باشد.

9 - لازم نیست برای تأیید حرفهای خود، متوسل به قسم شوید بلکه حرف راست را بیان کنید خواه مورد پذیرش واقع شود و خواه تکذیب گردد، مهم آن است که نظر شما مورد رضای حضرت حق تعالی و بر اساس مبانی مذهبی و مکتبی باشد.

### مشکل عقیدتی

برخی از جوانان، با مشکلات عقیدتی مواجه هستند. از خصوصیات جوانی، بحرانهای عقیدتی است؛ شك و تردید و سؤال پیرامون مسائلی چون: قیامت، جبر و تقویض، معاد جسمانی و روحانی، عالم برزخ، عدل و غیره برای جوان بسیار پیش می آید.

برخورد با این مشکلات برای جوان بسیار سخت است. گاهی همین مشکلات موجب بروز ضعف در اعمال می شود؛ گاه سستی و کاهلی در پیرامون عبادات برای آنها بوجود می آید و اعمال صالح آنها تحت الشعاع همین مشکلات، دچار عوارض می گردد.

### موضع گیری صحیح

آنان که با مسائل جوان روبرو هستند باید در مشکلات عقیدتی جوان برخوردی شایسته داشته باشند؛ زیرا گاه ظفره رفتن از سؤال یا جواب اشتباه، جوان را دچار سردرگمی و حیران کرده و

ص: 7

---

1- . نیازمندیهای نسل جوان اثر دیگر مؤلف.

موجب افتادن جوان در انحرافات عقیدتی می شود. لذاست که مکاتب انحرافی بیشترین سرمایه گذاری را روی جوان انجام می دهند و با ایجاد سؤال و شك و تردید، راجع به مسائل اسلامی آنان را با مشکل عقیدتی مواجه می سازند.

خوب است برای پاسخگویی و موضعگیری صحیح در مشکلات عقیدتی جوان، مواردی چند را در نظر داشته باشیم.

1- در مورد مسائل پایه و مبنایی در عقیده، حتماً مطالعات گسترده داشته باشیم.

2- در پاسخگویی به مشکلات عقیدتی، به پاسخ خود اطمینان کامل داشته باشیم.

3- اگر جواب سؤالی را نمی دانیم، حتماً بگوییم که نمی دانیم.

4- در زمینه هایی که خود ضعف داریم، حتماً مطالعه داشته باشیم.

5- جوانان را با مراکز فرهنگی و کتب ارشادی محکم و متقن آشنا سازیم.

6- پاسخ خود را بر اساس فهم طرف بیان کنیم و بگونه ای نباشد که او از درك جواب عاجز باشد.

7- جوانان را با هدایت و جواب اصولی با مبنای خلقت و عبودیت و کتاب الهی آشنا سازیم تا در پرتو توسل به امور معنوی، از شك و شبهه رهایی پیدا کنند.

## مشکلات اجتماعی

یکی از مشکلات فراگیر جوان، مشکلات اجتماعی است. مشکلات اجتماعی فراوان، و پاسخگویی و ارائه راه حل به جوانان، طالب آگاهی و مطالعه بیشتری از طرف متصدیان امور جوان است. مشکلات اجتماعی، خود انواعی دارد و برخورد با انواع آن شیوه هایی خاص را می طلبد.

1- مشکل تغذیه فکری، یکی از مشکلات جوان است. کتابها، روزنامه ها، مجلات، نوارها، ویدئو، رادیو، تلویزیون، عکسها، ماهواره و غیره، زمینه های تغذیه فکری جوان است. استعمار از همین راه چه بسیار جوانانی را که به منجلاب بدبختی و سقوط سوق داده است.

مسأله تهاجم فرهنگی، توجه به نیاز جوان، به تغذیه فکری و منحرف کردن او از این راه است.

آنجا که استعمار با جنگ نتواند جوانان يك مملکتی را به زانو در آورد. از طریق تخدیر فکری و فرهنگی آنها را به انحراف می کشاند؛ اگر جوان آگاهی کم باشد، با تحريك احساساتش به دام چنین افرادی می افتد.

لذاست که متصدیان امور جوان باید تسهیلاتی برای جوانان فراهم آورند و با ایجاد کانونهای جوانان، پاسخی عملی و منطقی به تهاجم فرهنگی داشته باشند و با جایگزین کردن منابع تغذیه مناسب و پسندیده از هجوم جوانان به سمت لابیگری و فحشاء جلوگیری به عمل آورند.

2 - مشکل روابط اجتماعی و دوست ناباب، مسأله ای است که جوانان را با مشکلات زیادی روبرو می کند؛ دوست ناباب، می تواند جوان را با وسایل مختلف دچار انحراف و مشکل کند.

حیله هایی که برخی در لباس دوست می زنند، محبت های دروغین، ابراز علاقه کاذب، استفاده از تنهایی و بی کسی جوان، پناهگاه جلوه دادن برای جوانان، طرفند هایی است که برخی دوستان در راه انحراف جوانان بکار می برند.

لذا دوست یابی با روابط درست و صحیح، مشورت و غیره، مسائلی است که باید برای جوان تجزیه و تحلیل شود و او با آگاهی کامل با کسی طرح دوستی بریزد؛ که این دوستی موجب سقوط فکری و فرهنگی و اخلاقی او نشود. (1)

3 - مشکل اتلاف وقت، مسأله ای است که جوانان اجتماع را بسیار با مشکل مواجه کرده است؛ در حالی که جوانی با شور و امید است، گاه به دلایل مختلف خانوادگی و اجتماعی، روح ناامیدی و یأس موجب اتلاف وقت جوان می شود. جوان به جای پرداختن به مسائل اصولی زندگی، سر چهارراهها و یا سینماها و تئاترها و یا مجالس دوستانه به اتلاف وقت مشغول است؛ در حالی که عمر گرانبهای چون بر باد رود قابل جبران نیست.

لذاست که برنامه ریزی صحیح برای پرکردن ایام فراغت جوان، بر خورد اصولی با این پدیده شوم است.

4 - مشکل سر خوردگی اجتماعی جوان، برای او بسیار دردآور است؛ اگر جوان به مبدأ هستی بی توجه باشد و پایه های ایمان در دلش رسوخ نکرده باشد به محض مواجه شدن با مشکلات اجتماعی از قبیل، مردودی، پیدا نکردن شغل مناسب، مشکلات مادی، عدم موفقیتها در اجتماع، ورشکستگی و سایر مسائل، او را دچار سر خوردگی و افسردگی و در نتیجه انزوایی می سازد. و زمینه ضعیف و سقوط فکری و اجتماعی او فراهم می شود.

5 - افراط و تفریط، مشکل دیگر جوان است. برخی مثلاً اکثر اوقات خود را صرف تفریح و گردش می کنند و در مقابل برخی، نسبت به تفریح توجهی ندارند.

برخی در مسائل معنوی بسیار افراط می کنند و برخی در این راه تفریط به خرج داده و نسبت به این مسائل بی توجهند.

در روابط اجتماعی برخی سرخورده اند و گوشه گیری و انزوا را دوست دارند و برخی نامتعادل برخورد کرده و همه وقت خود را صرف دید و بازدید و اتلاف وقت بر سر مسائل تفریحی می نمایند...

ص: 9

---

1- توضیح در کتابهای «دوستی های تلخ و شیرین» و «آیین دوست یابی»، «چگونه دوستی انتخاب کنیم» و...

اسلام دینی متعادل است و تعادل را دوست دارد. چنانکه خداوند می فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (1)

«ما شما را امت وسط قرار دادیم»

در هر حال هم افراط مورد نکوهش است و هم تفریط امر غلطی است، لازم است جوان مرز این دورا بداند.

### مشکلات فرهنگی و علمی

اگر جوانی بخواهد در اجتماع رشد کند، باید از نظر فرهنگی تغذیه مناسب شود؛ چنانکه اگر فردی غذای فاسد بخورد، بیمار می شود، کسی هم که از نظر فرهنگی غلط تغذیه شود و تغذیه مسموم گردد، دچار مشکل می شود.

در همه شهرها و مراکز فرهنگی باید برنامه های هنری، تفریحی وجود داشته باشد و باید جوان را به سوی کتابخانه، مراکز فرهنگی و هنری، فکری، تفریحی، خدماتی و ورزشی مناسب جذب کنیم و آنچه او برای رشد احتیاج دارد، در اختیارش قرار دهیم.

در بعد علمی نیز جوان مشکل دارد. در برخی کشورهای دنیا روی تقویت علمی جوانان بسیار سرمایه گذاری می شود، ما نیز باید روش صحیح درس خواندن و درس خواندن با انگیزه را به جوان بیاموزیم. (2)

جوان باید طرز صحیح درس خواندن را بداند؛ در جایی که می شود با تندخوانی، در هر دقیقه 1500 کلمه را خواند و جلورفت، چرا جوان ایرانی باید میانگین مطالعه اش در هر دقیقه 200 کلمه باشد؟ (3)

گذراندن دوره تندخوانی، میزان رشد علمی جوان را به سرعت بالا برده و به 10 برابر افزایش می دهد. آنها که در این زمینه کار کرده اند، بسیار ترقی نموده اند.

جوان باید درس را با علاقه بخواند؛ چرا دروسی چون پیش اسلامی، عربی یام نطق و... دروسی هستند که فقط برای نمره خوانده می شوند؟ چون روش صحیح تدریس و تعلیم این دروس برای جوان بیان نشده است و یا اینکه برای او ناشناخته مانده است.

آنچه مورد نیاز است، پیاده کردن متدهای علمی درس خواندن در مدارس است. باید برنامه ای

ص: 10

1- . سورة بقره / 143.

2- . توضیح بیشتر در کتاب شیوه های موفقیت در تحصیل اثر دیگر مؤلف.

3- . توضیح بیشتر در کتاب روشهای تسریع در خواندن و درک، اثر دیگر مؤلف.

تدوین شود تا جوان، روش صحیح حفظ لغات، قواعد، آیات قرآن یا زبان را فرا بگیرد و از این علوم در آینده بتواند استفاده کاربردی نماید.

## مشکلات روحی

اهم مشکلات جوان، مشکلات روحی است. مسائلی چون کم رویی، انزواطلبی، گوشه گیری، عدم اعتماد به نفس، عقده خود کم بینی و غیره گریبانگیر اکثر جوانان ما است.

مسائل روانی و مشکلات آن ریشه در روابط خانوادگی و مدرسه دارد.

جوانی که مرتب او را تحقیر کرده اند، با عقده حقارت بزرگ می شود و در اجتماع جرأت بروز و خودنمایی و ابراز عقیده ندارد. می ترسد حرف بزند یا اظهار نظر کند. و اگر صاحب قدرتی شود، حالت انتقام جویانه دارد.

مشکلات روانی، متعدد و فراوان است و فرایندهای آن نیز بی شمار می باشد.

اگر در خانواده به این روایت عمل می شد که:

«بگذارید کودک 7 سال بازی کنند، در 7 سال بعد با آنها مشورت کنید و 7 سال بعد رئیس باشند.»<sup>(1)</sup>

جوانان امروز باید مشکل روانی نداشته باشند.

مهم ترین پیشرفتی که امام رحمه الله در نسل جوان ایجاد کردند آن بود که به آنان اعتماد به نفس دادند.

بسیاری از عقب ماندگیهای اجتماعی بر اساس این است که اعتماد به نفس وجود ندارد. لذا افراد به دنبال کار و برنامه صحیح نمی روند.

بسیاری از جوانان، می ترسند که در کنکور شرکت کنند مبادا مردود شوند، دنبال شغل نمی روند مبادا موفق نشوند، دنبال کاری را نمی گیرند، مبادا ورشکست شوند و این ابعاد منفی در ذهن جوان مانع پیشرفت اوست و معمولاً همین افکار منفی آنها را به سقوط می کشاند.

اگر فردی متخصص می شود، پزشک یا مهندس است، از نظر مادی و معنوی موفق است، دلیل بر این نیست که او از جهاتی با فرد مشابه فرق دارد. بلکه او از استعدادهای درونی خود استفاده کرده و دیگری از این استفاده محروم بوده است. یا زمینه های شکوفایی استعدادها برای او فراهم نشده است.

## محور بحث ما

ص: 11



چون جوان، بیش از همه کس در معرض تهاجم فرهنگی است، لذا محور بحث جوان است. اما این به آن معنا نیست که زن و مرد و پیر مشکل ندارند، بلکه از آن جهت که دشمن، لبه تیز و نوک پیکان تهاجم فرهنگی را به سوی جوان نشانه رفته است و او را تهدید می کند و این مسأله در افراد مسن یا اصلاً نیست و یا اینکه زیاد آنها را تهدید نمی کند، لذا محور بحث ما جوان است.

## خصوصیات جوان

### اشاره

نسل جوان خصوصیات ویژه ای دارد.

### 1 - نسل جوان کم تجربه است

بسیاری از مشکلات، در جاهایی بروز می کند که تجربه؛ کم باشد یا اصلاً نباشد؛ اگر جوانها تجربه داشته باشند و یا با اهل تجربه در ارتباط باشند، هرگز به دام نمی افتند و دچار مشکل نمی شوند؛ مشکل، زمانی بروز می کند که عملی، بی تجربه پیشین و بدون مشورت انجام شود.

البته روشن است که پس از انجام عمل، پشیمانی سودی نخواهد داشت در این صورت اکثر چراها؟ بی فایده خواهد بود. چرا درس نخواندم؟ چرا با فلانی دوست شدم؟ چرا به آن مکان فساد رفتم؟ چرا فلان کتاب انحرافی را خواندم؟ چرا فلان صحنه فاسد را نگاه کردم؟ چرا فلان فیلم یا عکس مستهجن را دیدم؟ برای جلوگیری از بوجود آمدن این چراها؟ دقت در زندگی نادمین و استفاده از تجربه دیگران مهم است.

### 2 - آگاهی نسل جوان کم است

نسل جوان از سنین 15 تا 30 سال است. منظور از آگاهی در اینجا تسلط به فیزیک و شیمی و جبر و مثلثات نیست. این مسائل تجربه نیست و قدرت مقابله با میکربها و ویروسهایی، که از طریق تهاجم فرهنگی وارد فکر جوان می شود، را ندارد و باید مراقب پیشگیری و درمان بود.

آنچه قدرت مقابله با تهاجم را زیاد می کند، این است که انسان از نظر مبانی فکری و عقیدتی و عقلی قوی باشد؛ قدرت معنوی است که جلوی این مسائل را می گیرد.

چه بسیار فیزیک دانها و ریاضی دانها و شیمی دانهایی که هم خود به فلاکت افتاده اند و هم جامعه را به ورطه سقوط کشانده اند؛ به خاطر آنکه تخصص بدون معنویت داشته اند، لذا از تخصص خود برای اعتلای فکر و فرهنگ خود و مردم استفاده نکرده اند، بلکه در مسیر سقوط خود و آنها، از علم خود بهره برداری نموده اند. و دنیا همچنان در جنگ همین متخصصهای بی تعهد می سوزد و فنا می شود.

### 3 - احساسات جوان زیاد است

احساسات معمولاً عقل را محکوم می کند. تا بعد احساسات پیش می آید انسان تسلیم می شود.

راه صحیح آن است که جوان با وجود داشتن احساسات، عاقلانه عمل کند.

مثلاً حد جاری کردن، بریدن دست دزد، مجازات قاتل شاید از بعد احساسات محکوم شود چون فردی که شلاق می خورد، احساس درد می کند اما برای ایجاد ثبات و امنیت در جامعه، امری ضروری است و باید با احساسات برخورد شود.

ترحم پلیس، راننده خاطی را جری می کند، جریمه نکردن، باعث تخلف می شود و بر این مبناست که چون جوان یکپارچه احساسات بی تجربه دارد، لذا گاهی گول می خورد و دچار مشکل می شود. احساسات باید در پرتو دین و عقل باشد تا درست عمل کند.

### 4 - شتابزدگی

جوان به علت مسائلی که گفته شد، حوصله کمتری دارد، می خواهد زود عملی را انجام دهد و نتیجه اش را هم مشاهده کند؛ زود درس بخواند و به درجات عالی برسد، حوصله ندارد که روی مبنا و اصول پیش رود.

در مسأله ازدواج اغلب زود و با عجله تصمیم می گیرد و این افراد اکثر اوقات نیز پشیمان می شوند. چون شتابزده عمل می کنند.

اسلام می فرماید:

«العجلة من الشيطان و التانی من الرحمن»<sup>(1)</sup>

«عجله از شیطان و تأمل از اوصاف الهی است.»

جوان چون شتابزده عمل می کند، باید کمکش کرد و جوان به خاطر همین اوصاف جوانی است که نمی تواند صحیح عمل کند.

### 5 - ضعف اراده

مسأله و مشکل حادّ جوانان ضعف اراده است. گاهی می خواهند کاری انجام دهند، تصمیم هم می گیرند اما بعد رها می کنند، چرا؟ چون اراده شان ضعیف است.

یکی از صفات الهی که بسیط است و مرکب نیست - یعنی اینکه جزء جدا شده از چیزی نمی باشد

ص: 13

و همینطور دارای اجزاء نیست - ز بارقه و جلوه ای رقیق از آن در هنگام دمیدن از روح خود (1) در وجود هر انسانی بودیعه گذاشته است، صفت اراده است. و آن روحی که از خداوند متعال به انسان دمیده شده است بسیط است. در آن بسیط که مرکب نیست و جزء جدا نشده از چیزی می باشد. در آن بسیط يك چیزهایی است که آن چیزها در عین حال مرکب نیست. یکی از آن چیزها که از صفات الهیه هم هست اراده است.

اگر واقعاً انسان مؤمن از این اراده که از طرف خداوند به او القاء شده استفاده کند، چون اراده اش، اقتباس از خداست، چون عضو و گونه ای از آن قدرت است، لذا خیلی قدرتمند است و می تواند با اراده به مقامات بالا برسد.

ضعف اراده و اینکه برخی می گویند: «نمی توانم»، اولین مرحله رکود، و ضد اراده می باشد.

### چکیده مطالب

ضعف اراده یکی از مشکلات جوان است. اراده یکی از ابعاد وجود معنوی انسان است و از صفات الهی محسوب می شود و در نفخه الهی و دمیدن روح به انسان، منتقل شده است و از صفاتی است که انسان با خداوند در این صفت اشتراك دارد.

ثابت کردن این مسئله که اراده، در وجود همه انسانها هست و لیکن افراد با اراده؛ این استعداد را در خود شکوفا کرده اند. موانع تحقق اراده را از بین برده اند و توانسته اند، اراده را در خود شکوفا کنند.

انسان باید به یقین برسد که توانایی دارد که به مراحل بالای شکوفایی استعداد برسد، آنچنان رشد کند که قدرت او، در نیروهای معنوی، جلوه ای از اراده الهی باشد. لازم است با موانع شکوفایی اراده آشنا شویم و این موانع را از بین برده و زمینه تحقق اراده را در خود به وجود آورد.

تسلط و قدرت علمی پیرامون استعدادها، زمینه های تعیین و تحقق اراده است. علم زمینه ای بسیار متقن برای ایجاد آمادگی روحی و پذیرش نفس پیرامون قدرتهای فراوانی است که در وجود انسان موجود است و لازم است این استعدادها به مرز شکوفایی برسند.

### سؤالات

1 - اراده را تعریف کنید.

2 - زمینه اشتراك صفات در خداوند و انسان را توضیح دهید.

3 - چرا اراده در افراد متفاوت است؟

ص: 14

1- . «وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...»؛ سورة ص / 72.

4 - موانع شکوفایی اراده چیست؟

5 - چگونه می توان اراده را شکوفا کرد؟

6 - نظر فلاسفه در رابطه با اراده را بیان کنید.

7 - از نظر اسلام، اراده چگونه تعریف شده است؟

8 - مرز اراده چیست؟

9 - اراده در انجام عبادات چه نقشی دارد؟

10 - ریا را تعریف کنید.

ص: 15

یکی از خصوصیات انسان، بُعد متافیزیکی و معنوی اوست. این بعد معنوی دارای استعدادها و قدرتهای فراوانی است و احتیاج به این دارد که انسان روی این ابعاد کار کند تا بارور شوند.

اراده، قدرتی است که از بعد روحی انسان مشتق شده است. آنجا که خداوند فرمود:

«وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...»<sup>(1)</sup>

«و از روح خود در انسان دمیدم»

خداوند بعد از بوجود آمدن پیکر مادی انسان، در این پیکر، يك وجود ثانوی و معنوی قرار داد که از آن وجود معنوی به نام روح تعبیر شده است.

از نظر روایات اسلامی و در نظر فلاسفه، مسائل گوناگونی را از روح مشتق می دانند که از جمله:

اراده، غرائز، فطریات، عقلیات، ذهنیات و ظنون از همان بعد می باشند.

می دانید که مجرد، قابل تکثیر، انفکاک و تجزیه نیست و واحد می باشد و تعبیر انشقاق و تکثر در روح یا اراده تعبیر عمیقی نیست، اما برای حضور ذهن و پذیرش ذهنی می باشد. اراده جزء مجردات است و مجردات قابل تجزیه و تکثیر نبوده و يك وجود واحد دارند.

روحی که خداوند در پیکر انسان دمید اینطور نیست که از خدا جدا شد و به انسان رسید. و این بحث، بحث عقیدتی و فلسفی است. اما تذکر و توجه نسبت به آن در این بحث تا این حدود لازم است.<sup>(2)</sup>

### اشترک صفات

یکی از خاصه و ویژگیهای انسان در رابطه با ذات مقدس احدیت این است که در صفات الهی او نیز اشتراکاتی وجود دارد.

افتراق بین حیوان و جماد و حتی ملائکه با انسان در همین است که برخی از صفات الهی در انسان نیز موجود است.

صفات الهی مادی نیستند زیرا اگر مادی باشند، اشکالات مختلفی چون احتیاج به زمان، مکان و تغذیه دارند که ذات مقدس احدیت از این مسائل مبرا است، اراده نیز یکی از صفات الهی است که از ناحیه خداست و اراده به این سبب جز مجردات محسوب می شود که از همان نفخه الهی در وجود

2- . توضیح بیشتر در کتب عقیدتی و فلسفی.

## خصوصیت مجردات

وقتی می گوئیم اراده از صفات الهی است، به این معناست که اراده «من الله» و از خداست اما این اراده از اراده الهی منشق و جدا نشده است، به آن سبب که مجردات قابل تجزیه نیستند؛ همچنانکه روح مجرد است و قابل تجزیه نیست. قرآن می فرماید:

«وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي...»(1)

«و در انسان از روح خود دمیدم»

روح ما از خداوند متعال است. اما روح قابل تکثر نیست. اگر خداوند در انسان از روح خود دمید، بدان معنی نیست که روح از خداوند جدا شد و بعد جزء بدن انسان قرار گرفت. بلکه روح واحد است.

با ذکر این مثال مسأله روشن می شود: اگر در اتاقی لامپی روشن باشد، از نور لامپ به هر کجا که برسد، روشنایی خواهد داشت و همه این انوار از يك مبدأ در جریان است، تکثر نور در اتاق از وجود يك لامپ است و اینطور نیست که نور در ابعاد اتاق با جای دیگر تفاوت داشته باشد. همه نورها یکی است زیرا از يك لامپ است. انشقاق و انفکاک در اینجا مطرح نیست.

در مورد مجردات نیز همین است. در مباحث فلسفی این مسأله مطرح است که: «کثرت در عین وحدت است.» در عین حال که در تمام عالم در وجود هر انسانی روح است اما همه یکی است.(2)

## اراده ثابت است یا اکتسابی؟

اراده از صفات الهی است. وقتی صفتی از خدا و از صفات الهی باشد، تا مرز آن قدرت الهی، زمینه رشد دارد (تأمل شود).

همانگونه که اگر خداوند چیزی را اراده کند، انجام شود، انجام می شود و قرآن می فرماید:

«إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»(3)

«اگر خداوند چیزی را اراده کند که بشود، می شود.»

انسان نیز اگر اراده اش را بکار گیرد، همان خصوصیت قدرت الهی را می تواند پیدا کند.

1- . سورة حجر / 29.

2- . برای توضیح بیشتر به مباحث فلسفی مراجعه شود.

3- . سورة يس / 82.

با توجه به این مسائل، نمی توان گفت: اراده اکتسابی است و ما می توانیم کاری کنیم که اراده را بدست بیاوریم؛ بلکه اراده در وجود هر انسانی به ودیعه گذاشته شده است، همه انسانها دارای اراده هستند.

چنانکه روح در انسان ثابت است. از جنین تا کودک و جوان و مسن و پیر همه دارای روح می باشند. مجردات نیز ثابت می باشند و قابل تغییر نیستند. اراده نیز از همان مقوله است و نمی توان گفت اراده يك وجود اکتسابی است.

ارزش واقعی هر انسانی مبتنی بر اراده اوست. زیرا اراده از صفات الهی است و در همان نفخه الهی همچون روح در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است. اراده، استعداد است و در همه افراد موجود می باشد؛ لکن افراد با اراده از روش شکوفایی و بکارگیری استعداد استفاده کرده اند و اراده را در خود شکوفا نموده اند و به مرحله بروز رسانده اند.

### تفاوت اراده در اشخاص

اگر ادعا می کنیم که اراده اکتسابی نیست، پس چگونه است که برخی دارای اراده ای قوی هستند و برخی اراده شان ضعیف است؟

در اینجا باید بیان کنیم که اراده در وجود همه انسانها بطور مساوی هست؛ اما برخی افراد موانعی برای شکوفایی اراده بوجود می آورند که در نتیجه اراده نمی تواند به مرحله بروز و نمود، برسد.

چنانکه فطرت انسان پاک است، همه انسانها با فطرت پاک و الهی متولد می شوند. چنانکه قرآن می فرماید:

«فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (1)

«ای رسول ما روی به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده، پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد.»

فطرت از صفات الهی است؛ اما همه انسانها در این صفت، یکسان نیستند. برخی گناه می کنند، ظلم و جنایت و دزدی می کنند و خلافکارند. و برخی برعکس، بر اساس فطرت الهی مردمی صالح و نیکوکارند. در اینجا عواملی باعث می شود که شخص خلافکار بر خلاف فطرت الهی، مرتکب گناه و جنایت شود در مثال به مانند آن است که لامپی را روشن کنید، اما روی لامپ مانعی قرار دهید که نور نتواند به مرحله بروز و روشنایی برسد و فضا را روشن کند.

اراده نیز وجود ثابتی است که قابل اکتساب نیست و نمی شود آن را کسب کرد اما عواملی باعث

ص: 18



می شود که اراده کارآیی و نمود و قدرت نمایی خود را از دست می دهد.

## شکوفایی اراده

اراده استعدادی در وجود انسان است که باید با رعایت مسائلی به مرحله بروز و شکوفایی برسد. برای مثال: زمین استعداد دارد که زمینه های لازم برای پرورش گل و ثمردهی درختان را به وجود آورد و برای این منظور ضروری است این استعداد را با افزودن کودهای شیمیایی و غیره در او تقویت کرد؛ اما اگر او به حال خود رها شود و مراقبت های لازم صورت نگیرد جز بوته های خار محصولی و پوششی نخواهد داشت.

انسان با وجود اراده می تواند به مراحل بالایی از قدرت و خلاقیت برسد. و اگر از اراده اش استفاده نکند و به آن توجه نداشته باشد، اراده در او وجود دارد، اما وجود مکتومی است. وجودی مخفی است که نمی تواند خود را نشان دهد.

وجود هر انسانی مملو از استعداد است و اگر زمینه های شکوفایی در او بوجود بیاید، به مرحله بروز و ثبوت می رسد، و الا مکتوم می ماند.

## موانع شکوفایی اراده

برخی از اعمال انسان مانع شکوفایی اراده می شود؛ چنانکه انسان قدرت راه رفتن دارد؛ ولی اگر به دست و پای او طناب بسته شود، قدرت حرکت و راه رفتن از او سلب می شود. آیا به چنین انسانی می توان گفت که استعداد حرکت کردن ندارد؟

استعداد هست، اما موانع زیاد است و نمی گذارد حرکت کند.

اراده در نهاد انسان هست اما عواملی موجب می شود که اراده نتواند خود را نشان دهد.

موشک، در ذات خود استعداد حرکت و جهش دارد، اما تا به وسیله چاشنی تحریک نشود، خودبخود قادر به حرکت نیست.

لذا باید آنچه مانع شکوفایی اراده است و در این مباحث به آن پرداخته می شود، از بین برود تا انسان بتواند در مسیر استفاده صحیح از اراده، گام بردارد.

## فلاسفه و اراده

اراده يك بحث اصولی، فلسفی و اخلاقی و روانشناسی است. برای آنکه احاطه و اشراف بیشتری نسبت به ماهیت اراده داشته باشیم باید نظر فلاسفه را نیز در ارتباط با اراده، بدانیم.

مرحوم ملاصدرا فیلسوف شرق، اراده را به این معنا تفسیر کرده است:

«اراده علم فاعل، به فعل خود می باشد.» (1)

علم به ابعاد عمل، محاسبهٔ ثمره و ابعاد کار می باشد. وقتی علم محقق شود، جهل نیست. زیرا در هنگامی که ما نسبت به عملی جهل، غفلت، خیال، گمان یا احتمال داشته باشیم، علم، محقق نیست و در نتیجه اراده نیز در نبود علم محقق نمی شود.

اگر ما نسبت به عملی، موفق به انجام یا موفق به ترك آن نمی شویم، به خاطر این است که علم ما درست نیست، نسبت به عمل، علم نداریم. اگر علم باشد، قطعاً عمل بد را انجام نمی دهیم و در موارد مثبت مرتکب اعمال صالح می شویم.

مرحوم آخوند در تعبیر اراده فرموده است:

«اراده علم به مصالح و مفاسد فعل است» (2)

در آنجا که ما نسبت به مصالح و مفاسد عمل، علم داشته باشیم، زمینه ساز اراده می شود. وقتی علم باشد، حکم عملی، تصویری و تصدیقی نسبت به عمل پیدا می شود و در انسان انگیزهٔ انجام کار را بوجود می آورد.

### مراحل علم و یقین

اگر مراحل علم را طی کنیم و نسبت به عمل علم پیدا کنیم، این علم زمینه ساز تعیین می شود.

اگر ما به کاری همت نمی گماریم، به خاطر آن است که علم نداریم و در مرحلهٔ ظن و گمان و احتمال هستیم و نسبت به مصالح و مفاسد عمل، ما به یقین نرسیده ایم.

به طور مثال اینکه نماز ما حالت خضوع و خشوع ندارد، به علت جهل ما نسبت به مفاسد این عمل [عدم خضوع و خشوع] است و نمی دانیم که نماز با خلوص و خضوع، چه مصالحی دارد؟

ارادهٔ عمل تام و تمام نماز را برای خود نمی کنیم، این است که همیشه لحظه ای تصمیم می گیریم که نماز خوب بخوانیم اما در مرحلهٔ تصمیم می مانیم تصمیم به مرحلهٔ تصور می رسد، اما به مرحلهٔ تصدیق و عمل نمی رسد.

لذا باید علم و یقین مراحل خود را طی کنند تا مقدمات و زمینه های اراده در ما بوجود بیاید.

چنانکه در کتب اخلاقی آمده است یقین سه مرحله دارد:

علم الیقین، حق الیقین و عین الیقین.

ص: 20

2- . كفاية الاصول ج 1 ص 99 طبع كتابفروشى اسلاميه.

اگر عین الیقین نسبت به عمل پیدا شد، تسلط بر انجام یا ترك كار و احاطه بر عمل نیز پیدا می شود.

این مراحل و آگاهی به مصالح و مفسد در مورد اعمال عام است، هم شامل انجام اعمال نیک و هم ترك اعمال بد می شود.

آگاهی، انسان را تحریک به انجام یا ترك عمل می کند.

## علم و ایمان

علم، مقدمه ایمان است. علمی که فرهنگ اسلام مطرح می فرماید، علمی است که زمینه ساز ایمان باشد.

علمی که زمینه ساز ایمان نباشد، علم نیست. اگر شخصی مؤمن به دین نباشد و عالم هم باشد، این علم او در راه تخدیر و تخریب بشریت بکار گرفته می شود. علمش نه تنها منشأ آثار خیر نیست بلکه سر منشأ مفسد است.

جهان امروز، در آتش علم بدون ایمان می سوزد. علم هر قدر پیش می رود، در راه تخدیر و کشتار مردم بکار گرفته می شود و در يك کلام، راه بهتر نابود کردن مردم در راستای علم مورد نظر این دانشمندان بی ایمان است.

علمی که در معارف غنی اسلامی نمود عینی دارد، توأم بودن آن با ایمان است و تخصص بدون ایمان مخرب، معرفی شده است؛ این مطلب نشانگر آن است که علم باید جهت الهی داشته باشد.

علمی باشد که به وسیله آن، آگاهی و شناخت نسبت به معبود بیشتر شود و توجه انسان را از علائق مادی کم کند و به سوی خداوند سوق دهد.

## زمینه تحقق اراده

اراده ماهیتی است که در وجود همه انسانها هست، برخی که در زمینه های تحقق آن در وجود خود کوشش کرده اند، شکوفایی اراده را در وجود خود بدست آورده اند.

مرتاضهای هندی، نمونه بارز این تحقق اراده اند، آنها از اراده خود استفاده کرده اند، اراده را در وجود خود شکوفا کرده اند، اما هدف و تحقق اراده در راستای کارهای غلط و باطل است؛ ما نیز باید اراده را بشناسیم و بعد از قدرت دادن به اراده، آن را جهت ببخشیم و در راستای ایمان از آن استفاده کنیم.

اگر ما موفق به اجرای اراده در اعمال نمی شویم، به علت جهل است. هر علتی، معلول

می خواهد؛ هر شکوفایی نیازمند زمینه است. اگر ما بخواهیم به آن خواسته و انگیزه اعلی برسیم باید زمینه انگیزه را بوجود بیاوریم. زمینه تحقق اراده را در خود پدید آوریم و یکی از آن زمینه ها، آگاهی و علم به اعمال نسبت به مصالح عمل و مفاسد آن است.

از نظر فلاسفه اسلامی تحقق وجود اراده مبتنی بر این دو پایه است. آگاهی به مصالح و مفاسد عمل.

## اراده در روایات

اراده را در لسان برخی روایات به تعبیر «ایمان» در می یابیم. نشانه های ایمان وقتی مطرح می شود، به اراده بر می گردد.

در برخی روایات، تعبیر به «علاقه، عشق یا محبت» شده است.

فلاسف هوقتی می خواهند اراده را تعریف نمایند، می گویند: «اراده، شوق مؤکد است»<sup>(1)</sup> هر چه بخواهیم اراده را قوی کنیم باید به شوق خود بیفزاییم؛ علاقه را نسبت به آن کار، زیاد کنیم، تا بتوانیم نسبت به آن مسأله اراده ای قوی داشته باشیم. هر کاری انسان انجام می دهد، برخاسته از علاقه و شوق است و تا انسان اراده نکند، کار مثبت یا منفی انجام نمی دهد.

اگر در روز قیامت عذاب جسمی و روحی مطرح است، بدان علت می باشد که انسان به حرام نگاه می کند و لذت می برد، لذتی که از طریق دیدن بدست می آورد و اگر اراده روحی نباشد، لذت محقق نمی شود.

اگر کسی شراب و یا غذای حرام می خورد، لذت جسمی او از حس چشایی، به خاطر اراده روح است؛ همگونی جسم و روح در گناه، عقاب جسم و روح را نیز در پی دارد.

## مرز اراده

باید بدانیم که هر کاری که انسان انجام می دهد و تصمیم بر آن کار می گیرد باید مبنای شرعی و عقلی داشته باشد. لذا اراده این نیست که انسان کاری خلاف شرع و عقل انجام دهد. از این روست که گاهی اراده، با لجاجت اشتباه گرفته می شود. فرد عمل خلافی به نیت و اراده انجام می دهد و بر انجام آن لجاجت می ورزد و زیر بار حرف حق هم نمی رود.

اراده درست و صحیح نشانه ها و مرزهایی دارد که باید شناخته شود. لذا در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می بینیم که آنها در برخی موارد، وقتی امری را خلاف شرع می دیدند، هر قدر طرف،

ص: 22

سماجت به خرج می داد، ایشان به عنوان اعتراض با آنها برخورد می کردند و هیچ چشم پوشی، نسبت به مسأله نمی کردند.

## ارتباط عقل و اراده

از نظر شرع مقدس اسلام مواردی هست که اگر فردی عملی را انجام دهد، مورد قصاص و بازخواست قرار نمی گیرد. (1)

لذا اگر دیوانه ای مرتکب گناه یا عمل خلافی شود، چون تکلیفی ندارد، مورد قصاص قرار نمی گیرد و عذاب هم نمی شود. گرچه او از غذا خوردن حرام لذت هم می برد اما چون مصداق اراده، انگیزه و شوق مؤکد در او نیست و کارش را غیر ارادی انجام می دهد لذا بازخواست نیز ندارد.

در مورد کودک نابالغ نیز، مسأله به همین ترتیب است؛ اگر کودکی کار خلافی انجام دهد، کسی را بزند، به چیزی ضرر برساند، چون اراده بر او حاکم نیست و عقل، که جلوه ای از اراده است، در او وجود ندارد، کودک مقصر نیست.

چنانکه اگر اتومبیلی با فردی تصادف کند و او را به قتل برساند، اتومبیل قصاص نمی شود بلکه راننده که محرك آن است، قصاص خواهد شد.

پس کودک و دیوانه، چون محرك درونی ندارند، مجرم نیستند.

## نقش اراده در عبادات

در شرع مقدس اسلام برای هر گونه عبادتی، نیت یا اراده لازم و ضروری است؛ یکی از شرایط صحت عبادات، اراده خالص و تقرب به خداوند است.

اگر فردی عبادتی را بدون اراده انجام دهد، هر چند سالها بر آن مداومت داشته باشد، عمل او باطل است.

در عباداتی چون: نماز، روزه، وضو، غسل، اعمال و مناسک حج، صدقه و کلیه عبادات نیت لازم است. اعمالی که منهای این اراده و نیت الهی باشد، باطل است.

البته نیت، فقط به زبان آوردن نیست، بلکه محرك عمل و اراده، برای انجام عبادت است و مرور ذهنی کافی می باشد.

## ربا

ص: 23

---

1- .رفع عن امتی تسعة... خصال صدوق (ره)، ص 417، حدیث 9 طبع بیروت.

یکی از مواردی که موجب حبط عمل می شود، ریا می باشد. در اسلام، مواردی وجود دارد که موجب از بین رفتن اعمال صالح و خوب فرد می شود؛ ریا، از جمله این موارد است.

در قرآن می فرماید:

«فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (1)

«کسی که به لقای الهی امید دارد باید عمل صالح انجام می دهد و کسی را در عبادت شریک نگرداند.»

شریک قرار دادن در عبادت، مصداق بارز ریا می باشد. ریا یعنی اینکه فردی عملی را انجام دهد و غیر خدا را در نظر داشته باشد و برای خوشایند او مرتکب اعمال نیک شود.

اگر شریک در عمل وارد شود، عمل از بین رفته و باطل می شود، اثر عمل نیز از بین می رود و علاوه بر آن در آخرت نیز مورد عقاب الهی قرار می گیرد. (2)

### عادت کردن به اراده الهی

از آنجا که داشتن اراده قوی، در مسائل مختلف برای انسان نتایج مفیدی دربر دارد خوب است که بتوانیم خود را عادت دهیم به اینکه هیچ کاری را بدون اراده الهی انجام ندهیم؛ در همه ابعاد زندگی چه عقیدتی، اخلاقی، عبادی، دینی یا دنیوی و کلیه مسائل روزمره زندگی، انگیزه انجام اعمالمان فقط اراده الهی باشد.

بسیاری از اعمال ما، اراده و شوق مؤکد، انگیزه آن نیست، بلکه بر حسب عادت انجام می دهیم.

اگر فردی با شوق مؤکد وضو بگیرد و نماز بخواند، دیگر موردی ندارد که در بین نماز دچار حواس پرتی شود. و اینکه دچار چنین حالتی می شود چون از شوق مؤکد و اراده حقیقی نیست و شوق، ظاهری است، لذا از عبادت نیز لذتی درک نمی کند.

می گویند واعظی روی منبر گفت: هر کس دو رکعت نماز با اراده و اخلاص بخواند، خداوند در روز قیامت او را جزء اولیاء محشور می کند؛ شخص معماری پای منبر بود، پیش خود گفت: اینکه کار ساده ای است بلند شد و رفت، وضو گرفت و در حرم یکی از ائمه علیهم السلام مشغول نماز شد. به محض آنکه الله اکبر گفت، چشمش به ستونهای مسجد افتاد؛ در این فکر فرو رفت که این ستون چند ردیف و هر ردیف با چند آجر ساخته شده است؛ همچنان مشغول بود تا به خود آمد دید دو رکعت نماز را تمام کرده در حالی که محاسبه نموده است که مسجد با 50 کامیون آجر ساخته شده

ص: 24

1- . سورة كهف / 110.

2- . توضیح بیشتر در کتب اخلاقی مانند: معراج السعادة، جامع السعادات و...

است! پس ادعا ساده است؛ خوب است با خود محاسبه کنیم، چقدر از اعمال ما از روی اراده الهی و حقیقی انجام شده است.

## چکیده مطالب

از نظر روانشناسی هر عملی که انسان انجام می دهد در درون انسان موجب عکس العمل یا رفلکس طبیعی می شود. اراده نیز که یکی از صفات الهی است، تحقق آن در وجود انسان، مستلزم علائم و نشانه هایی است که با مشاهده این علائم می توان به میزان اراده در وجود خود پی برد.

تعبد یکی از شرایط اعمال ارادی است. ایمان انسان باید آنقدر قوی باشد که در برابر فرامین تام الهی پذیرش داشته باشد. گرچه اثرات آن اعمال را نداند.

انعطاف در عمل یعنی وجود خصوصیات متضاد در وجود انسان، نشانگر اراده است. و یکی از نشانه های عمل با اراده هماهنگی جسم و روح است. شوق مبنای عمل است. قرآن نیز بیانات فراوانی پیرامون اعمال ارادی و برخواسته از شوق ارائه داده است. و قدرت عمل در هماهنگی جسم و روح و اراده را نیز متذکر گردیده است.

اراده قوی اثرات شایان ذکری در رشد معنوی و مادی انسان دارد. بوده اند کسانی که با اراده و توفیق الهی يك شبهه ره صد ساله را پیموده اند.

اراده یکی از قوا و استعدادهای ضروری برای جوان است و تقویت آن نیز برای جوان بسیار اهمیت دارد.

لازم است جوان ارکان اراده را بداند تا بتواند اراده را در خود به استخدام درآورده و از اعمال غیرارادی بپرهیزد.

## سؤالات

1 - نشانه های اراده را بنویسید.

2 - تعبد در عمل را شرح دهید.

3 - انعطاف در عمل چه مرزهایی دارد؟

4 - هم آهنگی جسم و روح چه تأثیری در عمل دارد؟

5 - قرآن در برخورد با اعمال ارادی، چه بیانی دارد؟

6 - تقویت اراده چه نقشی در رشد انسان دارد؟

7 - چرا باید اراده را به استخدام درآوریم؟

8 - ارکان اراده را بنویسید.





9 - هدف داشتن، چه تأثیری روی اراده انسان دارد؟

10 - دقت در عمل و ادله کافی در انجام یا ترك آن، چقدر در اراده مؤثر است؟

ص: 26

با ارائه نشانه هایی که از اراده حقیقی مطرح می شود، حقیقت اراده مشخص می گردد و هر فرد می تواند با این نشانه ها اراده حقیقی را بشناسد و خود را به آن آرایش دهد و کلید موفقیت در همه کارها را بدست آورد.

### 1 - تعبد

تعبد یکی از شرایط اعمال ارادی است. تعبد بدون چون و چرا در اینجا مطرح است؛ می دانید چرا در اصول دین، ذکر دلیل برای مبانی عقیده هست؛ اما در فروع دین، اخلاقیات، مستحبات، نیست، و باید تعبد باشد؟

آنقدر در فرد باایمان باید پذیرش باشد که اگر خداوند یا پیامبر صلی الله علیه و آله و یا ائمه علیهم السلام فرمودند: «باید کاری انجام شود»، چون از منبع و منشأ فیض است، پس مفید است، گرچه به ظاهر آن کار مشکل و مضرّ هم باشد. شرط اصلی در عمل، تعبد است.

در مسائل مذهبی، اجتماعی یا اخلاقی، جوانی که می خواهد گناهی را ترك کند باید فقط برای خدا تصمیم بگیرد تا بتواند، آن گناه را ترك کند.

اگر در شرع مقدس اسلام تأکید به نماز شب شده است و فرموده اند: نماز شب بخوانید تا به مقامات دنیوی و اخروی برسید و اولیای الهی تأکید به این امور داشته اند؛ فردی که می خواهد نماز شب بخواند باید با اراده و شوق الهی این کار را انجام دهد. (1)

اگر تعبد و اراده در این امر محقق نشده باشد، مدتی شروع می کند و بعد با خوردن يك ضربه از میدان بیرون می رود و با دیدن مشکلات درجا می زند.

تعبد، یکی از شرایط اعمال ارادی است، خواه عمل اثر داشته باشد و یا بی اثر باشد.

هنگامی که شخص پی می برد، مطلبی خوب است و شرع و عقل آن را تأیید می کند، باید آن را انجام دهد، خواه نافع باشد و یا ضرر داشته باشد. اگر ترك عملی را شرع تأیید می کند، باید ترك شود، خواه عمل نافع باشد و یا مضرّ.

در مقابل عمل خوب، همیشه نباید انتظار خوبی و پاداش داشته باشیم و منتظر نزول برکات باشیم؛ اگر چنین بود پس معلوم می شود که عمل بر مبنای تعبد نیست، بلکه مبنای جبران و انتظار است.

ص: 27

---

1- . ثمرات این عمل در «سرمایه کلاسرداری» اثر دیگر مؤلف مطرح شده است.

نمونه های عملی تعبد در عمل، ترك گناه یا عبادات، در تاریخ فراوان است و سیره اولیای الهی و تعبد آنها نسبت به دستورات خداوند، روشن شده است. (1)

## 2 - انعطاف در عمل

در عین حال که يك فرد، نسبت به حکمی تعبد دارد باید نسبت به حکم و حاکم نیز انعطاف داشته باشد. در بین افراد معمولی، معمولاً آنها که در جنبه کارهای جسمی هستند، در کارهای فکری نیستند. آنکه در کار اجتماعی است اهل عبادت و تهجد نیست. معمولاً صفات متضاد در افراد نیست.

خداوند متعال در قرآن می فرماید:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (2)

«محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و مؤمنین با کفار به شدت رفتار می کنند و بین خود مهربان هستند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله هم اسوه شدت و غلظت است و هم بعد رحمت و شفقت دارد.

یکی از صفات و خصوصیات ائمه علیهم السلام این بوده که صفات متناقض و متضاد داشته اند.

امام علی علیه السلام تا زن مستمند و فرزندان یتیم او را می بیند، گریه می کند و عاطفی است. در میدان جنگ چنان می جنگد که همه دشمنان را از بین می برد، ولی وقتی در کنار معبود و خدا در عبادت قرار می گیرد، چنان گریه از ترس عقاب و عذاب و امید به رحمت دارد که دیگر ابعاد وجودش را تحت الشعاع قرار می دهد.

مجموع صفات شدت و غلظت و انعطاف عملی در علی علیه السلام موجود است لذا پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر سفارش می فرمود:

اگر عالم به يك طرف رفت و علی علیه السلام در جهت دیگر بود. در همان جهتی باشید که علی علیه السلام هست، چون حق با علی علیه السلام است.

لذا است که ابوذر تا آخرین لحظه و تا پای شهادت و ایثار جان، بر این پیمان استوار ماند.

دقت در زندگی امام خمینی رحمه الله برای آنان که می خواهند در اجتماع رشد فرهنگی و عملی داشته باشند و به مردم خدمت کنند، لازم و ضروری است.

چیزی را که امام تشخیص می داد و مبانی تشخیص و ادله او درست بود، تا آخر هم روی تشخیص خود می ایستاد، گرچه همه افراد با این نظر او مخالفت بکنند.

1- . برای اطلاع بیشتر به سیره ائمه اطهار علیهم السلام و علماء بزرگ رحمه الله مراجعه شود.

2- . سورة فتح / 29.

شاه باید برود؛ هر چه وساطت و سفارش شد که شاه بماند و سلطنت مشروط کند، زیر بار نرفتند و در نهایت فرمودند:

جمهوری، اسلامی است؛ نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیشتر.

گرچه منافقین و چپی ها از این موضوع در رنج و عذاب بودند، و مخالفتهای زیادی با این نوع جمهوری داشتند.

8 سال مقاومت، و چون صلاح در صلح دیدند، جام زهر را نوشیدند و ملاحظه سرزنش دوست و دشمن را نکردند؛ آنجا، صلاح کشور و دین بر جنگ و اینجا، در صلح بود.

و در بُعد عبادت هم آنچنان، قوی و عبد صالح خدا بودند. (1)

### 3 - هماهنگی جسم و روح

#### اشاره

یکی از نشانه های عمل با اراده این است که جسم و روح با هم هماهنگ باشند. عملی که انسان انجام می دهد اگر از روی اراده و شوق باشد و مبنای آن هم درست باشد، جسم نسبت به آن عمل پایبند و استوار است. زیرا کار با شوق و علاقه و از روی اراده با این شوق و علاقه بر مبنای ارکان وجودی انسان است.

آنچه شرع حکم می کند، حکم عقل نیز هست؛ و بالعکس هر چه عقل حکم کند، حکم شرع هم هست.

وقتی انسان بر مبنای اراده حقیقی، عملی انجام دهد، جسم ثبات دارد و از این روست که گاهی افراد حرفهایی می زنند و چون دل با زبان یکی نیست، این حرفها ثبات هم ندارد. چنانچه دروغ، اهانت و یاوه گویی و غیره چون همگونی معنوی بین جسم و روح نیست، لذا حرفهایی از این قبیل قابل توجه هم نیستند.

### قرآن و اعمال ارادی

#### اشاره

قرآن درباره اعمال، که از اراده حقیقی مشتق می شود مثالهایی بیان می کند:

قسم به اسبانی که (سواران اسلام در جهاد برکفار تاختند تا جایی که) نفسشان به شماره افتاد، و در تاختن از سم ستوران بر سنگ، آتش افروختند (و بر دشمن شیبخون زدند) تا صبحگاه آنها را به غارت گرفتند، و گرد و غبار (از دیار کفر) برانگیختند و سپاه دشمن را در میان گرفتند. (2)

ص: 29



آنچنان عمل ارادی مؤمن مجاهد در راه خدا مهم است که خداوند به يك يك اعمال آنها اشاره کرده و آن را مقدس می شمارد و به آن قسم یاد می کند.

در آیه دیگر می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» (1)

(به تحقیق کسانی که به خداوند ایمان آوردند و بر این ایمان استقامت ورزیدند، ملائکه بر آنها نازل می شوند و به آنها بشارت می دهند که نترسید و بیم و اندوه نداشته باشید).

مؤمن وقتی کاری انجام می دهد، چنان پایدار است و مقاومت می کند که فرشتگان نیز به یاری او می شتابند و برای او تقدیس و تسبیح کرده و به او نیرو و قدرت می بخشند؛ لذا وقتی انسان با اراده واقعی (نه اراده پوشالی و بر اساس مبنای حیوانی) کاری را شروع کند، هیچ زلزله و ترس و ضعفی در او نیست. قرآن می فرماید:

«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (2)

(آگاه باشید که اولیای الهی هیچ ترس و اندوه و حزنی ندارند).

### بررسی اعمال در جسم و روح

ترس و ضعف، نموداری است که از طریق روح در جسم ظاهر می شود؛ وقتی روح ضعیف شود، رنگ انسان پریده و تغییر می کند چهره، آزرده و غمگین می شود. جسم به تنهایی قادر به درست کردن این نمودارها نیست.

اگر مشغول انجام کاری هستید و روح شما نسبت به آن کشش و جاذبه ای ندارد، بدانید که بر اساس اراده حقیقی نیست، بلکه اراده کاذب است. مثل لجاجت و لجبازی کردن، که این عکس العمل اراده حقیقی نیست. بلکه اراده حقیقی با لجاجت تفاوت مهم دارد.

کسی که عصبی است و در صحبت کردن حالت تهاجم دارد؛ اهانت کردن، پرخاشگری، زد و خورد، نشانگر اعمال غیر ارادی اوست و فردی که چنین اعمالی انجام می دهد، تعادل روحی و جسمی ندارد و همگونی بین این دو بُعد نیست؛ لذا این گونه افراد هم بسیار زود از اعمال خود ناراحت و پشیمان می شوند.

### قدرت در هماهنگی جسم و روح

ص: 30

1- . سورة فصلت / 30.

2- . سورة يونس / 62.



اگر جسم و روح همگون شد، قدرت زیاد می گردد به حدی که نزدیک به قدرت الهی می شود؛ چنانچه قرآن در باره قدرت خداوند قرآن می فرماید:

«إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.» (1)

«هنگامی که خداوند اراده کرد چیزی باشد و گفت: باش، می شود.»

عرفا می گویند: روح ما الآن در غالب جسم محبوس است و اگر بشود روح را از قفس جسم بیرون بیاوریم، بسیاری از ملکات و قدرتهای فوق العاده ای برای ما بوجود می آید.

می گویند: اخیراً به وسیله برخی کارهای روانشناسی، مثل هیپنوتیزم، برای جراحی دندان استفاده شده است.

برخی از علماء اسلام نیز از همین قدرت اراده در کارهای فوق العاده خطیر استفاده می کرده اند از جمله:

یکی از علماء مشهد، چنان اراده قوی داشت که در عمل جراحی ایشان از داروی بیهوشی استفاده نشد، بلکه خود ایشان روح را از غالب جسم بیرون برده و دوباره بعد از عمل روح خود را به جسم خود وارد نمودند.

«طی الارض» و پیمودن مسافتهای زیاد، در کمترین زمان، از نظر اسلام بعید نیست.

می شود انسان آنقدر روح خود را قوی کند که مسلط بر جسم شود و اگر الآن حرکت ما روی زمین آهسته و سست است، به خاطر آن است که جسم روح را در خود نگه داشته است. در آنجا که روح مسلط بر جسم است، در و دیوار برای او مانع نیست زیرا حرکت، حرکت مادی نیست، بلکه حرکتی غیر مادی است.

### رشد سریع، با اراده قوی

اگر بتوانیم، اراده حقیقی را کسب کنیم و اراده و آثار آن را صاحب شویم، خداوند نیز قدرتهای عجیبی به ما خواهد داد. بدترین صفات را می شود در کمتر از یک روز کنار گذاشته و صاحب بهترین صفات شویم.

در تاریخ شیعه فراوان خواننده اید، جریان کسانی که در یک لحظه و با یک توجه دارای مقاماتی بالا شده و رشد کرده اند. از آن جمله:

یکی از شاگردان شیخ انصاری رحمه الله است که از نظر ادراک بسیار ضعیف بوده است؛ چندین سال محضر استاد را درک می کرد، بدون آنکه از مباحث استاد سودی ببرد؛ شبی در خواب حضرت امام

ص: 31

علی علیه السلام يك «بسم الله الرحمن الرحيم» در گوش او خواندند و این فیض الهی چنان در درك او مؤثر بود که فردا سر درس نه تنها درس را می فهمید، بلکه به شیخ اشکال نیز می گرفت. (1)

و از آن جمله است:

کربلایی کاظم که به يك نگاه امام زمان علیه السلام حافظ کل قرآن و معنویت آن شد. نه تنها جسم قرآن، بلکه روحانیت آن را نیز صاحب شد. آنچنان بود که او با اینکه فرد بی سواد بود، اما کلمات قرآن را از لابلای حروف يك سطر کتاب معمولی که در آن از آیه های قرآن استفاده شده بود، تشخیص می داد.

و بسیار بوده اند کسانی که با يك توجه و توسل به ائمه علیهم السلام یا امامزاده ای انواع بیماریهای روحی و جسمی آنان در کمتر از يك لحظه از بین رفته است. (2)

پس پی می بریم، بسیاری از عقب ماندگیهای ما بخاطر ضعف اراده است.

### تقویت اراده

تقویت اراده یکی از ضروریات زندگی برای يك جوان است. استعداد در وجود جوان زیاد است باید برای تسریع در رشد معنوی، اراده را شکوفا و تقویت کرد.

کسی که اراده قوی داشته باشد می تواند در يك آن از هر چه صفت رذیله است بگذرد و فضائل اخلاقی را کسب کند.

لازم است جوان کاربرد اراده را بداند، همانطور که جسم ما برای حرکت و ادامه راه به تغذیه و جذب انرژی نیاز دارد، روح نیز عواملی را برای قوی شدن می طلبد اراده نیز احتیاج به جذب نیرو دارد. باید این عوامل را به استخدام خود درآورد تا روح و اراده قوی شود.

همچنانکه در بُعد تغذیه جسم، به صبحانه، ناهار و شام احتیاج می باشد، روح نیز به تغذیه معنوی احتیاج دارد؛ اراده نیاز دارد که تقویت شود.

همچنانکه، اگر از استعدادهای درونی خود استفاده کنیم، می توانیم در انواع علوم و فنون صاحب قدرت خلاق شویم، در ورزش، طراحی، نقاشی، کامپیوتر، تندخوانی و بالا بردن ضریب مطالعه از 150 کلمه تا 1500 کلمه و سایر نیروهای خدادادی که در قرآن به آن اشاره شده است:

«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (3)

ص: 32

1- . مردان علم در میدان عمل.

2- . داستان کربلایی کاظم رحمه الله.

3- . سوره تین / 4.



«ما انسان را در بهترین صورت آفریدیم»

در هر يك از اجزای بدن، نیروهای فوق العاده ای نهفته است بطور مثال: تنها در چشم 150 میلیون سلول نوری در پشت کره چشم منتظر دریافت پیام هستند.

براستی ما چقدر به این نیروهای الهی ظلم می کنیم که نمی توانیم از آنها کمال استفاده را ببریم!

## به استخدام درآوردن اراده

اراده انسان بسیار قوی است و این انسان آنچنان قدرتی دارد که می تواند همان کارهایی را که خدا می کند به اذن الهی انجام دهد.

اگر ما اراده مان به قدری ضعیف است که خود را نیز نمی توانیم اداره کنیم، دلیل آن به استخدام در نیاوردن اراده است.

اراده تنها شامل افراد باایمان نیست. بلکه هر فردی گرچه ایمان هم نداشته باشد می تواند اراده را به استخدام خود درآورد.

اراده، يك استعداد قوی در وجود انسان است که گاهی به قدری قوی می شود که از جسم انسان می گذرد و در طرف مقابل تأثیر می گذارد.

برخی مراتبها از به استخدام درآوردن اراده، کارهای فوق العاده ای را انجام می دهند؛ نگاه می کند قطار می ایستد، پرنده می افتد و یا کارهای خارق العاده دیگری که در بررسی حالات آنان مسطور است؛ آنان اعمالی انجام داده اند که اراده را در خود شکوفا نموده اند، در حالی که این اراده آنها جهت خاص و سازنده نیز ندارد.

## اراده مثبت و منفی

ایمان، در اراده قوی نقش بسیار مؤثری دارد. اگر فردی، که اراده اش را قوی می کند و آن را به استخدام می گیرد، مؤمن به خداوند باشد، از این اراده در مسیر مثبت استفاده می کند.

همچنانکه دیگر استعدادهای انسان نیز همین زمینه های مثبت یا منفی را داراست، خط کش ایمان، در بکارگیری استعدادهای بسیار مهم و کارساز است.

در راه پیشرفت و تعالی جوامع بشری بسیار می توان از استعدادهای استفاده کرد و هم می توان این استعدادهای را در خدمت انهدام و تخدیر جوامع بکار برد.

اصولاً متخصصین باایمان، در راه پیشرفت جوامع، قدمهای مؤثری برداشته اند و جوامع زیادی نیز از اراده های منفی ضربه های فراوان خورده اند.

اینچنین است که قرآن نیز ایمان را شرط قبولی اعمال می داند:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (1)

«هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می داریم.»

معجزه در اسلام، بکارگیری اراده حقیقی و آثار آن است. چنانکه قرآن درباره یکی از معجزه ها می فرماید:

«اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ.» (2)

«قیامت نزدیک شد و ماه شکافته گردید.»

شکافته شدن ماه با اشاره نبی اکرم صلی الله علیه و آله معجزه ای است که با قدرت الهی نبوی انجام شد.

این معجزات با اراده هدایت افراد، به مبدأ هستی، انجام گرفت و افراد بی شماری با معجزات انبیاء الهی علیهم السلام به خداوند ایمان آوردند.

## ارکان اراده

اراده، بنا بر نظر فلاسفه، تعبیر به شوق مؤکد شده است، وقتی علاقه زیادی به یک چیز پیدا شد، در درون انسان نیرویی بوجود می آید که این نیروی غیرمادی در درون به اعضای مادی فرمان می دهد که انسان کاری را انجام دهد؛ این شوق مؤکد ارکانی دارد که اگر عمل، با این ارکان انجام شود، نشانگر، عمل از روی اراده حقیقی است و اگر یکی از این پایه ها سست یا نارسایی داشت، عمل از روی اراده حقیقی انجام نمی گیرد.

ارکان اراده را می توان چنین شمرد:

1 - انسان نسبت به انجام یا ترك عمل، دلایل و براهین کافی داشته باشد و جوانب کار را در نظر بگیرد؛ هدفش از انجام یا ترك کار مشخص باشد و آثار و پیامدهای آن را نیز بداند.

2 - پس از شناخت هدف و آثار آن، تصمیم بر انجام کار بگیرد.

3 - پس از تصمیم گرفتن، به تصمیم خود عمل کند.

چکیده مطالب

وقتی مرز اراده مشخص باشد، می توان تشخیص داد که چه اعمالی ارادی هستند و چه اعمالی غیرارادی

1- . سورة نحل / 97.

2- . سورة قمر / 1.

انجام می شوند.

باید بدانیم که اعمال غیرارادی، یا اعمالی که ارکان اراده را ندارند و در این بعد ضعف دارند، اعمال قابل توجهی نیستند.

اعمال غیرارادی را انسان وقتی مرتکب می شود که شرایط ارکان اراده در او نباشد و یا ضعیف باشد مثل عملی که دیوانه انجام می دهد و یا اعمالی که در خواب یا به اجبار و اضطرار یا خطا و اشتباه و یا فراموشی و جهل انجام می گیرند.

لازم است فرق بین اعمال ارادی و غیرارادی را بدانیم تا بتوانیم بین دو عمل افتراق بگذاریم.

باید بدانیم که بسیاری از اعمال ما ارادی نیستند و شوق مؤکد انگیزه عمل نشده است.

لذا بسیاری از اعمال ما، دارای شك و تردید و اهمال و وسوسه می شود و ما توان انجام عمل را نداریم.

گاهی شوک ارادی موجب رکود و سکون اراده می شود گرچه اراده در وجود همه انسانها هست ولی پایه های اراده سست شده و یا قدرت اراده کاهش پیدا کرده است.

حال این ضعف اراده، برآیندهایی دارد که با بررسی آنها، می توان اعمال ارادی و غیرارادی را شناخت.

#### سؤالات

- 1 - چه اعمالی را می توان غیرارادی دانست؟
- 2 - ضعف یا کاهش اراده چه نقشی در عمل دارد؟
- 3 - چرا عمل دیوانه، عملی ارادی نیست؟
- 4 - جبر در انجام عمل چه تأثیری در عمل دارد؟
- 5 - عمل اضطراری را توضیح دهید.
- 6 - جهل و انواع جهالت در عمل را توضیح دهید.
- 7 - شك و وسواس در عمل نشانگر چیست؟
- 8 - آشنایی به احکام الهی چه تأثیری در عمل دارد؟
- 9 - شوک ارادی را توضیح دهید.
- 10 - برآیند ضعف و کمبود اراده چیست؟





برخی اعمال ارادی نیستند و شناخت این اعمال، انسان را نسبت به عمل بر اساس اراده حقیقی راهنمایی می کند؛ با بررسی این اعمال غیر ارادی، که از روی اراده حقیقی نیست، درمی یابیم اعمال ما از چه گروه هستند.

هر کدام از این اعمال غیر ارادی، ارکان اراده را ندارند و یا ضعیف هستند.

### 1 - عملی که دیوانه انجام می دهد

ممکن است، نیرویی بر دیوانه حکم کند که کار خلافی انجام دهد و دیوانه انجام می دهد.

مخصوصاً این امر در دیوانه های ادواری و مقعطی و یا اشخاصی که بسیار عصبی هستند، مصداق دارد؛ این افراد اعمالی را انجام می دهند. اما تقدّم عملی، بر اراده و تصمیم و دلیل دارند و مسأله هنوز برایشان از نظر استدلال و عقل تبیین نشده است، لذا با دلیل کار را انجام نمی دهند.

این تزلزل در ارکان اراده موجب می شود که این قبیل افراد از کار خود نیز پشیمان می شوند و بارها این عمل و پشیمانی و عذرخواهی تکرار می شود.

در اسلام از این افراد حکم برداشته شده است و درباره آنها حکم و حدود اجراء نمی شود، مگر ثابت شود که فردی خود را به دیوانگی زده است. و دیوانگی او مصلحتی بوده است.

### 2 - عملی که در خواب انجام می شود

در حال خواب؛ اگر کسی مرتکب عمل خلافی شود و یا ضرری برساند، چون در حال غیرارادی است و عمل او پایه و ارکان اراده حقیقی را ندارد، لذا مدیون و مرهون نیست.

### 3 - عملی که با جبر انجام می شود

عملی را که فرد تمایل به انجام آن ندارد، لکن بالاجبار انجام می دهد، چون از روی اراده حقیقی نیست؛ درست است که برای انجام عمل بدن و فکر، جسم و روح با هم تشریک مساعی دارند، اما چون اجبار در کار است، اراده او اراده حقیقی نیست و پایه ها و ارکان اراده در عمل اجباری ضعیف است.

#### 4 - عملی که از روی اضطرار انجام می شود

برخی موارد، انسان عملی را انجام می دهد که از نظر عقل و شرع، آن را درست نمی داند اما به خاطر شرایطی خاص، مجبور به انجام عمل می شود.

به طور مثال: انسان عقلاً و شرعاً خوردن گوشت میت را حرام می داند و آن را دوست ندارد. اما اگر در جایی چیزی برای خوردن نداشته باشد و خطر جانی برایش پیش بیاید، برای حفظ جان مجبور است که در حال اضطرار به قدر سدّ جوع از گوشت میت ارتزاق کند.

این کار که از روی اضطرار، انجام می شود، از روی اراده حقیقی نیست، چون پایه ها و ارکان اراده حقیقی را دارا نیست.

#### 5 - عملی که از روی خطا یا اشتباه انجام می شود

در اسلام عمل خطایی، مورد عفو قرار می گیرد. اگر فردی به خیال شکار آهو تیری زد و به انسانی به طور خطا، اصابت کرد و آن فرد کشته شد، چون اراده قتل نداشته اما عمل او منتهی به قتل شده است، عمل از روی اراده واقعی نیست و قتل خطایی نیز از نظر قصاص مورد عفو است.

#### 6 - عملی که از روی فراموشی انجام می شود

گاهی انسان نسبت به موضوعی، مطالعه می کند یا گوینده ای بحث می کند و با استدلال می پذیرد که: عملی را انجام دهد یا عملی را ترك کند؛ چند روزی هم طبق تصمیم خود عمل می کند، اما بعد از گذشت زمان شعاع و ابعاد معنوی گوینده یا نویسنده، اثرش را در روح انسان از دست می دهد. بعد از مدتی استدلال و اثر حرف ضعیف شده و انسان دوباره نسبت به عمل متروك، گرایش پیدا می کند. مطلب را فراموش می کند و یادش می رود، چنین عملی از روی اراده حقیقی و واقعی نیست.

#### 7 - عملی که از روی ناآگاهی و جهل انجام شود

اگر انسان عملی را انجام دهد و نسبت به آن مسأله ناآگاه و جاهل باشد دوراه دارد:

1 - گاهی فردی به دنبال دست یابی به حکم درست نیست و عملی عبادی را بر اساس بافته های ذهنی خود انجام می دهد و بعد از مدتی می فهمد که اعمالش غلط بوده است؛ چنین فردی اعمالش تماماً باطل و نادرست است و احتیاج به اعاده دارد. زیرا جاهل مقصر است.

2 - گاهی فردی عملش را درست فرا گرفته است، اما بعد از گذشت مدتی خود به خود، عمل دچار اشکال گردیده است. مثل خواندن نماز، که وقتی پیش فرد واردی بیان می کند، درمی یابد که

نمازش دچار اشکال است یا غسلش باطل است.

این فرد چون عملش، در سابق درست بوده است و به خیال درستی عمل، آن را انجام می‌داده است اینک نیز عباداتش احتیاج به اعاده ندارد.

پس وقتی انسانی آگاهی به حکم ندارد، چون در اصل انجام آن شوق مؤکد نیست، لذا اراده واقعی نیست.

## افتراق عمل ارادی و غیر ارادی

با دقت در اعمالی که غیر ارادی هستند، مشخص می‌شود که بسیاری از اعمال ما از روی اراده حقیقی نیست؛ بین عملی که از روی اراده حقیقی صورت می‌گیرد و عملی که غیر ارادی است تفاوت وجود دارد.

اگر عملی را انجام می‌دهیم و پس از مدتی آن را رها می‌کنیم، به علت آن است که عمل، از روی اراده حقیقی نیست و پایه‌های اراده، سست است.

شک و وسواس در اعمال، نشانه بی‌اراده بودن است. چون در عمل پایه‌ها و ارکان اراده محقق نیست، لذا وسوسه و شک در دل انسان توسط شیطان رسوخ می‌کند و گاه موجب بطلان اعمال نیز می‌شود.

باید مرز و حدود احکام را بدانیم و از روی پایه‌ها و ارکان اراده، اعمال خود را ارزیابی کنیم؛ بسیاری از اعمال ما غیر ارادی است و با شناخت این اعمال غیر ارادی می‌توانیم روی اعمال ارادی خود کار کرده و اراده را تقویت کنیم.

هرگز کسی نمی‌تواند، ادعا کند که من اراده‌ام ضعیف است و نمی‌توانم عملی را رها کنم، اعتیاد را ترک کنم، یا عملی را انجام دهم، نماز بخوانم یا روزه بگیرم؛ بلکه با شناخت اراده واقعی می‌توان بر تمام این بی‌ارادگی‌ها خط بطلان کشید.

افراط و تفریط در اعمال، هر دو به دلیل بی‌ارادگی است. مثلاً برخی در رعایت و احتیاط در نجاسات و پاکیزه‌ها راه افراط را می‌روند و گروهی دیگر اصلاً اهمیتی به آن نمی‌دهند. در حالی که اسلام دین آسانی است و هرگز بر کسی سخت نمی‌گیرد؛ اشکال در آن است که ما از اسلام به قدر کمی دریافته ایم و بر خود سخت می‌گیریم.

## شوک ارادی

افرادی که کم‌اراده و یا بی‌اراده هستند، اصطلاحاً در علم روانشناسی به آنها تعبیر شوک ارادی

می شود؛ اراده این افراد دچار رکود و سکون شده است.

این افراد اراده دارند، اما پایه اراده شان شکسته و یا قدرت اراده آنها کاهش پیدا کرده است.

انسان عاقل، دارای اراده هست؛ اما این اراده متغیر است. اگر انسان اراده نداشته باشد، دیوانه است؛ حال شاید کسی در چند عمل، اراده ای هم داشته باشد و در برخی اعمال اراده نداشته باشد، اراده اش کامل نیست؛ اما اراده دارد.

خصوصیات هر فرد نسبت به شرایط خاص خود او نسبی است. ممکن است فردی خصوصیت بی ارادگی در وجودش با ضریب 10 باشد و در دیگری با ضریب 70 وجود داشته باشد؛ این خصوصیات نسبت به حالات و روحیات افراد متغیر است.

## برآیند ضعف و کمبود

### اشاره

آنانکه اراده شان ضعیف است و یا کمبود اراده دارند، از نظر اخلاقی خصوصیات ویژه ای دارند.

با بیان این خصوصیات می توان میزان اراده را سنجید، البته لازم به تذکر است که ضریب این خصوصیات در هر فرد متغیر است.

و گاه فردی تمامی این خصوصیات را با هم دارد و گاه با یک خصوصیت دست به گریبان است.

### 1 - قدرت تصمیم گیری ندارند

اگر در تعریف اراده دقت کرده باشیم، بیان شد: اراده، شوق مؤکد است و شوق برخواسته از آگاهی و دلیل و برهان می باشد. وقتی کسی آگاهی و دلیل و برهان نسبت به عملی نداشت، نمی تواند درست تصمیم بگیرد و در این صورت متغیر است.

کسی که بر اساس ضعف اراده قدرت تصمیم گیری ندارد، ضعف او حاکی از جهل، بی دلیلی، یا کم دلیلی و یا ضعف دلیل است. لذا قاطع و برنده نیست که در او تحرك بوجود بیاورد و او را قادر به تصمیم گیری صحیح و اتخاذ به موضع درست نماید.

هر کدام از این دلایل موجب ضعف اراده باشد، سبب می شود که انسان تصمیمی بگیرد و به تصمیم خود عمل نکند یا گاهی تصمیم می گیرد، چند روزی هم عمل می کند اما چون پایه شوق مؤکد ندارد، رها می کند.

### 2 - در فکر خود پروژه زیاد دارند

هر کس نسبت به علم، سن، قدرت و موقعیت خود باید برای آینده برنامه ریزی داشته باشد و

روی برنامه ریزی و طرح خود، کار کند.

معمولاً پروژه و کار و اشتغالات زیاد، با افراد با اراده منافات دارد. مسیری باید درست انتخاب شود و فرد جلو برود، هر قدر موانع بر سر راه هدفش زیاد باشد. او را در رسیدن به هدف سست نکند.

در مثال می توان به افراد معتاد اشاره کرد که این گونه افراد در هنگامی که نشئه هستند، هزاران فکر در سر دارند و هزاران کار انجام می دهند، اما هنگامی که اثر مواد مخدر از بین رفت، تمامی آن افکار بر باد رفته است.

و یا مثال دیگری می توان گفت: که شیطان در هنگام نماز زیاد به انسان القاء می کند؛ تا انسان مؤمن به نماز می ایستد، القائنات شیطانی شروع می شود، که پس از نماز چه کنم و به چه کارهایی باید پردازم، نماز را زود بخوانم و درس بخوانم، بخوابم، بخورم، به دیدار دوستم بروم، بازی کنم، میهمانی بروم و هزاران فکر دیگر که معمولاً بعد از نماز همه از بین رفته و انسان نسبت به انجام کار، دلسرد و سست می شود.

جوان بر اساس اقتضای حالات جوانی در فکر خود برنامه زیاد دارد، می خواهد همه چیز را یاد بگیرد، با همه در بیفتد، جهان را دگرگون کند، اما این برنامه بدون پایه، هیچ مشکلی را که حل نمی کند، بلکه بر مشکلات فکری و اجتماعی جوان نیز می افزاید، معمولاً آنها که دنبال چند شغل و برنامه و کارهای بدون پایه هستند، از نظر اجتماعی هم عقبگرد دارند. زیرا کاری را به ثمر نمی رسانند و دائم از این شاخه به شاخه دیگر می پرند.

علی علیه السلام نیز در روایت سفارش می فرماید:

«قَلِيلٌ يَدُومُ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ.» (1)

«عمل کم و پیوسته بهتر از عمل زیاد و ملالت آور است.»

### 3 - کارها را به تأخیر می اندازند

افراد سست اراده اگر تصمیم به کاری بگیرند، چون انگیزه، قوی نیست، لذا شوق هم زیاد نیست و پایه و ارکان اراده شان ضعیف است. این ضعف موجب می شود که هر کاری را بخواهند شروع کنند به امروز و فردا می اندازند، و آخر نیز موفق به انجام آن نمی شوند.

### 4 - تضاد فکری و عملی دارند

ص: 40

---

1- . غرر و درر آمدی، ترجمه مرحوم انصاری، ج 2، ص 535، حدیث 28.

در اعمال این افراد تعارض موجود است. در فکر چیزی دارند و عملشان چیز دیگری است؛ می خواهند بخوانند، اما رادیو را هم کنار رختخواب روشن می کنند؛ خوابیدن، آرامش می خواهد و این عمل تعارض فکر و عمل را می رساند.

خداوند برای آنکه انسان دارای هدف متعالی باشد. برای او راه را روشن نموده است.

خداوند در قرآن می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ.» (1)

«ای انسان، همانا تو به سوی خداوند تلاش می کنی و سرانجام نیز او را ملاقات خواهی کرد.»

خداوند انسان را به جایی راهنمایی کرده که بی نهایت است؛ رضای معبود و لقای او نامحدود است؛ لذا به انسان نیز یاد داده است که به نامحدود توجه داشته باشد. هر قدر شعاع فکر بالا باشد، تلاش بیشتر است. آن کس که به فکر لقای خداست، آنچه را که مانع رسیدن به اوست از میان برمی دارد.

آن کس که هدفی متعالی ندارد، به عوامل پایین و کم اهمیت می پردازد و عوامل فرعی او را از راه باز می دارد.

اگر به فکر تحصیل هستیم، شعاع فکر ما باید بالاتر از دکترا و تخصص باشد، تا بتوانیم به مراحل متوسط موفق شویم. اگر هدف در درس خواندن اخذ مدرک دیپلم باشد، در میان راه دچار سستی خواهیم شد.

اگر طلاب و دانشجویان و دانش آموزان عزیز، در حوزه علمی خود، هدفشان درسی باشد که در جایی هر قدر محدود، مشغول کار شوند، این هدف پایین، آنها را دچار رکود و مشکل می کند.

در جایی که اهداف انسان بالاست، باید موانع رسیدن به این اهداف را از بین برد. اگر جوان تصمیم به درس خواندن می گیرد، باید از سستی و کاهلی و وقت گذرانی بپرهیزد. این کارها با هدف عالی متعارض است.

گاه تصمیم می گیریم متعبد باشیم، یا نماز شب بخوانیم و یا به واجبات مقید و از محرّمات اجتناب داشته باشیم اما موفق نمی شویم.

زیرا کسی که رعایت اخلاق و عدالت و حقوق افراد را نمی کند و اهل گناه است، توفیق ملکوتی پیدا نمی کند.

پیکری که به انواع بدیها ملوّث شده است، نمی تواند در سطحی قرار بگیرد که مورد نظر ملائکه باشد؛ زیرا مؤمنی که به نماز شب می ایستد، چنانکه ما در زمین ستاره ها را می نگریم، ملائکه نیز در6.

ص: 41

عرش و ملکوت این انسان مؤمن را نظاره می کنند.

لازمهٔ تعبد و تهجد آن است که وجود و پیکر خود را از بدیها پاک کنیم تا لایق عبادت در آستان حق باشیم.

پس اگر تصمیم به کاری می گیریم باید ریشه های آن را محقق کنیم تا به نتیجه برسیم. تضاد در اینجا این است که اگر می خواهیم به کمالی برسیم، نباید کاری خلاف آن انجام دهیم.

اگر رضای حق را می طلبیم ضد رضای حق تعالی را انجام ندهیم. چشم آلوده، به نور حق روشن نمی شود.

قلب گنهگار، به رضای حق نمی رسد، مگر خود را پاک کند؛ زیرا در عمل و هدف تعارض است و افراد بی اراده اینگونه اند که اراده و عملشان هم آهنگ نیست.

کسی که تصمیم گرفته از نظر علمی رشد کند بعد در مسیر تحصیل، فکرش را به امور غیر ضروری متوجه می سازد، معلوم می شود در نظر او این کارها اهمیت بیشتری دارد تا حصول مقامات علمی، وگرنه

باید تمام توان و نیروی خود را صرف هدف اصلی کند نه اینکه قدرت متمرکز را از دست بدهد و توقع داشته باشد با توان نامتمرکز به یک مسیری نائل آید که نیاز به تمرکز تمام قوا دارد.

## 5- زود تحت تأثیر قرار می گیرند

کسانی که سست اراده اند، مرتب تغییر عقیده می دهند و تحت تأثیر تبلیغات و شانتاژها قرار می گیرند. زیرا از خود استدلال و برهان ندارند.

علی علیه السلام در صفات این افراد می فرماید:

«وَهَمَجٌّ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِيٍّ، يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ.» (1)

«مثل پشه هستند، با هر باد به هر سو می روند و از خود نور علم ندارند و به جای محکمی پای بند نیستند.»

قرآن نیز می فرماید:

«مُذَبِّدِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لِأَلِي هُوَ لَاءٌ وَلَا لِإِلِي هُوَ لَاءٌ.» (2)

«آنها افراد بی هدفی هستند که نه سوی اینها و نه سوی آنهایندا (نه در صف مؤمنان قرار دارند و نه در صف کافران.»

ص: 42

1- نهج البلاغه، کلمات قصار، 137.

2- سورة نساء / 143.

اما در مقابل آنها، انسانهای مؤمن با اراده هستند. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«قال الصادق عليه السلام: ان المؤمن اشدُّ من زبر الحديد، ان الحديد اذا دخل في النار تغيير ان المؤمن لو قتل و نشر ثم قتل لم يتغير قلبه.» (1)

«به تحقیق مؤمن استوارتر و محکمتر از پاره های آهن است زیرا وقتی آهن در کوره آهنگری واقع شود تغییر پیدا می کند بر خلاف مؤمن که اگر کشته شود [در راه خدا] و [در آتش سوزانده شود] و خاکسترش بر باد داده شود و [دوباره زنده شود] باز هم کشته شود قلب او متغیر نمی شود و اندک خللی در ایمانش [به خدا] پدید نمی آید.»

آتش بلاها و سختیها و مشکلات، مؤمن را تغییر نمی دهد؛ بلکه به خدا نزدیکتر شده و رنگ کارهایش خدایی می شود.

افراد متلون و متغیر معمولاً به جایی هم نمی رسند و اگر هم برسند ماندگار نیستند و قرآن می فرماید: اگر انسان ایمان آورد و پایداری کند، در برابر این استقامت زمینه های کمال جویی برای آنان مهیا می شود و برکات و ملائکه (یاوران) الهی بر او نازل می شوند.

اصولاً یکی از ابزارهای اساسی و مهم انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام و علماء بزرگ پایداری در تحقق اندیشه ها و اهداف الهی بوده است آنچنان که خداوند در قرآن به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امر می فرماید:

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ.» (2)

«پایداری کن آنچنان که پیامبران قبل از تو نیز مقاومت از خود نشان دادند.»

«فَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ.» (3)

«و ما به تو دستور می دهیم که پایداری از خود نشان بده.»

## 6 - زود عصبانی می شوند

اسلام در پرهیز از خشم و غضب سفارشات فراوانی نموده است. یکی از خصوصیات افرادی بی اراده نیز عصبانیت است که ریشه و اساس آن، جهل است.

استرس (4) یا خشم و غضب در درون روح انسان ریشه ها و عواملی دارد. هر کس بعد از عصبانیت باید فکر کند و ببیند عامل عصبانیت در او چه بوده است؟

معتقد نبودن به اجر الهی و اخروی، توقع زیاد از دیگران، غرور و تکبر، ممکن است از عوامل

ص: 43

1- . بحار الانوار، ج 70، ص 178، روایت 42، باب 52.

2- . سورة احقاف / 35.



3- . سورة هود / 112.

4- [ Stress ] .

خشم و غضب باشد.

با توجه به کشمکشها در می یابیم که شاید ما مقصد را باشیم؛ خوب است تقصیر خود را قبول کرده و معذرت خواهی کنیم؛ اگر اشتباه از طرف مقابل بوده، اگر جای گذشت دارد، بگذریم و صبر کنیم و بدانیم در مقابل صبر، مأجور هستیم.

افراد بی اراده زود عصبانی می شوند و بعد هم زود پشیمان می گردند. ریشه بی ارادگی، جهل و عدم تسلط به عمل است.

انسان مؤمن با توکل به خدا آرامش دارد و با هیچ مشکلی هراسان نمی شود و خشم نمی گیرد.

قرآن می فرماید:

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» (1)

«با یاد خدا دلها آرامش می گیرد.»

اگر برخی نسبت به خداوند بی توجهند و یا گرایشهای مذهبی آنها کمرنگ شده است باید به دنبال علل آن باشند و از این منبع فیض بهره بیشتری ببرند.

عوامل بی توجهی ممکن است گناه، غفلت یا سست شدن پایه های آگاهی باشد.

## 7 - کم صبر هستند

افراد سست اراده یا بی اراده صبور نیستند. در برابر مشکلات و سختیها که لازمه هر زندگی و رشد انسان است، صبر و تحمل ندارند.

جوان در زندگی با مشکلات زیادی روبروست. مشکلات اقتصادی، ازدواج، مسکن، مشکلات رفتاری صاحبخانه، همسر و سایر مشکلات، در هر زندگی کم و بیش وجود دارد.

آنچه مهم است این است که اگر انسان در رفاه باشد، خداوند را فراموش می کند چنانکه قرآن می فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ \* أَلَمْ يَرَأَ أَن رَّآهُ اسْتَغْنَى.» (2)

«همانا انسان تا بی نیاز و غنی شود، طغیان می کند.»

اگر وضع اقتصادی فردی خوب باشد، پول و خانه و ماشین و همسر و فرزند مرتب بوده و احساس رفاه کند، این رفاه او را به طغیان می کشد.

دنیا و آنچه در آنست اگر خوب بود، انبیاء الهی و ائمه علیهم السلام باید به دنبال آن بودند همانگونه که

1- . سورة رعد / 28.

2- . سورة علق / 6 و 7.

مشتی سنگ به فقیری می دادند و جواهر می شد، برای آنان کاری نداشت که خود از این ذخائر زمین استفاده کنند. اما چرا نکردند؟

حضرت علی علیه السلام 90 چاه حفر کرده و وقف عام نمود، 40 نخلستان، بعمل آورد و وقف مردم نمود، در حالی که خود با نان خشک جو و نمک ارتزاق می کرد.

پس دنیا و راحتی آن، برای مؤمن ملاک عمل نیست؛ مؤمن از دنیا به عنوان پلی (1) برای رسیدن به آخرت استفاده می کند. نه اینکه دنیا را قرارگاه دائم بداند و به دنبال دست یابی به نعمت بیشتر باشد.

کم صبیری در مسائل ناسپاسی است.

قرآن می فرماید:

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَرْصِ مِنَ الرُّسُلِ.» (2)

«صبر کن، چنانکه انبیاء الهی صبر کردند.»

در سوره شعراء که خصوصیات بسیار از انبیاء الهی را می شمارد؛ در يك امر، تمام انبیاء وجه مشترك داشته اند و آن صبر و پایداری در برابر فرمان خدا بوده است برای انبیاء پیروزی و موفقیت در رسالت، زیر لواء صبر و استقامت بوجود آمد. مؤمن نیز باید صبور باشد، تا شامل بشارت این آیه گردد.

قرآن می فرماید:

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» (3)

«کسانی که به خدا ایمان آوردند و خدا را معبود یافتند و در این عقیده پایدار ماندند و استقامت ورزیدند، ملائکه بر آنها نازل می شوند و به آنها می گویند: برای شما ترس و اندوهی نیست.»

اگر کسی صبور نباشد و انتظار نزول ملائکه رحمت و نجات را در سختیها داشته باشد، فکر و اندیشه باطلی را در سر می پروراند و این امری متناقض است. نمی شود هم دنبال دنیا رفت و هم به زندگی خوش آخرت و رضای خدا رسید، مگر ایمان کامل باشد.

چکیده مطالب

اصولاً دانستن ارکان هر عمل و روشن بودن مرزهای عمل در عملی که انسان انجام می دهد، بسیار مؤثر است. اگر بخواهیم اراده را تقویت کنیم، باید حدود و مرزهای آن را بدانیم لجاجت و اراده را تفاوت قائل 0.

ص: 45

1- . «انما ادنیا قنطرة...»؛ میزان الحکمة ج 3 ص 337 ح 6033.

2- . سورة احقاف / 35.



باشیم، اثر اعمال مستحب و افراط و تفریط در اعمال را بدانیم و بهر حال سعی کنیم در همه ابعاد میانه رو باشیم.

بهترین روش، روشی است که قرآن به آن دستور داده است و دانستن احکام الهی نیز در انجام عمل بسیار تأثیر خواهد گذاشت چنانکه خداوند افراط را طرد می کند، تفریط را نیز قبول ندارد.

در جسم و روح انسان تفاوت هایی است که این تفاوت ها در عمل نیز مؤثر خواهد بود. چنانکه در بعد جسمی ابزاری برای تقویت هست در بعد روحی نیز خداوند ابزاری برای تقویت اراده قرار داده است.

لازم است انسان ابزار الهی را بشناسد و آن ابزاری که بدست خود او به قدرت می رسند را نیز به نحو احسن از آنها استفاده کند.

انسان دارای صفاتی در وجود خود می باشد که این صفات ابعاد وجود انسان را تشکیل می دهند. آگاهی پیرامون ابعاد وجود، موجب شناخت بیشتر از وجود انسان و عمل آگاهانه و ارادی می گردد.

### سؤالات

1 - چرا باید با احکام الهی آشنا شویم؟

2 - لزوم فراگیری مرزها چیست و چه نقشی در عمل دارد؟

3 - بعد منفی تقویت اراده را بنویسید و مثال بزنید.

4 - بهترین روش ارائه شده در اعمال چیست؟

5 - چرا افراط و تفریط هر دو روشهای مطرود شناخته شده اند؟

6 - به چند نوع ابزار تقویت روح اشاره نمائید.

7 - ابزار الهی در وجود انسان را توضیح دهید.

8 - ابعاد وجود انسان را بیان نمائید.

9 - صفات الهیه چه صفاتی هستند؟

10 - وجه تسمیه صفات عاطفی چیست؟

برخی افراد که در مزایای اراده و برآیندهای آن تحقیق می کنند و درمی یابند که اراده چقدر مهم است و لزوم شکوفایی آن را درک می کنند، به فکر آن می افتند که اراده خود را تقویت کنند؛ این تفکر در تقویت اراده بسیار خوب و متعالی است؛ اما باید روش کار درست باشد. آنان که در راه تقویت اراده، خود را در تنگناهای جسمی و روحی قرار می دهند، روزه های بی شمار می گیرند، کم می خورند، کم می خوابند، با اقوام ارتباطی ندارند، منزوی و گوشه گیر می شوند از خانواده غافل می گردند، راه افراط یا تفریط را می روند و بسیاری از موارد آن درست نیست؛ بلکه خوب است که انسان از راه درست به ایجاد زمینه، برای شکوفایی اراده بپردازد. اگر چه روزه خوب است، اما افراط در روزه های مستحبی، انسان را دچار ضعف و مشکلات جسمی می کند و به نحوی می شود که از عبادت و کارهای واجب نیز باز می ماند.

همچنانکه پر خوری بد است و عوارض شومی دارد. (1) نخوردن نیز عواقب شوم تری دارد.

پس اگر تصمیم به تقویت اراده دارید باید متعادل و میانه رو باشید. هرگز راه افراط و تفریط را نروید و قرآن که روشنگر راه است می فرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا.» (2)

«ما شما را امتی متعادل قرار دهیم.»

اسلام با هر دو گونه این روشهای غلط، چه افراط و چه تفریط، مبارزه کرده است، و ذکر این مبارزات در تاریخ مسطور است.

### تفاوت تقویت در جسم و روح

مشخص شد که انسان باید زمینه های شکوفایی اراده را بوجود بیاورد. انسان باید بتواند کاری کند، که اراده اش به مرحله اراده الهی برسد.

اما تقویت در بُعد معنوی و روحی با بُعد جسمی و مادی تفاوت دارد. تفاوت تقویت در آن است:

در بعد جسمی، انسان باید تغذیه شود، تا اندامهای او تقویت شوند.

اما در بعد روحی، برای تقویت انسان، چیزی به او اضافه نمی شود.

ص: 47

1- . به کتب مربوطه مراجعه شود.

2- . سورة بقره / 143.

تلقین در این مرحله نقش اساسی دارد و اولین مرحله برای شناخت استعدادهاى هر فرد در درون او بشمار می رود. قدرت روحی در اثر تلقین بارور شده و زمینه برای مراحل شکوفایی اراده بوجود می آید.

اگر به فردی تلقین شود اینک: «تو می توانی به هدف خود برسی، تو شجاع هستی یا قدرت کافی داری»، از نظر روحی تقویت شده و اراده فرد به مرحله معرض و بروز گذاشته می شود.

لازم است به این نکته مهم توجه داشته باشیم که تقویت و شکوفایی استعدادها نیاز به ابزار مناسب دارد.

## ابزار تقویت روحی

بیان شد که مجردات در وجود انسان از نفخه الهی وجود دارند. برخی از صفات الهی نیز بر اساس همان نفخه در وجود انسان قرار دارند، که برای رسیدن به قدرت و عمل کرد حقیقی این استعدادها، باید شکوفا شوند.

روح در همه انسانها وجود دارد اما اگر روح بخواهد در جسم انسان عمل کند، ابزار می خواهد تا وجود خارجی پیدا کند.

عقل در نهاد هر انسانی هست و وجه تمایز او با حیوان می باشد. اما تکامل عقل نیاز به ابزار دارد.

کودک از ابتدای تولد دارای عقل هست. استعداد تعقل دارد. اما به این علت که ابزار تکامل در او به نحو کامل وجود ندارد لذا بیشتر اعمال کودک، غیر عاقلانه است.

اگر کودکی به آتش دست می زند، ابزار خطرناک را برمی دارد، به توصیه های والدین بی توجه است، به معنای آن نیست که عقل ندارد، بلکه عقل او به مرحله و بروز و نمود نرسیده است.

روانشناسی کودک می گوید: در برابر تمام کارهای کودک نایستید و همه کارهای او را مانع نشوید بعضی از این اعمال به نسبت دیگری انجام می شود اما نمود خارجی آن اشتباه است؛ مثل کنجکاوی و خرابکاری که نمود هر دو یکی است.

بسیاری از اعمال کودک به علت جهل، کنجکاوی، کاستیهای روحی و یا نیازهای عاطفی است؛ باید اعمال کودک بررسی شوند تا علت اعمال او روشن گردد.

پس اگر عقل بخواهد مسیر درست را طی کند باید از ابزار درست برای شکوفایی آن استفاده شود اراده نیز بر همین اساس نیاز به ابزار صحیح برای شکوفایی دارد.



## ابزار الهی در وجود انسان

چنانکه برای روح نیاز به ابزار لازم برای شکوفایی است خداوند در بُعد جسم نیز ابزاری قرار داده است تا جسم انسان به مرحله تکامل برسد. انسان در این بُعد هیچ نقشی ندارد.

از بدو تولد انسان، اعمالی به وسیله ابزار الهی، در بدن او صورت می گیرد که تا لحظه مرگ به اذن الهی به کار خود مشغول هستند و اگر انسان نکات بهداشتی اسلام را رعایت کند، هیچ گاه با مسأله و مشکل روبرو نمی شود.

دستگاههایی چون مغز، گوارش، قلب، چشم، گوش و سایر اعضای بدن طبق هماهنگی با اراده الهی به کار طبیعی خود مشغولند. سالها وقت لازم است که انسان بتواند نسبت به این اعمال، آگاهی بدست بیاورد. چنانکه با این همه پیشرفت که در عرصه علم و بیولوژی انسان صورت گرفته است هنوز بسیاری از مسائل در پرده ای از ابهام مانده است.

به هر حال آنچه مسلم است، انسان در نحوه عملکرد این سیستم های داخلی هیچ نقشی ندارد و این اعمال به طور خودکار انجام می شود؛ آنچه به انسان مربوط است، آن است که در نیروهایی که دخل و تصرف دارد، امکان شکوفایی و رشد را بوجود بیاورد.

## ابعاد وجود انسان

### اشاره

انسان در وجود خود ابعاد گوناگونی دارد و وجود انسان از یک سری صفات، تشکیل شده است.

شناخت ابعاد گوناگون وجود، راهنمای خوبی برای پی بردن به مسائلی است که از هر کدام از ابعاد وجود سرچشمه می گیرد.

### 1 - صفات الهی

یکی از ابعاد وجود چنانکه مطرح شد، متشکل از صفات الهی است که در پی دمیدن نفخه در پیکره مادی انسان در وجود انسان قرار گرفت.

این صفات الهی، همان صفاتی هستند که اگر به مرحله بروز و نمود برسند، انسان قدرتهای فراوان و خلاقیتی را پیدا خواهد کرد.

اگر انسان بخواهد آنچنان باشد که خالق انتظار دارد، باید در شکوفایی این استعدادها کوشش لازم را بنماید.

### 2 - صفات شیطانی

برخی از صفات انسان از بعد شیطانی سرچشمه می گیرد. شیطان از ماده شطن و در لغت به معنای

ضرر زننده و مضر می باشد.

شیطان نیز چون وجودی آزار رسان و مضر است، به همین نام نامیده می شود. در لسان روایات، عوامل مضر، تعبیر به شیطان شده است، حتی در اشاره به میکروبهای بیماری زا، چون به وجود انسان و محیط زیست زیان و آزار می رسانند در تعریف آنها از لغت شیطان استفاده شده است. مثلاً در روایات می خوانیم:

«شیطان، در زیر ناخن بلند لانه می کند.»<sup>(1)</sup>

«زباله، اگر شب در ساختمان باشد آشیانه شیطان است.»<sup>(2)</sup>

«روی ظرف آب، در شب، پوشش بگذارید و گر نه لانه شیطان است.»<sup>(3)</sup>

«اگر ظرفی بشکند، شیطان در لابلای شکستگی ظروف لانه می کند. لذا در ظرف شکسته غذا نخورید.»<sup>(4)</sup>

به همان نسبت که میکرب به جسم انسان آزار می رساند و شیطانی است، صفاتی نیز در وجود انسان هست که شیطانی است و علت شیطانی بودن آن این است که از بعد حیوانی سرچشمه گرفته است.

برخی از صفات چون: حسادت، ظلم، دروغ، غیبت و امثال اینها صفاتی شیطانی هستند. و هم برای خود انسان مضر و عامل رکود هستند و هم اجتماع را با مشکل روبرو می کنند.

### 3 - صفات حیوانی

برخی از صفات انسان با حیوان مشترك است. انسان بنا به اقتضای مادی بودن خود به این صفات نیاز دارد و باید مرزهای آن را رعایت کند تا در صفات حیوانی غرق نشود. حب به مقام، برتری جویی یا تفوق طلبی جزء صفات حیوانی است و از آن به غریزه تعبیر می شود. غرایز صفاتی هستند که بین انسان و حیوان مشترك است.

بسیاری از گناهان، منشأ آن صفات حیوانی است. چنانکه شیر جنگل، مصداق اتم مقام خواهی در میان حیوانات است، حیوانات بزرگ نسبت به حیوانات کوچک حالت قدرت طلبی دارند و لذا بر سر این مقام یکدیگر را نیز از بین می برند.

انسان نیز گاهی در صفات حیوانیت آنچنان غرق می شود و حب مال و مقام و پول و شهرت او را

ص: 50

1- . میزان الحکمة، ج 5، ص 590، حدیث 11068.

2- . میزان الحکمة، ج 10، ص 93، ح 20024.

3- . میزان الحکمة، ج 1، ص 125، ح 648.

4- . حلیة المتقین و مکارم الاخلاق، آداب الاکل و الشرب.

می‌گیرد، که حتی به نزدیکترین عزیزان خود نیز رحم نمی‌کند، این چنین است که انسان باید این صفات را در خود کنترل کند و رعایت خصوصیات اخلاق و دین را در مورد دیگران بنماید.

#### 4 - صفات مادی

انسان به اقتضای مادی بودن خود، برخی صفات مادی را نیز دارا می‌باشد؛ اگر انسان غذا می‌خورد به علت وجود مادی اوست که احتیاج به رشد و نمو دارد؛ انسان برای بقای نسل به توالد و تناسل و تکاثر احتیاج دارد.

این صفات با صفات حیوانیت اشتراك دارد و اگر انسانی تنها همتش در خوردن و شهوترانی باشد در این زمان است که بعد حیوانیت را در نیاز مادی داخل کرده است. انسان برای بقاء، احتیاج به غذا دارد، ولی از طرفی چون حیوان نیست که هر چه شد بخورد و از هر کجا شد، غذا بدست بیاورد.

هر چند این غذا حرام و شبهه ناک هم باشد. لذا انسان در خوردن، باید رعایت حقوق الهی و اجتماعی را بنماید و نهایت دقت را در چگونگی تحصیل غذا مبذول دارد. چنانکه در شهوترانی نیز انسان چون حیوان آزاد نیست. حیوان در اطفاء شهوت گاه با محارم نیز در می‌آمیزد، اما انسان در بعد غریزه جنسی، باید راه و روش و اصولی را مراعات کند و آنچه شرع برایش بیان کرده، رعایت نماید.

#### 5 - صفات عاطفی

به هر صفتی که با صفت دیگر پیوند پیدا کند به آن عاطفه می‌گویند؛ اموری که پیوند بین دو رکن و دو صفت در انسان می‌دهد قوای عاطفی هستند

عشق و محبت صفت الهی هستند. قرآن می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (1)

«آنهايي که ايمان دارند عشق و محبتشان به خدا شديدتر است.»

حال اگر کسی، دوستی با کسی را به خاطر پول و مقام او برقرار کند، محبت حقیقی را ندارد؛ بلکه محبت به خطا رفته است.

صفات عاطفی بین پیکره مادی و معنوی پیوند برقرار می‌کند. گاه این پیوند در بعد غریزی مثل غریزه جنسی، حب به مال، قدرت طلبی، مال اندوزی که بعد غرائز انسان است و وجه مشترك بین انسان و حیوان می‌باشد. در اینجا بعد عاطفی این غرائز را با معنویت پیوند می‌دهد. عطف بین دو صفت، صفات عاطفی هستند.

ص: 51



## چکیده مطالب

با توجه به ابعاد وجودی انسان، در برخورد با مشکلات و صفات شیطانی و حیوانی انسان نیاز شدید به شکوفایی اراده دارد. برای شکوفایی اراده خداوند در وجود انسان ابزاری قرار داده است و هر فرد باید با توجه به این ابزار، اراده را در خود شکوفا کند.

در دین مبین اسلام، نمونه های عملی و الگوهایی ارائه شده است که افرادی در شکوفایی اراده چنان پیش رفته اند که اراده آنها بر مخلوقات عالم مؤثر واقع شده و آنان در کارهای خارق العاده موفق بوده اند.

کارهایی که آنها انجام داده اند، برخاسته از همان صفت الهیه اراده بوده است.

روشهای عملی برای شکوفایی اراده در افراد وجود دارد که هر فرد باید بداند که چگونه از این روشها استفاده کند.

سیطره بر اعمالی که انسان انجام می دهد مثل بیان، رؤیت، مشی، راه رفتن، خوردن و سایر اعمال موجب شکوفایی اراده است.

تسلط بر روح و سیطره بر روح در شکوفایی اراده بسیار مؤثر است. دقت در مصرف انرژیهای مادی، درمان کاستیهای جسمی، تسلط بر قوای جسمی، آشنایی با مشکلات روحی توازن علمی و عملی روح، از بین بردن زمینه های تضعیف روحیه، از جمله عواملی هستند که زمینه های شکوفایی اراده را تحقق می بخشند.

## سؤالات

- 1 - چرا باید اراده را در خود شکوفا کنیم؟
- 2 - نمونه ای عملی از شکوفایی اراده را بیان نمایید.
- 3 - آیا اراده فرد با اراده در دیگران نیز مؤثر است؟
- 4 - در چه کارهایی باید متانت را لحاظ کنیم؟ و متانت در اراده چه تأثیری دارد؟
- 5 - تسلط بر روح چه ابعدی دارد؟
- 6 - انرژیهای مادی را چگونه باید مصرف کرد؟ و رابطه آن با اراده چیست؟
- 7 - تسلط بر قوای جسمی از چه راههایی امکان پذیر است؟
- 8 - چگونه باید با مشکلات روحی مبارزه کرد؟ مشکلات روحی چه تأثیری بر اراده دارند؟
- 9 - در برخورد با شکستها بهترین روش کدام است؟
- 10 - زمینه های تضعیف روحیه چیست؟ روحیه ضعیف انسان در اراده او چقدر مؤثر خواهد بود.



با دقت در صفات و ابعاد وجودی انسان، این مطلب روشن می‌شود که انسان در برخورد با صفات شیطانی و حیوانی و برای به خطا نرفتن قوای عاطفی، نیاز شدید به شکوفایی اراده دارد.

چنانکه بیان شد، اراده، صفتی الهی است و خصوصیات و روشهایی برای شکوفایی آن بیان شده است. برای اراده‌ابزاری در وجود انسان هست چنانکه در رابطه با بعد مادی، خداوند ابزاری در وجود هر انسانی، برای شکوفایی آنها قرار داده است.

انسان چون از دو بعد مادی و معنوی تشکیل شده است، قطعاً در شکوفایی اراده باید روی این دو بعد سرمایه‌گذاری کند.

شکوفایی اراده و تلاش انسان برای تقویت اراده این اثر را دارد که قوای فطری، عقل و وجدان و روح نیز قوی می‌شود و وجود انسان همان وجودی می‌شود که بر عالم هستی و تکوین قدرت و احاطه دارد. برای آنان که در آینده تصمیم دارند مدارج بالای علمی و معنوی را طی کنند لازم است که در شکوفایی اراده موفق باشند.

### الگوهای عملی در شکوفایی اراده

برای ما جای بسی افتخار است که دین مبین اسلام، در هیچ کجا مطلب گنگی ندارد، در رابطه با هر موضوع روانشناسی و اجتماعی و دینی و غیره، الگوهای عملی به دنیا عرضه کرده است.

در احوالات عیسی بن مریم علیه السلام می‌خوانیم که از معجزات ایشان این بود که مرده را زنده می‌کردند (1)، در حالی که این کار فقط منحصر به خداوند است. اما عیسی بن مریم علیه السلام در مرحله‌ای از شکوفایی صفات الهی است که اراده اش، اراده الهی است.

اگر در احوالات ائمه علیهم السلام می‌خوانیم که مثلاً امام هادی علیه السلام را متوکل در جایی قرارداد که منزلگاه حیوانات درنده بود و می‌خواست آنها حضرت را بخورند. اما به محض ورود حضرت به جایگاه حیوانات درنده، آنان به رسم تواضع و تکریم برای حضرت احترام می‌گذارند، این عمل آنها، احاطه قدرت و سیطره ارادی حضرت نسبت به آنهاست. زیرا تمام موجودات در عالم هستی به تعبیر قرآن چنین هستند:

ص: 54

«يسبح لله ما في السموات و ما في الارض»(1)

«آنچه در زمین و آسمان است، برای خداوند تسبیح می کنند.»

این بعد معنوی و روحی امام هادی علیه السلام است که حیوان را مسخر او قرار داده است.

وقتی حضرت موسی علیه السلام اراده می کند، عصای چوبی او تمام مارهای ساحران را می بلعد.(2)

پس انسانی که در بسیاری از مسائل ضعیف است و احساس ضعف می کند، می تواند با استفاده از قدرت معنوی و شکوفایی اراده چنین احاطه ای بر عالم هستی و کون داشته باشد.

چنین استعدادهایی در وجود انسان است و برای پیشرفت در مراحل علمی و اجتماعی روی این بُعد باید سرمایه گذاری بیشتری انجام شود.

## تأثیر اراده در دیگران

### اشاره

یکی از آثار اراده قوی این است که اراده انسان در طرف مقابل تأثیر می گذارد. کسی که دارای اراده قوی است می تواند اراده را، در دیگران نیز تقویت کند.

اگر در حالات ائمه علیهم السلام می خوانیم که در برخورد با افراد گنهکار، جاهل یا غافل به نحوی عمل می کردند که طرف مقابل، مجذوب آنها می شد و یا دست از خلاف برمی داشت، از تأثیر اراده قوی آنها بود.

اگر در احوالات امام خمینی رحمه الله می بینیم که یاران ایشان، در مواقعی که احساس ضعف و سستی می کردند و در مسیر انقلاب خود را می باختند، با صحبت‌های ایشان نیرو می گرفتند، از تأثیر اراده قوی امام رحمه الله در آنها بود.

بهر حال اراده قوی، هم برای خود شخص مفید است و هم دیگران از این اراده تأثیر می پذیرند.

و کسانی که می خواهند در اجتماع خدمت کنند و وظیفه خود را نسبت به مردم انجام دهند باید اراده ای قوی داشته باشند؛ عالم، پزشک، معلم، استاد دانشگاه و همه اقشار، مخصوصاً آنهایی که به نحوی از انحاء با جوانان در ارتباط هستند، برای تأثیر در دیگران باید خود دارای اراده ای قوی باشند.

## الف - روشهای شکوفایی اراده

### اشاره

آنچه تاکنون بیان شد، نشانگر آن بود که انسان نیاز مبرم به تقویت و شکوفایی اراده دارد.



1- . سورة جمعه / 1.

2- . سورة شعراء / 45.

## 1 - متانت در عمل

چنانکه بیان شد، چون ابعاد وجود انسان دو بعد مادی و معنوی دارد، باید در شکوفایی اراده نیز این دو بُعد لحاظ شوند.

اگر بخواهیم فکر خود را تحت پوشش اراده قرار دهیم، لازمه اش بکار گرفتن قوای مادی و جسمی است. اگر به فردی بگویید: «یک روز غذا نخور»، تحمل برایش آسانتر از آن است که به او بگوید: «ده دقیقه فکرت را متمرکز کن.» هرگز توان این تمرکز نیست؟! زیرا قوای جسمی بر روح انسان حاکم است و تسلط بر روح وجود ندارد یا کم‌رنگ است.

لذا تسلط در امور مادی، برای ما تسلط بر روح را نیز به ارمغان می آورد. متانت در اعمال، تسلط بر اعمال و امور مادی بسیار مهم است و برای تقویت اراده امری لازم می باشد زیرا ما در امور جسمی قوی هستیم و قوای مادی بر ما حاکم است، ابتدا باید روی بعد مادی تسلط پیدا کنیم، تا آنجا که ممکن است باید ضعفهای عمل از بین بروند تا اراده بتواند زمینه های شکوفایی را بدست آورد.

## 2 - متانت در بیان

متانت در بیان بسیار مهم است. در قرآن اگر بررسی و تفحص شود، با مطالعه آیاتی که پیرامون بیان ذکر شده است و ماده هایی چون قول، قولاً و قولوا در این خصوص، حدود 16 خصوصیت برای حرف زدن بیان کرده است. (1)

ملايم حرف زدن، فصیح و بلیغ بیان کردن، متین و با ادب بودن، پرهیز از دشنام و هتاک و دروغ و تهمت و تمسخر، آرام حرف زدن و غیره خصوصياتی است که در متانت قول باید رعایت شوند.

برخی افراد با داشتن سطوح علمی بالا به خاطر نداشتن بیان خوب، در اجتماع موفق نیستند. لذا لازم است، کسانی که در مسیر ارشاد و هدایت دیگران هستند، لهجه را کنار بگذارند و سعی کنند ادبی و فصیح حرف بزنند تا برای دیگران درک کلامشان امکان داشته باشد.

## 3 - متانت در رؤیت

ما انسانها معمولاً زیاد می بینیم و از چشم استفاده می کنیم، اما اکثر این دیدنها متین نیست و تعمق ندارد؛ قرآن نیز می فرماید:

ص: 56

---

1- توضیح در المعجم المفهرس قرآن کریم با مراجعه به ماده قول.

«وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا.» (1)

«برای آنها چشمهایی است که با آن نمی بینند.»

دیدن انسان باید حساب شده و روی اصول باشد، زیرا که هر عضوی از انسان دارای مسئولیتی خطیر است. چشم عضوی است که گناه با آن جان انسان را آتش می زند و قرآن نیز می فرماید:

«إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.» (2)

«همانا که گوش و چشم و قلب، مسؤولند.»

نگاه متین، فواید بی شماری دارد که یکی از آنها پی بردن به آثار و بزرگی خداوند و مخلوقات اوست. برای آنکه این شناخت، روشنگر راه برای ارشاد و هدایت انسان باشد.

#### 4 - متانت در مشی

متین راه رفتن زحمت دارد، اما با تمرین قابل پیگیری است. آنها که در راه رفتن رعایت اصول اخلاقی را نمی کنند، تند می روند، نظر حرام می کنند، تنه می زنند، تند می روند و گاهی هم بر اثر بی احتیاطی، زمین می خورند یا دیگران را زمین می زنند، و به زحمت می اندازند، نشانگر روح پرتلاطم و ضعف اراده آنهاست. مخصوصاً افرادی که برای دیگران الگو هستند، در راه رفتن باید متانت بیشتری به خرج دهند.

بد راه رفتن و راه رفتن همراه با رکود نیز مطرود است. برخی افراد قدم به قدم راه می روند در حالی که در بحث «تند روی» مطرح است که بین هر قدم تا یک متر می تواند فاصله باشد، ضمن آن که سریع حرکت می کنیم متانت را نیز رعایت کنیم.

تسلط در راه رفتن را می توان با دیدن بزرگان و رفتار آنان دریافت که چگونه هم سریع می روند و هم مواظب اعمال و حرکات خود هستند باید سرعت در عین حال متانت در راه رفتن ایده آل، مورد توجه قرار گیرد.

#### 5 - متانت در غذا خوردن

سعی کنیم در خوردن متین باشیم. متانت در غذا خوردن در اراده مؤثر است. اگر جایی میهمانی دعوت می شویم، به خاطر خدا هم که شده، سعی کنیم آداب معاشرت صحیح اسلام را رعایت کنیم، به قدری پر خوری نکنیم که، عمل ما موجب سرافکنندگی افراد مؤمن شود.

ص: 57

1- . سورة اعراف / 179.

2- . سورة اسراء / 36.

برای غذا خوردن به سبک تربیت اسلامی نیز روشهایی در اسلام مطرح است. (1)

در هنگام خوردن حرف نزنیم، لقمه را کوچک برداریم، دهان را بی اندازه باز نکنیم، آرام غذا بخوریم، غذا را خوب بجویم.

## ب: تسلط بر روح

### اشاره

یکی از زمینه های شکوفایی اراده تسلط بر قوای روحی است. با توجه به اینکه اراده متخذ از بعد معنوی و روحی انسان و جزء صفات الهی است؛ لذا از بعد مادیات و مقوله مادی نیست. اگر انسان بخواهد به قدرت اراده نائل شود و اراده در او شکوفا گردد باید نسبت به روح تسلط داشته باشد.

ما الآن بر اعضای مادی خود تسلط بیشتری داریم. روح ما در غلبه جسم ماست و علت آن این است که حرکات ما صرفاً مادی است.

اگر ما بتوانیم به قوای روحی خود، مسلط شویم، جسم ما تحت سیطره روح قرار می گیرد. وقتی سیطره، با قوای معنوی و روحی شد، جلوه هایی از کارهای خارق العاده و قدرتهای معنوی عظیم برای انسان پیش می آید.

### جلوه های سیطره روح

پیامبران و ائمه علیهم السلام و اولیای الهی نمونه بارز کسانی هستند که جسم آنها تحت سیطره روح قرار گرفته است.

اعمالی که این اولیای الهی انجام می دهند، وجود مادی صرف نمی تواند، این کارها را انجام دهد.

یکی از این کارها «طی الارض» است.

«طی الارض» مقامی است که انسان در وجود مادی ندارد؛ در يك آن که تصمیم بگیرد، مسافتهای طویل را بدون استفاده از قوای مادی می پیماید؛ این مقام برای کسانی محقق می شود که احاطه روحی بر بعد مادی داشته باشند.

وجود مادی انسان، ویژگیهای خاصی دارد. وقتی ماده سیطره دارد، مسأله وزن پیش می آید، احتیاج به زمان و مکان است و در حرکت مادی، مسایل خاصی است اما موجودات معنوی چنین موانعی ندارند. بطور مثال: صدا ماده است اما ماده ظریفی است که از موانع می گذرد و وارد يك محوطه ای می شود.

بسیاری از ویژگیهای اولیای الهی به خاطر احاطه روح بر بعد مادی است؛ اگر ما چند وعده غذا

ص: 58

نخوریم، به حالت سستی و رخوت درمی آییم. اما آنها که از نظر معنوی قوی هستند و معنویت بر جسم آنها حاکم است، چنین مشکلی ندارند.

شاید شنیده باشید: سربازان اسلام در جنگ خندق، به علّت کمبود مواد غذایی، هر چند نفر با يك خرما ارتزاق می کردند. محیط جنگ، هوای گرم، زحمت و کار شدید، خستگی و احتیاجات شدید غذایی، آنها را، سیطره روحی، سامان می بخشید و آنها قادر به تحمل مشکلات بودند. (1)

امام حسین علیه السلام و یارانشان چندین شبانه روز، تشنگی کشیدند و حتی قطره آبی نداشتند، با این حال در عاشورا در میدان جنگ، جهاد هم کردند؛ این صبر و مقاومت آنها تنها به خاطر تقویت ابعاد روحی آنها بود که کمبودهای مادی را برایشان جبران می کرد.

### ج: احتیاط در مصرف انرژیهای مادی

#### اشاره

یکی از زمینه های شکوفایی اراده احتیاط در مصرف انرژیهای مادی است. کسانی که می خواهند اراده را در خود تقویت کنند و زمینه های شکوفایی آن را به وجود بیاورند، باید در اعمال خود دقت بیشتری داشته باشند.

مصرف انرژیهای مادی انواعی دارد، که انسان در این رابطه ها باید نیروهای مادی خود را صرف نماید:

1 - حرف زدن.

2 - شنیدن.

3 - نگاه کردن.

4 - راه رفتن.

5 - خوردن.

#### 1 - حرف زدن

#### اشاره

یکی از راههای سعادت انسان زندانی کردن زبان است. در روایات نیز در فرهنگ اسلام نسبت به این مسأله توجه خاصی شده است. (2)

از نظر روانشناسی اسلامی، چون زبان منشأ بسیاری از گناهان و خطاهاست لذا باید نسبت به آن توجه بیشتری منظور شود. علمای علم اخلاق حدود 70 گناه را می شمارند که از زبان صادر

1- . تاريخ اسلام.

2- . ميزان الحكمه ج 8 ص 496 حديث 17886.

می شود. گاهی انسان، با خود تصمیم هم می گیرد که حرفی را نزنند ولی وقتی در جلسه ای قرار می گیرد، بی اختیار، آنچه نمی خواسته بگوید، مطرح می کند.

این مطلب نشانگر آن است که تسلط بر زبان بسیار مشکل است؛ اما اگر این تسلط به مرحله بروز برسد، برکات زیادی برای انسان دربر خواهد داشت.

کسانی که می خواهند از نظر روحی قوی شوند باید کم حرف بزنند. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَإِنْ قَلَّ مَا تَعْلَمُ» (1)

«آنچه نمی دانید، نگوئید، بلکه تمامی آنچه را که می دانید نیز، نگوئید.»

کم حرف زدن از نظر تقویت و شکوفایی اراده بسیار مؤثر است. این رهنمود بسیار روشنی از علی علیه السلام است که هر چه نمی دانید نگوئید؛ از صحبت‌های اضافه پرهیز کنید؛ سعی کنید تمامی آنچه را که می دانید نیز بیان نکنید. مثل فارسی است که:

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد.

علمای علم اخلاق گوشزد می کنند که خداوند يك زبان قرار داده است، و دو گوش که یعنی بیشتر بشنوید و کمتر حرف بزنید.

بسیاری از گناهان و کاستیهای جسمی و روحی بر اثر، عدم مراقبت از زبان بوجود می آید.

و زبان می تواند ضربه های جبران ناپذیری به قوای روحی و جسمی وارد کند.

لذا مراقبت از زبان در تقویت اراده بسیار مؤثر است و احتیاط در حرف زدن برای شکوفایی اراده ضروری است.

دقت در احوال بزرگان و اولیای الهی این نکته را مشخص می سازد که آنها کم می گویند و بجا حرف می زنند؛ اگر ساعتها در محضر چنین افرادی باشید، جز به ضرورت، سخن به میان نمی آورند.

کم حرف زدن زمینه ساز تفکر و تأمل و تدبّر می شود و این خود زمینه تقویت قوای روحی است. قبل از حرف زدن لازم است قدری فکر کنیم که هدف از حرف زدن چیست؟ یاد خدا است؟ تذکر است؟ نهی از منکر است؟ امر به معروف است؟ مفید است؟ مضر است؟ ارشاد است؟ ویرانگر است؟ هدف داشتن در حرف زدن، زمینه ساز کم حرف زدن است.

## تفکر یا تخیل؟

در خصوص تفکر، اسلام بسیار سفارش فرموده است و روایات زیادی پیرامون فکر کردن در





متون فرهنگ اسلام به چشم می خورد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«تَفَكَّرُ سَاعَةً أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»<sup>(1)</sup>

«یک ساعت تفکر از یک سال عبادت بالاتر است.»

و قرآن بارها انسانها را مورد خطاب قرار می دهد:

«أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ، أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ»<sup>(2)</sup>

«آیا تفکر نمی کنید؟ آیا تدبّر نمی کنند؟»

اگر کسی می خواهد سکوت کند و حرف نزند باید به تفکرات خود جهت بخشد و دقت داشته باش که تخیل منفی نیز مضر است.

تخیل صحیح و جهت دار، خوب است و از نظر روانشناسی، آنها که تخیلات قوی دارند، زمینه نبوغ هم، زیاد دارند.

خیال و گمان در حول و حوش تعقل، خوب است اما اگر تخیل، جهت نداشته باشد و مبدل به خیالبافی و خلق موارد غیر ممکن خیالی شود، مضر است.

## 2 - شنیدن

احتیاط در شنیدن نیز از زمینه های شکوفایی اراده است؛ بسیاری از شنیدنیها غیر ضروری هستند و برخی علاوه بر صرف وقت، باعث از بین رفتن قوای جسمی انسان نیز می باشند.

در مسائل حرام، فرهنگ اسلام، استماع را حرام می داند؛ گوش دادن به موسیقیهای حرام، غیبت، دروغ، تهمت، حرام است.

بهتر است انسان از جلسات گناه، دوری کند اما اگر امکان خارج شدن از چنین جلساتی وجود ندارد، در اینجا برای فرار از استماع و آلودگی بر گناه، اسلام سمع را جایز می داند. سمع به معنای آن است که شما صحبت یا نوار یا صدایی را می شنوید اما استماع نمی کنید و روی آنها تجزیه و تحلیل ندارید.

برخی افراد در چنین جلسات، با وجود حضور از مباحث مطروحه در جلسه، چیزی به خاطر نمی آورند و این رعایت کردن جنبه سمع است وقتی استماع نباشد، گوش، در اختیار صداها نیست، لذا از مطالب نیز چیزی در ذهن جای نمی گیرد.

ص: 61

1- . بحار، ج 72، ص 326.

2- . سورة انعام / 50 و سورة نساء 82 و سورة محمد صلی الله علیه و آله / 24.

### 3 - نگاه کردن

برای ایجاد زمینه های شکوفایی اراده، دیدن نیز باید طبق ضوابط باشد. ضابطه نگاه درست این است که نگاه به پدیده های هستی باید نگاه خاص باشد و روی این نگاه خاص، فکر شود. قرآن نیز در این باره می فرماید:

«فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ» (1)

«ای رسول ما به سوی آثار رحمت الهی نظاره کن.»

چشم باید در مسیر ایمان و بدست آوردن آگاهیهای بیشتر بکار گرفته شود؛ نگاه باید جهت داشته باشد. در نگاه خاص، هدفی دنبال شود و بعد نسبت به آن تأمل و تدبر گردد. نگاههای بی هدف، گناهبار، هوس آلود و خیانتکار، چون بر خلاف تدابیر الهی است، موجب می شود که انسان را از مراحل رشد بازدارد، روایت می فرماید:

«النظر سهم من سهام ابليس» (2)

«نگاه آلوده تیری از تیرهای شیطان است»

حتی گاهی نگاه، آلوده نیست اما چشم، چنان بی هدف می چرخد و همه چیز را از نظر می گذراند که بعد از فکر در چند ساعت نگاه کردن، هیچ چیز از آن در مغز ثبت و ضبط نشده است؛ از ساعتها نگاه بی هدف، نتیجه خاصی برداشت نکرده است.

این نگاههای بی هدف است که برخی افراد از خیابانی بارها عبور می کنند اما چون تعدد نگاه دارند، چیزی از مغازه ها و خصوصیت خیابان در ذهن ندارند و در مقابل سؤال از آنها در این مورد متحیر می مانند. اینجا مصداق نگاه بی هدف است.

احتیاط در انرژی و مصرف آنها، در نگاه کردن مصداق دارد و نگاه خاص می تواند، انرژی هدر رفته انسان را به ثمر بنشانند.

### 4 - راه رفتن

برای ایجاد زمینه های شکوفایی اراده باید انرژی مصرف شده در راه رفتن اصولی باشد؛ هر گونه صرف انرژی در بُعد مادی باید حساب شده باشد تا در بُعد معنویت کارایی داشته باشد؛ زیرا این دو بُعد وجود انسان، مکمل و متمم یکدیگرند.

ص: 62

1- . سورة روم / 50.

2- . «چشم و نگاه» اثر دیگر مؤلف و میزان الحکمة ج 10 ص 78 ح 19983.

راه رفتن نیز يك بعد صرف انرژی است؛ از راه رفتن بدون جهت و پرسه زدن در کوچه و خیابان نمی توان، به اهداف معنوی رسید. اگر محرك حرکت ما هدفی الهی باشد، عیادت از بیمار، دیدار از اقوام، خویشان و خانواده های گرفتار، کمک به دیگران، شرکت در مراسم مذهبی تحصیل علم و روزی حلال و غیره، راه رفتن را با اهدافی الهی توأم می سازد، که هر کدام آنها به عنوان عمل نیکی در نزد خداوند متعال ثبت خواهد شد.

برخی حرکتها و رفت و آمدهای همراه با گناه، از دست رفتن انرژی جسمی و باز ماندن از ابعاد روح است؛ اگر رفتن به محلی را غیرضروری می دانیم، تصمیم بگیریم و اراده کنیم که این کار را انجام ندهیم؛ مراقبت و مواظبت از انرژی مادی، زمینه شکوفایی ابعاد روحی را دربر دارد.

## 5 - خوردن

یکی از زمینه های شکوفایی اراده، توجه و دقت در بعد خوردنیهاست.

بالاترین مسأله در بعد خوردنیها، پرهیز از غذای حرام و شبهه ناک است. غذاهای حرام شامل اموال غصبی، خمس و زکات نداده، نجس، و همینطور خوردنیهایی که از نظر شرع مقدس اسلام حرام است، می شود. پرهیز از غذاهایی که ماهیت آنها برای ما روشن نیست نیز لازم است.

خوردنیهای غیربهداشتی و ناسالم نیز مواردی هستند که باید حتماً از آنها پرهیز شود. علم تغذیه، مرحله بعدی دقت در خوردنیهاست. باید بدانیم هر فرد، در روز به چه میزان انرژی برای ادامه حیات نیاز دارد، انواع منابع تغذیه کدام هستند و برای دسترسی و تهیه يك غذای سالم باید به چه راههایی متوسل شویم.

دقت در مصرف خوردنیها، ویتامینها، پروتئین ها، مواد ضروری یا غیرضروری موجب می شود تا غذای صحیحی وارد دستگاه گوارش شود.

بسیاری از خوراکیهایی که ما می خوریم، مورد نیاز بدن نیست و ما فقط برای دستگاههای مختلف بدن - برای سوخت و ساز این مواد -، ایجاد زحمت می کنیم.

برخی مواد غیرضروری نیز موجب از بین رفتن انرژی حاصل از مواد ضروری برای بدن می شود. مصرف ترشیجات زیاد یا نوشابه های قوی، به همراه غذا موجب تولید اشکال در دستگاه گوارش می شود. گوارش ناصحیح مواد غذایی، موجب ضعف در دستگاههای مختلف بدن و در نتیجه باعث بیمار شدن انسان می شود.

### اشاره

یکی از زمینه های شکوفایی اراده دقت در مسائل و مشکلات جسم انسان است. ناسازگاریهای جسمی ضرری به اراده نمی زنند اما چون اراده گاهی نمودش در بعد مادی است باید مشکلات جسمی را برطرف کرد؛ اگر جسم انسان سالم باشد، می توانیم از او توقع داشته باشیم که در شکوفایی ابعاد روحی با ما همراه باشد. دقت در اعضای بدن و شناخت لازم نسبت به کارآیی هر يك از اعضاء، انسان را در رسیدن به اهداف متعالی یاری می دهد.

هر عضو بدن، دارای استعدادهای ویژه ای است که شناخت آنها لازم است. و ضروری است که با اندك مشاهده کاستی در هر يك از اعضاء، نسبت به رفع کمبود در آن عضو بکوشیم. اگر دست دارای نیروهای نهفته است و می تواند صاحب هنر در فنون خطاطی، نقاشی، طراحی، یا تایپ شود، اگر چشم، به جای خواندن 200 کلمه قادر است تا 1500 کلمه در هر دقیقه بخواند، اگر انسان، زمینه های نبوغ و استعداد در وجودش فراوان است و روی هر بعد کار کند، نتیجه های شگفت و محیر آن را خواهد دید، هشدار می است برای ما که این استعدادها را بشناسیم.

توجه به بهداشت اعضای بدن لازم است؛ بکار بستن نکات بهداشتی برای عموم افراد ضروری است.

اگر چشم دچار ضعف یا نقص در بینایی شود با مشاهده آثاری چون قرمزی، خارش، سوزش، احساس درد در چشم باید با چشم پزشك مشورت شود تا بینایی دچار اشکال نشود. اگر دندان دچار پوسیدگی شود، لازم است ترمیم شده و جرم گیری شود. مسواک زدن و رعایت موازین بهداشتی امری لازم است.

به هر حال کاستی در هر يك از اعضاء (دست، پا، قلب، دستگاه گوارش، دستگاه تنفس، مغز و غیره) باید جبران شوند. مخصوصاً این کار برای آنها که اهل مطالعه و کارهای فکری هستند، امری لازم است. اگر انسان دچار بیماریهای حاد و عفونی شود ضریب مطالعه اش پایین می آید. رشد مطالعه و برنامه های فکری نیز از بین می رود. اگر به این کاستیها توجه نشود، در زمانی که انسان در اوج بلوغ و نبوغ فکری است، يك يك سیستمهای بدن دچار نقص شده و کارآیی خود را از دست می دهند و انسان را با مشکل مواجه می سازند.

ممکن است بیماری، ساده مثلاً سرماخوردگی باشد، اما در اثر بی توجهی، همین سرماخوردگی ساده منشأ بیماریهای عفونی مثل: سینوزیت، برونشیت، آسم، آلرژی و یا بیماریهای کلیوی می شود. لذا نباید بیماریها را ساده گرفت.

### جامعیت دستورات اسلام

مؤمن باید در اصلاح جسم بکوشد، تا مشکلی برای شکوفایی زمینه های استعداد خود نداشته باشد، اگر کسی مدعی مسلمانی است باید به دستورات شرع مقدس پیرامون مسائل مختلف توجه و دقت و عمل داشته باشد.

با نگاهی گذرا به متن فرهنگ اسلام در می یابیم که اسلام از کوچکترین عضو انسان و عمل مادی او غافل نبوده است و برای همه چیز حساب مستقلی باز کرده است.

ناخن، مو، اصلاح، لباس، نظافت، تمیزی، حمام، خوردن، خوابیدن، تخلی، مسواک، راه رفتن، گفتن، خندیدن، شنیدن، دیدن، گوش، بینی و سایر اعضا و اعمال انسان دستورات بهداشتی و اخلاقی خاصی دارند. (1)

هر کدام از این اعمال باید طبق شرایط انجام شوند و انجام این اعمال طبق شرایط خاص ما را به این نتیجه می رساند که: اگر به تمامی موازین شرع عمل نکنیم، هیچگاه کاستی، بیماری و لغزش در اعمالمان بوجود نمی آید و در نتیجه در پیمودن ابعاد روح نیز دچار مشکل نمی شویم.

این بعد جسم و روح، متمم و مکمل یکدیگرند و ما نمی توانیم ابعاد جسمی و مادی را نادیده بگیریم و یا به ابعاد روحی بی اعتنا باشیم.

## ه: تسلط بر قوای جسمی

### اشاره

یکی از زمینه های بالندگی اراده، تسلط بر قوای جسمی است. پس از درمان کاستیهای جسم، باید انسان بتواند، نسبت به قوای جسمی احاطه پیدا کند.

احاطه بر قوای جسم، یکی از دستوراتی است که در رابطه با خودسازی نیز در شرع مقدس اسلام روی آن تأکید شده است. دانشمندان روانشناس نیز بر این عقیده اند، برای ساختن ابعاد روح، ابتدا باید تسلط و سیطره و احاطه بر قوای جسمی پیدا شود.

بطور مثال: برای خودسازی تصمیم می گیریم، نماز شب بخوانیم. اگر بیدار شویم، وسوسه های نفسانی، توجیه های فراوان در ما بوجود می آورد. که: «واجب نیست، سرما می خوری، هوا سرد است، آب نیست، فردا به کار نمی رسی، سر کلاس خوابت می برد و...» در اینجا باید چه کنیم؟

روایت می فرماید:

اگر از خواب بیدار شدید و این وسوسه ها به جان شما افتاد، لازم نیست مدت نماز را طولانی کنید، یا در هوای سرد وضو بگیرید. بلکه در همان اتاق با يك لیوان آب وضو بگیرید و ساده ترین نماز شب که سه رکعت است بجا آورید و ذکر را بگویید. زیرا ذکر خدا و یاد خدا به انسان انرژی

ص: 65

می بخشد.

«أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.» (1)

انجام این عمل ساده، تسلط بر قوای جسمی است. هر قدر در ابتدا مشکل باشد اما کم کم تسلط بیشتر می شود و به انجام عمل مقید می شویم.

و یا مثال دیگر: تصمیم می گیریم قرآن بخوانیم. اگر دیدیم حال نداریم، خسته می شویم، لازم نیست در هر روز يك جزء قرآن بخوانیم، بلکه قرآن بخوانیم هر چند خواندن چند آیه كوچك باشد. این امر موجب می شود برنامه به هم نخورد و کم کم جسم نسبت به این امر مقید شود. چنانکه در قرآن می فرماید:

«فَأَقْرءُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (2)

«از قرآن هر قدر می توانید تلاوت کنید.»

### نظم و شرطی شدن

نظم در کارهای فیزیکی، زمینه ساز رشد و معنویات اراده است و منافع فراوانی برای انسان به همراه دارد، به نحوی که روح و جسم در انجام این امور با هم هماهنگ و شرطی می شوند.

اگر تصمیم به کار می گیریم، هر قدر خسته باشیم، بیمار باشیم، محل کار یا استراحت ما تغییر کند، اما هماهنگی جسم و روح به هم نمی خورد.

اصطلاحاً در روانشناسی، به تقید روح و جسم، شرطی شدن می گویند و یکی از دانشمندان غربی نقل می کند:

من خودم را عادت داده بودم که دو ساعت قبل از طلوع آفتاب بیدار شوم، يك روز که بیمار بودم و شب تا دیر وقت هم نخوابیده بودم، اما صبح دیدم سر ساعت معین از خواب بیدار شدم.

کسانی که غذا را منظم می خورند، به محض این که ساعت غذا می رسد، شکم اعلام گرسنگی می کند و معده آماده تحویل غذا می شود.

به هر حال نظم در امور مادی و فیزیکی موجب شرطی شدن می شود و تسلط بر جسم بوجود می آید و این تسلط زمینه سيطرة روحی را فراهم می سازد.

### الگوهای عملی در سيطرة بر قوای جسمی

1- . سورة رعد / 28.

2- . سورة مزمل / 20.

اولیای الهی، نمونه بارز سیطره بر قوای جسمی هستند، فرهنگ اسلام مملو از سرگذشت کسانی است که با تسلط بر قوای جسمی به مقامات شامخ معنوی رسیده اند.

در شرح حال علی علیه السلام می خوانیم:

در جنگی، تیری به پای حضرت برخورد کرد. نتوانستند آن را بیرون بیاورند، تا زمانی که حضرت به نماز ایستادند. در آن هنگام تیر را از پای حضرت جدا کردند و ایشان نفهمیدند. (1)

در حالات امام سجاد علیه السلام آمده است:

امام سجاد به نماز مشغول بودند، يك مار افعی روی شصت پای امام قرار گرفت و حضرت نفهمیدند، و بین زمین و آسمان منادی، ندا کرد «انت زین العابدین» توزینت عبادت کنندگان هستی. (2)

شاید برخی فوراً این اشکال را مطرح کنند که ایشان از ائمه علیهم السلام و اولیای الهی بودند و قدرت خاصی داشتند، اما در بین توده های مردم هم این نمونه ها به نحو پابینتری به چشم می خورد.

اگر جوانان فوتبالیست را دیده باشید، برخی از اینها به قدری سرگرم زمین و توپ و گل هستند و دائم دنبال توپ می دوند و سرنوشت او را دنبال می کنند، که گاه زمین می خورند اما اهمیتی نمی دهند، به راه ادامه می دهند و بعد از اتمام بازی گاه می بینند که بدنشان زخمی و کبود هم شده است. اما آنها در لحظه بازی متوجه این امر نبودند. این يك نمونه احاطه بر جسم است و یا در جای دیگر:

کودک، پای تلویزیون نشسته است و مشغول تماشای کارتن یا فیلم است، هر قدر مادر او را صدا کند نمی فهمد. آنقدر غرق در عالم خود است که دیگر صدایی نمی شنود. آنقدر روح احاطه بر جسم پیدا کرده است که حواس، کارآیی خود را از دست داده اند.

اگر بعد جسمی انسان قوی و سالم باشد، (منظور از دقت جسمی این نیست که از نظر حجم و وزن زیاد باشد بلکه منظور توان جسمی است که این امر منحصر به چاقی و هیکل مند بودن نیست) تسلط بر آن آسانتر است و ایجاد زمینه برای شکوفایی ابعاد معنوی، زودتر بوجود می آید.

## و: آشنایی با مشکلات روحی

یکی از مواردی که موجب شکوفایی اراده می شود، آشنایی با مشکلات روحی است.

استعدادهای روحی زمینه ساز بالندگی اراده هستند و اگر این مسائل روحی و عاطفی و معنوی در

ص: 67

1- . اتبایة الهداة ج 1.

2- . اتبایة الهداة ج 2.



انسان ضعیف شوند، اراده هم ضعیف می شود. یکی از مسائل بغرنج و حاد عموم مردم جامعه ما این است که نسبت به مشکلات روحی، یا شناخت ندارند و یا عوارض ناشی از بیماریهای روحی را نمی دانند.

مردم به اندازه ای که روی تب و سرماخوردگی و عوارض جسمی ناشی از آن شناخت دارند، نسبت به عوارض روحی، این شناخت را ندارند. همه از تب می ترسند، زیرا عوارض ناشی از آن مثل عفونتها، تشنج، بیماریهای کلیوی، بیماریهای گوارشی، بیماریهای دستگاه تنفسی یا ضعف جسم را به خوبی می شناسند. لذا فوراً در صدد معالجه بر می آیند. اما در بعد مشکلات روحی، وضع به این صورت نیست و آگاهی لازم وجود ندارد.

بطور مثال: روانشناسان عقیده دارند، افسردگی، سرماخوردگی روحی است. همچنانکه فردی در سال چندین بار از نظر جسمی سرما می خورد، از نظر روحی نیز دچار افسردگی می شود. و همچنانکه اگر سرماخوردگی درمان نشود، عوارض حاصله از آن جبران ناپذیر است، عدم توجه و معالجه افسردگی نیز همین خطرات مشابه را در پی دارد و گاه عوارض روحی ناشی از افسردگی، غیرقابل درمان می شود.

و در برخی موارد حالت مزمن و واگیر پیدا می کند و در دیگران نیز تأثیر منفی می گذارد.

پس همانطور که، با مشاهده تب، به دنبال علت و درمان آن بر می آییم، نسبت به نمادها و نشانه های بیماری روحی نیز باید آشنایی داشته باشیم.

## علائم بیماریهای روحی

### اشاره

کسی که دوست دارد همیشه او را تعریف کنند، از نظر روحی بیمار است.

کسی که تحمل انتقاد از دیگران را ندارد، بیمار است.

عصبانیت، دلیل بر بیماری روحی می باشد.

گوشه گیری و انزواطلبی، نموداری از یک بیماری روحی اند.

عقده، کینه، حسادت، از بیماریهای روحی ناشی می شود.

بی حالی، سستی، رخوت و کسالت، خود نوعی بیماری هستند.

بی میلی به انجام کارهای خوب نیز، نوعی بیماری روحی محسوب می شود.

جلوگیری از کارهای خوب و اشاعه فحشاء نوعی بیماری روحی تلقی می شود.

همچنانکه اگر تب می کنیم، به دنبال پزشک حاذق و متخصص هستیم تا بیماری، درست تشخیص داده شود. در بعد بیماریهای روحی نیز باید با پزشکان ذیربط مشورت کنیم.

علمای علم اخلاق، روانشناسان و روانکاوان، پزشکان روح می باشند، مشاورین کسانی هستند که با مشاهده اولیه آثار بیماری باید به آنها مراجعه شود تا بیماری را تشخیص و راههای درمان را عرضه کنند.

باید توجه داشته باشیم که با يك جلسه مشورت، انتظار بهبودی کامل نداشته باشیم؛ گاه لازم است روزها روی يك کاستی، کار کنیم، در محضر اساتید حاضر شویم و از اهل فن اشکالات خود را بپرسیم تا موفق به درمان ناراحتی روحی شویم.

پس باید، حتماً پایداری و استقامت داشته باشیم. که خداوند نیز پیامبر صلی الله علیه و آله را امر به صبر فرمود.

«فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ» (1)

«ای پیامبر ما، استقامت و پایداری را پیشه خود ساز همچنانکه قبلاً نیز به آن امر شده بودی.»

## ارزیابی اعمال

دقت و محاسبه اعمال از نظر اسلام بسیار حائز اهمیت است. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

«لَيْسَ مَن لَّمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ» (2)

«از ما نیست، کسی که هر روز، نفس خود را محاسبه نکند.»

هر روز، روی اعمال خود دقت داشته باشیم. اگر فکر کردن آنقدر اهمیت دارد که روایت می فرماید:

«تَفَكَّرْ سَاعَةً أَفْضَلَ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ» (3)

«يك ساعت تفکر بالاتر از عبادت يك سال است»

برای این است که فکر کردن، انسان را رشد و تعالی می بخشد.

در احوالات بعضی اصحاب ائمه عليهم السلام هست که ایشان برخی مواقع به حضور ائمه عليهم السلام می آمدند و فکر و اعمال خود را عرضه می کردند، اعمال خود را تست می کردند و نظر آنها را نسبت به اعمال خود جویا می شدند.

به عنوان نمونه، شخصی خدمت علی علیه السلام آمد و عرض کرد:

1- . سورة هود / 112.

2- . بحار الانوار ج 70 ص 73 و ميزان الحكمة ج 2 ص 407 ح 3845.

3- . بحار ج 72 ص 326.

من برخی مواقع، کاری که انجام می‌دهم، در انتظار جبران قویتر از طرف مقابل هستم.

حضرت فرمودند: تو بیماری (1).

ما باید بدانیم که اگر نمی‌توانیم کار خوب انجام دهیم، قرآن بخوانیم یا نماز با حال بخوانیم، دچار بیماری هستیم. گاه ساعتها لهو و لعب و گفتگو و خنده ما را خسته نمی‌کند اما انجام دو رکعت نماز بسیار سخت است. اینها نشانه بیماری است.

تا زمانی که جسم و یا روح دچار مشکل باشند، ترفیع مقام ممکن نیست. علم در پرتو تسالم روح و جسم محقق می‌شود. اگر علم بدون سلامت روح باشد، در خدمت گناه و غفلت و مال اندوزی در می‌آید و اگر روح و جسم سالم نباشد، انسان موفق به درک مفاهیم علم نمی‌شود.

تعادل فکری در پناه روح و جسم سالم است.

## ز: توازن علمی یا عملی روح

### اشاره

یکی از عوامل مهم در شکوفایی اراده، توازن علمی یا عملی روح است.

برخی افراد از نظر روحی توازن ندارند. این عدم توازن گاهی جنبه علمی و گاه جنبه عملی دارد.

به این معنا که گاه علم روحی، نسبت به اعمال کمرنگ است و گاه علم موجود است ولی عمل دچار اشکال می‌باشد.

در برخوردها، شکستها، موفقیتها، پیروزیها و در کلیه افعال و کردار انسان، باید این تحلیل و توازن علمی یا عملی برقرار باشد. انسان باید نسبت به کلیه امور شناخت کامل و توازن داشته باشد و یا با تلقین توازن را بدست آورد.

### تحلیل درست

گاهی فردی از نظر مادی، مشکل دارد، فقیر است، مرتب، در امور مالی شکست می‌خورد، رشد نمی‌کند و مثل برخی افراد، از نظر مالی وضعش خوب نیست.

تحلیل علمی و توازن، آن است که، باید این فرد، علت فقر را بشناسد و از نظر عقلی، علت شکستها و عدم توفیق خود را بررسی نماید، کاستی‌ها را بشناسد و دنبال رفع آن باشد.

اینجاست که فقر به او ضربه روحی نمی‌زند، بلکه عاملی برای تقویت روحیه و مصمم شدن برای رفع شکستها می‌شود. شکست در این مرحله عملی است ولی علم شکست نخورده است.

برخورد غلط و عدم توازن، آن است که فقر باعث عزت و گوشه‌گیری، بیماریهای روحی، عدم اعتماد به نفس، احساس شکست و

حقارت و سایر مسائلی می شود که مشکلات فقر را دامن

ص: 70

---

1- . «خود سازی» اثر دیگر مؤلف.

می زند. در اینجا فقر، هم چهره سیاه خود را می نمایاند و هم فرد مبتلا در این رابطه دچار مشکل روحی و بی ارادگی می شود.

## برخورد با شکستها

در زندگی، معمولاً شکست وجود دارد. شاید برخی افراد اصلاً شکست نخورده باشند. اما این استثناء است. در هر يك از ابعاد زندگی که در نظر داشته باشیم، شکست ممکن است شکست در مقام، کسب و تجارت، خانواده، روابط اجتماعی، شکست سیاسی، ضربه روحی، تهاجم اخلاقی یا سیاسی به افراد، بی شمار پیش می آید.

باید انسان بداند که به علل برخی مسایل شکست همواره قرین اوست. ما نباید انتظار داشته باشیم که هرگز شکست نخوریم، دنیا بر وفق مراد ما باشد و ما هیچگونه ناراحتی و عدم توازن نداشته باشیم.

اگر چنین روحیه ای در ما حاکم باشد، کوچکترین نقصان در هر يك از ابعاد زندگی کافی است، که ضربه های روحی مهلك بر ما وارد آورد.

باید بدانیم که شکست وجود دارد. هر کاری که می کنیم، احتمال شکست و عدم موفقیت را نیز در آن لحاظ کنیم. باید سعی کنیم که شکست نخوریم و عوامل ضعف را از بین ببریم.

اما اگر احیاناً پروژه ما با شکست مواجه شد، روش صحیح برخورد با آن کدام است؟ در عین حال که شکست برای همه افراد ناگوار است، تحلیل درست و توازن علمی یا عملی درباره شکست، این مطلب را روشن می کند که این شکست مقدمه و زمینه پیروزی های بعدی است.

کسی که در زندگی شکست نداشته باشد، طعم و مزه پیروزی را نمی چشد.

انسان باید آماده شکستها و ضربات باشد و هر چه انسان ضربات را در خود هضم کند، در درون متصل به عالم ملکوت و ابدیت می شود. چنانکه در جهان ماده نیز محسوس است. تا دانه و بذر، حصار و زندان زمین و سنگ را نشکافد و از موانع با فشار و سختی بالا نیاید به فضای باز و نورانی زمین نمی رسد و بارور نمی شود.

## قرآن و شکست

یکی از روشهای عملی قرآن در ارتباط با هدایت و ارشاد امم، طرح داستان است داستانهای زیادی در قرآن وجود دارد که انواع و اقسام، موضوعات را شامل می شود. برای اینکه قرآن، انسان را با روش زندگی صحیح آشنا کند، الگوی عملی ارائه می دهد. و بارها انسانها را دعوت به تفکر، تدبر،

تأمل و صبر و استقامت و عبرت می نماید. در این موارد به آیات بی شماری برخورد می کنیم:

«فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ...» (1)

«عبرت بگیرید، ای کسانی که صاحب عقل و بصیرت هستید»

«عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ...» (2)

«در سرگذشت پیامبران درس عبرتی برای صاحبان اندیشه هست.»

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» (3)

«همانا کسانی که ایمان آوردند، سپس استقامت ورزیدند، ملائک بر آنها نازل می شوند و به آنها بشارت دهند که: نهراسید و غمگین نباشید.»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا...» (4)

«ای کسانی که ایمان آوردید (در برابر مشکلات و هوسها) استقامت و صبر کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید.»

استقامت در برابر مشکلات، بشارت ملائک را در پی دارد. قرآن عامل موفقیت انبیاء را صبر معرفی می کند. در خلال داستانهای آنان و نمونه مشکلاتی که آنان تحمل کردند، چون اهانت، بهتان، دشنام، ضرر جسمی، ضربه های روحی، افتراء، نسبتهای ناروا و مسائل دیگر، اما صبر آنها، موجب موفقیت آنها شد.

لذا خداوند با ذکر داستانهای انبیاء پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز امر به صبر می فرمودند:

«فَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ...» (5)

«استقامت کن، چنانکه قبلاً نیز بدان امر شده بودی»

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أَوْلُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ...» (6)

«صبر و استقامت داشته باش همچنانکه انبیاء اولوالعزم صبر کردند»

توصیه به صبر سازنده و ابعاد صبر، بحث مفصلی است که خود نیاز به بررسی، وسیع دارد.

اما آنچه قرآن در مورد سختیها به انسان بشارت می دهد و تأکید می کند این است که:

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا...» (7)

- 
- 1- . سورة حشر / 2.
  - 2- . سورة يوسف / 111.
  - 3- . فصلت / 30.
  - 4- . آل عمران / 200.
  - 5- . هود / 112.
  - 6- . احقاف / 35.
  - 7- . شرح / 5 و 6.



«به یقین با (هر) سختی آسانی است! (آری) مسلماً با (هر) سختی آسانی است.»

شکست، همواره هست اما راحتی و نشاط پیروزی، طعم تلخ شکست را از بین می برد. مهم آن است که شکست، روحیه را از بین نبرد و فرد را تحت الشعاع خود قرار ندهد. برای فرار از هضم شدن در سختیها و تحمل آنها، باید خود را به نیروی لایزال الهی نزدیکتر کنیم. اهداف الهی، تحلیل و جبران شکست را آسان می کند.

### سیره عملی ائمه علیهم السلام

فرهنگ غنی اسلام، سرشار از حوادث عبرت آموزی است که هر مسلمان با اراده باید به آنها توجه داشته باشد. این توجه، تحمل سختی را آسان می کند.

حضرت علی علیه السلام نمونه بارز این الگوی عملی است. علی علیه السلام در عین حال که شجاعت داشت، درباره ضربه شمشیرش جبرئیل چنین ندا داد:

«ضربه علی يوم الخندق افضل من عبادة ثقلین»<sup>(1)</sup>

«اجر ضربه علی علیه السلام در جنگ خندق، از همه عبادت جن و انس بیشتر است.»

و یا آن هنگام که در برابر کافر می جنگید، چنین آمد:

«لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار»<sup>(2)</sup>

«جوانمردی چون علی علیه السلام نیست، و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد»

حال چنین شیرمردی که از این دلاوریها فراوان در تاریخ اسلام درباره او ثبت است، بعد از جریان رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله آنچنان مسائلی برای حضرت بوجود آمد که حضرت در عین قدرت، صبر کرد، خود ایشان می فرماید:

«صبرت فی الحلق شجی و فی العین قصی»<sup>(3)</sup>

«صبر کردم مثل کسی که خاری در چشم و استخوانی در حلق او باشد.»

بر اهانتها، بر توهین به همسرش، بر اسائه ادب به همسر و قتل کودک و همسرش، بر آن همه ناروایی که از حکومت افراد نالایق بر جامعه اسلامی روا داشته شد، صبر کرد در عین حال که قدرت داشت و اگر صبر او نبود، اسلام نیز نبود.

امام حسین علیه السلام امام بود، قدرت امامت داشت، تمام نیروهای مافوق مادی از جمله جمادات و

2- . برای آگاهی بیشتر به تاریخ اسلام مراجعه شود.

3- . نهج البلاغه خطبه شقشقیه.

ملانکه و جن، در اختیار او بودند، معجزه داشت، قدرت بدنی در مقابله با دشمن را داشت اما راضی شد به این که در يك نیم روز خود و یارانش در راه رضای خدا و اعتلای دین او به شهادت برسند. در روز عاشورا و در مراحل مختلف پیام حضرت دائماً این بود که:

«الهی رضی برضائک تسلیماً لأمرک و صبراً علی قضائک لا معبود سواک.»

«خدایا به رضایت راضیم و تسلیم امر تو هستم و بر قضای تو صبورم که معبودی جز تو نیست.»

و در ظاهر هم امام حسین علیه السلام شکست خورد، کشته شد، یارانش به شهادت رسیدند، خانواده و فرزندان او اسیر شدند، دور شهر به عنوان خارجی، در ملاء عام گردانیده شدند، سر مبارک خود و یارانش در منازل مختلف در بالای نیزه قرار گرفت. ولی آنکه از بین رفت باطل بود، اینک پس از 14 قرن، هنوز نام او و خاطره فداکاریهای او در تاریخ و سینه های مردم ثبت و باقی است.

## الگوهای عملی تاریخ

ذکر صبر و تحمل ائمه علیهم السلام در نزد برخی ایجاد این شبهه را می کند. که آری آنان امام بودند، از قدرت معنوی خاصی برخوردار بودند، ما که امام نیستیم.

در ردّ این شبهه می توان گفت:

در تاریخ افراد صبور و بااراده کم نبوده اند. از صدر اسلام تاکنون، ذکر داستانهای این افراد در تاریخ بسیار رفته است؛ کسانی که با درس گرفتن از ائمه علیهم السلام چون آنان صابر گشتند: عمار یاسر، سمیه، بلال حبشی، ابوذر غفاری، سادات، علماء، اصحاب و اولیاء دین همواره در معرض شکنجه و آزار و شکست بوده اند. حکومتهای جور پیوسته در صدد محو نام اسلام و پیروان راستین آن بوده اند و هر کس که داعیه مسلمانی داشته است پیوسته در معرض تهاجم، زندان، شکنجه، آزار و تبعید بوده است.

بزرگانی چون علامه حلّی رحمه الله که امام زمان علیه السلام بارها خود به دیدار ایشان می رفتند، بارها در مواقف مختلف به یاری ایشان آمدند. (1)

فردی در زمان علامه حلّی رحمه الله، کتابی بر علیه شیعه نوشت و آن کتاب را برای مردم می خواند و مردم را گمراه می کرد؛ علامه برای بدست آوردن آن کتاب 6 ماه شاگردی آن استاد گمراه را کرد تا بتواند با جلب اعتماد او کتاب مورد نظر را بدست آورد؛ آن مرد کتاب را به مدت يك شب در اختیار علامه قرار داد. علامه برای مطالعه کتاب و نوشتن مطالبی بر ضد آن چاره در آن دیدند که کتاب را در همان يك شب رونویسی کنند. هنگامی که مشغول نوشتن شدند، مطالب کتاب زیاد بود و خواب بر

ص: 74

علامه غالب شد، در این هنگام جوان عربی به یاری ایشان آمد و نوشتن کتاب را بر عهده گرفت؛ سحر وقتی علامه بیدار شد، کتاب را تمام شده با امضاء «کتاب الحجّة» دید و فهمید  
امام زمان علیه السلام به یاری او آمده اند.

چنین فرد مخلصی که عملش مورد تأیید امام زمان علیه السلام است و حضرت خود به دیدار ایشان می آیند، می فرمایند: يك شب پول زیادی از سهم امام علیه السلام رسیده بود و ما آن شب از بی پولی نه غذا داشتیم و نه وسیله ای که با خود را گرم کنیم، چند بار تلبیسات و وسوسه های شیطانی به سراغم آمد، اما به هر حال راضی نشدم، از پول سهم امام حتی قرض بردارم و آن شب با همه مشکلات ساختم.

و یا امام رحمه الله در زندگی چقدر متحمل سختی شدند. به خاطر اهداف انقلابی، مورد: توهین، آزار، تهمت، بی اعتنائی، ضربه روحی و معنوی شدند، اما از هدف دست نکشیدند. چون هدفشان را تشخیص داده بودند.

بارها می فرمودند: ما چه شکست بخوریم و چه پیروز شویم، پیروزیم چون حق با ماست.

و یا در ارتباط با قتل آقا مصطفی که امام درباره او می فرمودند، امید آینده انقلاب است، فرمودند:

این از الطاف خفیه الهی است.

خیلی در اینجا حرف است که پدری در مرگ فرزندی که اینقدر برای او مهم است، چنین صبر داشته باشد.

روند زندگی مردم ایشارگر، خانواده های معظم شهداء و جانبازان و آزادگان، اتمام حجت قطعی است برای کسانی که گمان می کنند انسانهای معمولی نمی توانند مقاومت ائمه اطهار علیهم السلام و علماء بزرگ رحمه الله را داشته باشند، آری در آن حد عالی، مقدور نیست ولی در حد امکان باید افراد تلاش کنند.

آزادگان ما با مقاومت خود، دشمن را به زانو درآوردند. چنان پایداری نمودند که حتی بسیاری از دشمنان را متحول کردند.

رزمندگان عزیز ما چنان پایداری در برابر مشکلات جنگ کردند که حتی خود دوستان هم متحیر شده بودند که عجباً جوان یا نوجوان یا پیر مرد چقدر توان دارد و این نیروی فوق العاده را از کجا کسب کرده اند!؟

این پایداری ها بود که نامشان در صفحه زرین تاریخ به عنوان مدافعان واقعی اسلام و انقلاب ثبت شده و در دیار ابدی هم از مقامات والا بهره مند خواهند بود.

## عقدہ گشایی

در مواردی که شکست پیش می آید، از نظر روحی افراد، دچار ناراحتی می شوند. اما انسان مؤمن

که به آخرت و اجر و پاداش اخروی معتقد است، هیچگاه این ناراحتی روحی را ندارد.

در مواردی که ناکامی بوجود می آید، برخی افراد این ناکامیها را مرتب به دیگران منتقل می کنند.

و به اصطلاح عقده گشایی می نمایند.

باید بدانیم که این عقده گشایی مخصوصاً به افراد غیر مسؤول موجب ایجاد جوّ حقارت و تحقیر و سرزنش و تمسخر توسط دشمن خواهد شد و بار شکست را گران تر خواهد کرد.

لذا می بینیم علی علیه السلام در آنجایی که 25 سال به خاطر اسلام دست از قدرت کشید و گوشه عزلت گزید، درد دل خود را با چاههای مدینه می گفت. اگر کسی از اصحاب خاص را پیدا می کرد، رهنمودها و ارشاداتی داشت و الا سکوت می کرد. از این نمونه مباحث در نهج البلاغه فراوان به چشم می خورد.

حضرت زهرا علیها السلام با آنکه شوهرش امام بود، پدرش نبی صلی الله علیه و آله بود، فرزندان ائمه علیهم السلام بودند، اما حتی به همسرش کلامی از رنجهایی که می کشید، ابراز نمی کرد؛ زیرا می دید عقده گشایی او باعث ناراحتی بی نتیجه برای همسر می شود.

عقده گشایی گاه موجب از بین رفتن اجر اخروی می شود و نیت خالص در عمل را از بین می برد.

اگر انسان عملی را برای خدا انجام دهد، خداوند هم اجر او را می دهد. چنانکه خون امام حسین علیه السلام به ثار الله معروف است. خدا خوبیهای اوست؛ پس ترس از شکست و گفتن به دیگران مسائلی بی ربط است.

## معامله الهی

خداوند برای اجر عمل نیک در قرآن می فرماید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا.» (1)

«اگر کسی عمل صالح انجام دهد، خداوند ده برابر آن به او پاداش می دهد.»

در مقابل آن به عمل ریایی و عملی که به خاطر دیگران انجام شود، هیچ ارزشی قائل نیست.

قرآن می فرماید:

«لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ.» (2)

«اگر شرك بورزی، عملت به تحقیق از بین خواهد رفت»

ریا، نموداری از شرك است و باعث از بین رفتن عمل می شود. در حالی که گفتن به دیگران سود

---

1- . انعام / 160.

2- . الزمر / 65.

چندانی برای انسان نیز دربر نخواهد داشت.

یا باعث افسوس دیگران می شود، یا به وسیله حرف یا عمل کوچکی در صدد اصلاح یا جبران ضرر برمی آیند و یا با انسان همراه می شوند. به هر حال این نتایج در مقابل عملِ خالص يك فرد، جبران شایسته ای نیست.

خوب است که عمل و پاداش آن با خدا معامله شود تا هم عمل به بی نهایت متصل باشد. و هم اجر آن محفوظ و منظور در نزد خداوند باقی بماند.

همچنان که انسان يك موجود كوچك جهان هستی است، جبران از طرف او هم چون خود او محدود است. اما جبران عمل توسط يك وجود لایتناهی، به همان نسبت بزرگ خواهد بود. حال اگر طرف معامله خداوند است، شکست در عمل نیز پیروزی است. چنانکه امام حسین علیه السلام در عین شکست ظاهری، پیروز است. در عین شکست، روحیه رضا و تسلیم او نیز از بین نمی رود.

اگر عملی برای رضای دیگران و خوشامد آنها انجام شود، چون مبنای الهی ندارد، انتظار ناکامی و شکست و حق ناسپاسی نیز فراوان است. و اینجاست که تحلیل درست، عمل برتر و محور الهی را ارائه می دهد.

## تجربه (خود و دیگران)

یکی از عوامل پیروزی انسان در زندگی، بدست آوردن تجربه، یا استفاده از تجارب دیگران است.

تجربه، بحث مفصلی دارد که در اینجا باید به طور اختصار از آن یاد کنیم. (1) زیرا تجربه موجب می شود که انسان بسیاری از اعمال غلط گذشته خویش را انجام ندهد.

شکست، اگر باعث بدست آوردن تجربه و تحلیل نقطه ضعفهای انسان باشد، شکست تلقی نمی شود.

دیدن شکست، از دیدگاه تجربه، شناختن هدف و جلوگیری از ضررهای احتمالی در آینده است.

## مشاوره

مشاوره، اصلی است که خدای متعال در قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله را به آن سفارش فرموده است. (2)

ص: 77

1- توضیح بیشتر در کتاب «نیازمندیهای نسل جوان» اثر دیگر مؤلف.

2- «و مشاورهم فی الامر»؛ آل عمران / 159.

در برخورد با شکستها، گاهی فرد از نظر علمی توازن صحیح دارد و می تواند برای خود تحلیل درست و مناسبی داشته باشد. در آنجا که از نظر علمی یا عملی امکان تحلیل نیست و فرد نمی تواند خود را با شکست وفق دهد، مشاوره اهمیت حیاتی دارد.

گاه يك شكست و خلأ روحی، موجب می شود فردی، از نظر روحی و روانی ضربات جبران ناپذیری را متحمل شود و گاه که تحمل کم باشد، ریشه انتحار و خودکشی در فرد رشد می کند.

برخی افراد به خاطر يك شكست در کنکور، در خانواده، در کسب و تجارت و یا مسائل دیگر، دست به خودکشی می زنند. خودکشی نشان عجز فرد در مقابله با مشکلاتی است که برای او بوجود آمده است.

لازم است که در مواقعی که شکست بوجود می آید و ضربه می خوریم با افراد ذیصلاح حتماً مشاوره داشته باشیم و نظرات آنان را در رابطه با شکست خود جویا شویم.

اگر شكست باعث بریدگی از خانواده، جامعه، درس یا زندگی شود، مخرب است. و موجب سکون و رکود می شود و در نتیجه انسان ضربات دیگری را نیز متحمل می شود.

سکون و رکود شیوه جماد و حیوان و گیاه است که حرکت قوی ندارند و حرکت آنها محدود است. اما شیوه انسان این نیست. انسان باید زمینه های معرفت، خدانشناسی و معارف اسلامی و رسیدن به معبود را پیدا کند.

رسیدن به این معرفت با علم و آگاهی است. اگر خود، صاحب علم و تجربه نیستیم حتماً با اهل فن، مشورت نماییم.

## ح: از بین بردن زمینه های تضعیف روحیه

### اشاره

یکی از عوامل شکوفایی اراده از بین بردن زمینه های تضعیف روحیه است. بعضی از عوامل و گناهان موجب می شود که روحیه انسان تضعیف شود و یا زمینه رشد را از دست بدهد.

تضعیف روحیه از عواملی است که انسان اگر دچار آن شود، قدرت تصمیم گیری و کار با اراده و شوق را از دست می دهد. همچنین عواملی هست که باعث می شود، انسان از نظر معنوی رشد نکند.

این زمینه ها از مشکلات روحی است و آثار مخربی نیز در زندگی و سرنوشت انسان دارد. توجه به مضامین دعای کمیل و دقت در مناجاتهای علی علیه السلام اهمیت این مطلب را روشن می سازد.

علی علیه السلام می فرماید:



«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعَمَ» (1)

«خدایا گناہانی را که موجب تغییر نعمتها می شوند، ببخش.»

گاهی روحیه معنوی انسان به واسطه گناه از بین می رود و نعمتها به بدیها تغییر پیدا می کند. لذا علی علیه السلام می فرماید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَقَطُّعُ الرَّجَاءَ»

«خدایا گناہانی را که موجب ناامیدی و قطع امید می شوند، ببخش.»

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ»

«خدایا گناہانی را که موجب نزول بلا می شوند، ببخش.»

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْسِبُ الدُّعَاءَ» (2)

«خدایا گناہانی را که مانع به اجابت رسیدن دعاها می شوند ببخش.»

از نظر روانشناسی هر کدام از این مضامین که در روحیه پیدا شود، تبعات ناخوشایندی برای انسان در بر خواهد داشت؛ لذا انسان باید پیوسته انگیزه اعمالش را شدید کند تا اراده نیز برای انجام عمل تشدید شود؛ ضمن آنکه لازم است زمینه تضعیف روحیه نیز از بین برود. توسل به امور معنوی این زمینه ها را تا حدود بسیار زیادی از بین می برد.

### دقت در اعمال

از نظر روانشناسی اسلام، دقت در اعمال لازم است. چون گناه، مخالف فطرت پاک است لذا است که در روح پاک و فطری انسان اثر نامطلوب می گذارد. پس لازم است هر فرد به اعمال خود توجه داشته باشد.

فرهنگ اسلام، در رابطه با گناه شناسی، بیان آگاه کننده ای دارد، امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرَمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ.» (3)

«هرگاه دیدید که از نماز شب محروم شدید، بدانید که در روز، گناهی مرتکب شده اید.»

توفیق عمل صالح با روح سالم و صالح است. هر گاه روح، پلید شد، توفیق سعادت پیدا نمی کند.

چنانکه در مورد بیماریهای جسمی، مثال مصداق دارد. اگر کسی توازن دستگاه گوارش او به هم خورده و اسهال داشته باشد، نمی تواند غذایی چون چلوکباب بخورد، باید پرهیز کند و هر گاه

1- . دعای شریف کمیل.

2- . همان مرجع.

3- . میزان الحکمة ج 3 ص 465 ح 6632 و «سرمایه کلاسداری» اثر دیگر مؤلف.

خوب شد، و معده پذیرش غذا را داشت از چنین غذاهایی نیز استفاده نماید.

به همین ترتیب کسی هم که روحش مسموم و آلوده به گناه است، از ذکر خدا لذت نمی برد گرایش به عمل صالح ندارد؛ لذاست که اراده ای سست خواهد داشت.

همانگونه که يك غذای مسموم، جسم را آلوده و بیمار می کند، يك غذای مسموم روحی مانند:

نگاه شهوت آلود، خوردن مال حرام، دیدن يك منظره حرام، شنیدن يك آهنگ حرام، لمس حرام، گفتن حرام نیز روح را آلوده می سازد.

هم چنانکه رعایت نکات بهداشتی برای سلامت جسم مورد نیاز است، شناخت گناه و آلودگیهای روحی نیز، زمینه ساز روح سالم است.

## پیوند الهی

نیاز به معبود و رب، يك نیاز فطری است. از نظر فطری انسان محتاج به پناهگاه روحی است این نیاز به معبود، گاه خطا می رود و در بت های گوناگون و الهه های خیالی و پرستش اجسام خلاصه می شود. ولی روح پاک به معبودی نیازمند است که نیروی او مافوق و ماوراء ماده باشد و گاه در موارد احتیاج با معجزه نیاز انسان را مرتفع سازد.

پیوند با خداوند هستی بخش، روزنه های امید را به روی انسانها می گشاید و آنها را در حل مشکلات یاری می کند.

علی علیه السلام در دعای کمیل از خداوند می خواهد که او را در تمامی کمبودها و مشکلات دینی و دنیوی و اخروی کمک کند. اصولاً هر کدام از متون دعا در فرهنگ اسلام خود فرهنگ خدانشناسی است. خواندن دعا خوب است و آثار دنیوی و اخروی نیز در پی دارد، اما دقت و تأمل در ادعیه اثرش خیلی بیشتر است.

علی علیه السلام با آنکه خود آنهمه علم و عمل شایسته و معرفت داشت، اما پیوند خود را با خداوند به هیچ عنوان قطع نمی کرد، بلکه در صدد تقویت آن نیز بود. و دعاهایی که از آن حضرت برای ما رسیده گویای همین امرند:

«اللَّهُمَّ اَنْتَ اَسْتَجِيبُ دُعَاءَ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّبِيِّينَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِدُعَاؤِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُورَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةٌ، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِزْقاً وَاحِداً، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمِداً،... قَوْلِي عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَأَشْدُّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي...» (1)

«خدایا به حق ذات مقدست، اوقات مرا در شب و روز به یاد خودت قرار بده که پیوسته در خدمت

ص: 80

بندگی تو باشم و اعمالم را قبول فرما، تا کردار و گفتارم همه یک جهت و خالص برای تو باشد و تا ابد به خدمت و طاعت تو مصروف گردد. ای خدای من، به اعضای جسمی و جوارح (روح) من در مقام بندگی قوت بخش و دلم را عزم و اراده ثابت، عنایت فرما».

### تشویق در فرهنگ اسلام

در فرهنگ اسلام تشویق، جای ویژه ای دارد. برای ایجاد انگیزه در افراد، نسبت به عمل صالح، خداوند نسبت به بینشهای افراد آنان را تشویق فرموده است.

قرآن می فرماید:

«مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا.» (1)

«کسی که یک عمل صالح انجام دهد، ده برابر آن پاداش خواهد داشت.»

«جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (2)

«برای پرهیزکاران بهشتهایی است که از زیر آن نهرها جاری است»

حتی توصیف غذاهای بهشتی و محل استراحت بهشتیها در قرآن فراوان آمده است روایات نیز در این باره مضامین ارزنده ای دارند:

کسی که یک «لااله الا الله» بگوید یک درخت در بهشت برایش غرس و کاشته خواهد شد. (3)

کسی که زبانش ذکر «لااله الا الله» می گوید، فکرش درباره عظمت خداوند فکر می کند و اعضاء و جوارحش برای خداوند به تسبیح درمی آیند، تمام سلولهای بدنش در این یک ذکر شریکند.

لذاست که تشویق خداوند نیز بی شمار است. زیرا در این صورت «لااله الا الله» دیگر یک ذکر ساده و برای وقتگذرانی نیست. بلکه محتوا دارد. زبان با تمام سلولهای آن مغز و اعضاء دیگر، با تک تک سلولها، در خدمت تسبیح خداوند می باشند. آیا در مقابل چنین سرمایه گذاری غرس یک درخت در بهشت زیاد است؟

به هر حال انسان در طول زندگی وقت زیادی دارد و می تواند از این اوقات برای پیشرفت و تعالی خود استفاده کند. از لحظات و گذران عمر باید بهترین استفاده را در راه شناخت معبود و رشد خود بنماید.

روایت می فرماید:

ص: 81

1- . انعام / 160.

2- . بقره / 25.



«خداوند، نسبت به جوان بی‌کار و فارغ، غضب می‌کند.»

خداوند دوست دارد که جوان، عمر خود را به بطالت نگذراند و اعضاء و جوارح را به گناه نیالاید تا توفیق حضور درگاه الهی را پیدا کند.

### روش گام به گام

در بعد جسمی انسان نمی‌تواند، یک مرتبه کلیه حواس مادی خود را به استخدام بگیرد و در یک مسیر دلخواه از آنها استفاده کند.

کلیه حواس اعم از بینایی، چشایی، بویایی، شنوایی و یا بساوی، اگر بخواهند در اختیار انسان قرار گیرند با حرکت دفعی ممکن نیست، بلکه باید از روش گام به گام و تدریجی در بکارگیری حواس استفاده شود.

اراده و تصمیم انسان برای انجام خوبیها یا ترك بدیها به یکباره قابل اجراء نبوده و برای انسان مقدور نیست، چنانکه برخی افراد با شنیدن يك صحبت یا نصیحت تصمیم به کاری می‌گیرند ولی چون اصولی رفتار نمی‌کنند، خیلی زود آن را کنار می‌گذارند. و در بحث ما که اراده است نیز این امر مستثنی نیست.

دانستن نکاتی چند در بکارگیری حواس پیرامون اراده لازم است:

1 - اراده را نمی‌شود به استخدام خود درآورد، بلکه باید آن را شکوفا کرد.

2 - به یکباره، نمی‌توان تمام حواس را پیرامون اراده به استخدام گرفت.

3 - بکارگیری يك حس، باید تدریجی و در يك ساعت معین، در هر روز انجام شود.

### اهمیت تمرین

حرکت باید تدریجی باشد و تمرین در اینجا نقش بسیار مهمی دارد. اگر تصمیم می‌گیریم هنری یاد بگیریم، مستحبی را انجام دهیم یا گناهی را ترك کنیم، فنی را بیاموزیم، باید بدانیم که این امور به یکباره انجام پذیر نیست.

در فراگیری هر فن، دانستن نکات کلیدی پیرامون آن بسیار لازم است و این کار باید زیر نظر استاد انجام شود، تا به ثمر برسد.

علت مهم اینکه، گاهی تصمیم می‌گیریم به دنبال کاری برویم ولی موفق نمی‌شویم، این است که

ص: 82

می خواهیم فوری و با عجله و بدون رعایت فنون و تکنیک آن فن، فوراً استاد شویم. بدانیم که اراده محکم و قوی نیز به تدریج در اعمال و رفتار انسان بوجود می آید.

ص: 83

برای شکوفایی هر استعداد باید روشهای عملی صحیحی را انتخاب کرد. در شکوفایی اراده، این امر به يك باره انجام نمی پذیرد و احتیاج به تمرین و حوصله و صرف وقت دارد. رعایت نکاتی پیرامون شکوفایی اراده لازم است.

باید ابتدا از يك حس، شروع کرد. در يك حس باید آنقدر تمرین انجام شود که آن حس در اختیارات باشد و آن حس تحت امر انسان درآید. این تمرین هر روز در ساعتی معین انجام شود و به تدریج فضای کار بازتر شود. ابتدا از اعمال ساده شروع شود و زمان تمرین ثابت باشد. هیچ مانعی نتواند انسان را از کار بازدارد و انگیزه در این امر بسیار مهم است. ابتدا باید انگیزه در فرد بوجود آید و سپس، به محض مشاهده کاستی و سستی زمینه های تقویت انگیزه فراهم شود.

در خودسازی مهم ترین مسأله آن است که انسان هرگز نباید فکر کند که پیروز است، بلکه احتمال شکست نیز بدهد تا انگیزه او برای انجام عمل قویتر شود.

مسأله دیگری که در سیر تکاملی شکوفایی اراده حائز اهمیت است، دقت در ظرفیتهای وجودی فرد است. هر فرد باید به نسبت به تواناییهای خود آگاهی داشته باشد تا بتواند، ابعاد جسم خود را بشکند و نسبت به قوای روحی و جسمی خود تسلط یابد.

#### سوالات

- 1 - در شکوفایی اراده چرا باید از روش تك حسی استفاده شود؟
- 2 - چه زمانی برای تمرین اراده در هر روز لازم است؟
- 3 - چگونه باید به مدت تمرین اضافه شود؟
- 4 - در شکوفایی اراده ابتدا باید از چه کارهایی شروع شود؟
- 5 - آیا موانع می توانند انسان را از روند تکاملی بازدارند؟
- 6 - انگیزه در شکوفایی اراده چه تأثیری دارد؟
- 7 - نقش مستحبات در شکوفایی اراده چیست؟
- 8 - چرا نباید هرگز احساس پیروزی کنیم؟
- 9 - حالت خوف و رجاء چه تأثیری در سیر تکاملی دارد؟
- 10 - دورانیشی و بلندپروازی در شکوفایی اراده چه تأثیری دارد؟



### اشاره

با توضیحاتی که پیرامون اراده بیان شد، روشن شد که شکوفایی اراده ممکن است، اما آیا براستی بهترین روش برای سیر تکاملی و شکوفایی اراده کدام است؟

### 1 - استفاده از تك حسی

در ابتدا، برای شروع در ایجاد زمینه های شکوفایی اراده لازم است از روش تك حسی استفاده شود. مثلاً در ابتدا از حس گویایی شروع کنیم و فقط روی آن کار کنیم. سعی کنیم، زبان را در اختیار بگیریم و فقط روی آن کار کنیم، پس از تسلط بر يك حس، روی حسهای دیگر کار کنیم.

### 2 - زمان محدود

سعی کنیم از يك حس و زمان محدود، شروع کنیم. ابتدا از روزی نیم ساعت شروع کنیم، روی زبان کار کنیم و مواظب او باشیم. زبان چه می گوید و ابعاد گویایی ما چه مسیری را طی می کند.

اگر دیدیم، در زمان محدودی که انتخاب کرده ایم موفق هستیم، نسبت به رشد خود می توانیم زمان را اضافه کنیم. تا تمامی شبانه روز زبان در تحت اختیار و اراده ما درآید.

سپس روی حسهای دیگر کار کنیم، با توجه به زمان محدودی که در نظر می گیریم.

در فرهنگ اسلام، نسبت به زیاده روی در امور هشدار داده شده است و علی علیه السلام در این ارتباط می فرماید:

«قَلِيلٌ يَدُومُ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُوءٍ.» (1)

«کار کم و مداوم بهتر از عمل زیادی است که ملالت آور باشد»

### 3 - کار ساده باشد

### اشاره

در ابتدا سعی کنیم، از کارهای مشکل شروع نکنیم؛ اگر تصمیم گرفتیم در يك حس، در ساعت معین، کاری را انجام ندهیم، از کاری شروع کنیم که ساده باشد.

مثلاً در ساعت 9 تا 10 صبح، نگاه ما فقط به واجبات و ترك نگاه حرام باشد. در ابتدا رعایت این نکته در مجالس میهمانی و خیابان بسیار مشکل است. سعی کنیم ابتدا محل محدودتری را در نظر بگیریم و وقتی چشم تحت اختیار اراده قرار گرفت، در محلهای شلوغ و مسأله دار نیز از آن استفاده

---

1- . غررالحکم و دُرر الکلم، ترجمه انصاری، ج 2، ص 535، حدیث 28.

کنیم و عضو خود را کنترل نماییم.

از نظر روانشناسان نیز برای شکوفایی اراده باید از عملهای کوچک و ساده شروع کرد.

از آنجا که روانشناسان غربی، دارای مکتب و مرام خاصی نیستند، این اعمال را نمی توانند جهت دهند و از آن در مسیر درست استفاده کنند. لذا گاهی برای تمرین کار ساده، به طور مثال می گویند چند دقیقه به یک میله نگاه کنید و چشم را در آن متمرکز کنید و یا کارهای دیگر که سود چندانی دربر ندارد.

ولی مکتب اسلام برای هر ایده و روشی، طرحهای خاص دارد و آنها را جهت الهی می دهد، انسان در عین حال که مشغول خودسازی است، از اجر اخروی نیز بهره مند می شود.

## مستحبات

اعمال مستحب در اسلام برای آن در نظر گرفته شده اند که اعمال انسان جهت دار باشد و این جهت سعی در ترك حرام و عمل به واجبات باشد. اگر برای وضو ثواب در نظر گرفته شده است، ذکر گفتن مستحب است و عیادت مریض ثواب دارد، همه برای جهت دادن به اراده و اعمال ارادی است.

اگر ما خود را مقید به انجام مستحبات کنیم، گرچه از اعمال کوچک باشد، موجب تقویت اراده می شود. انجام این مستحبات گاهی از نظر روحی برای انسان مشکل است اما اگر از کم شروع شود، سختی آن از بین می رود.

بطور مثال:

مسواک زدن در اسلام مستحب است و ثواب دارد.

سعی کنیم هر روز بعد از سه وعده غذا مسواک بزنیم هر چند مسواک زدن برای ما سخت باشد و متحمل زحمت شویم.

و یا حمام کردن، ناخن گرفتن، لباس شستن، نظافت و کارهای امور شخصی در اسلام وقت و موقعیت خاصی دارد و برای هر یک نیز ثوابهایی در نظر گرفته شده است. (1)

سعی کنیم که این کارها در وقت خاص انجام شود. شاید در ساعات دیگری نیز بتوانیم استحمام بکنیم یا ناخن بگیریم یا نظافت کنیم اما سعی کنیم در انجام این اعمال دقیق باشیم.

وضو گرفتن مستحب است برای شکوفایی اراده می توانیم خود را مقید کنیم که دائم با وضو باشیم؛ این عمل گرچه شاید زحماتی داشته باشد، اما جسم و روح را مقید به تسلیم در برابر اراده ما

ص: 86

می‌کند. بسیاری از بزرگان از این روش برای شکوفایی اراده و بهره‌برداری از برکات معنوی آن استفاده می‌کنند؛ و حتی برخی در عین حال که وضو دارند، برای نماز، دوباره تجدید وضو می‌نمایند.

در انجام مستحبات، چون عمل، انگیزه الهی نیز دارد، بسیار روش تربیتی مفیدی در فرهنگ اسلام است.

يك مسأله در انجام مستحبات قابل توجه است، و آن اینکه، انجام مستحبات، انسان را از انجام واجبات نباید باز دارد.

عبادت، عبادت مستحب، عزاداری، شرکت در مراسم عمومی و مذهبی، اعمال خوبی هستند، به شرط آنکه این مسائل موجب زیر پا گذاردن واجبات، مخصوصاً نماز نشود؛ آنجاست که این مستحبات اثر و ارزش واقعی خود را از دست می‌دهند.

#### 4 - زمان ثابت باشد

سعی کنیم، بکارگیری حواس و کنترل آنها، در زمان ثابتی باشد. ساعت و زمان ثابتی برای این کار در نظر بگیریم و آن را تغییر ندهیم.

ثابت نبودن زمان، موجب می‌شود که گاه افرادی، موفق به طی يك مرحله نیز نمی‌شوند.

همانگونه که پزشکان تجویز دارو را بر اساس موقعیت جسمی و سنی فرد تنظیم می‌کنند و حتی تعداد دفعات را برای افراد مختلف متغیر منظور می‌دارند و حداقل داروهای جسمی را 3 تا 5 روز قرار می‌دهند؛ برای تأثیر امور معنوی حداقل از يك ماه تا چهل روز باید در نظر گرفت و روایات فراوانی داریم مبنی بر اینکه اگر انسان اعمال نیکی را چهل روز انجام دهد ابواب حکمت رحمت الهی به سوی او و یا کار حرامی را چهل روز ترك نماید خدای متعال مزه و شیرینی آن عمل زشت را از دل او می‌برد. (1)

#### 5 - عمل ثابت باشد

مطلب خاصی را در نظر بگیریم و سعی کنیم مورد آزمایش هم ثابت باشد. اگر در مورد مطلب تغییر جهت دهیم، موفق نمی‌شویم سعی کنیم هنگامی که موردی را برای آزمایش در نظر می‌گیریم آنقدر روی آن کار کنیم که دیگر در آن جهت مشکل نداشته باشیم، سپس روی ابعاد دیگر کار کنیم.

نگاه حرام نکنیم، حرف حرام نزنیم و خلاصه هر تصمیم و اراده ای که داریم، ثابت باشد؛ عمل

ص: 87

مرحله به مرحله بسیار راحت تر از این است که به یکباره بخواهیم تمامی ابعاد وجود خود را تحت اختیار بگیریم.

## 6 - هیچ مانعی انسان را از کار باز ندارد

در زمانی که مشغول در اختیار گیری حواس هستیم، باید بدانیم که نباید هیچ مانعی ما را از کار باز دارد، بلکه تمامی موانع را تحت الشعاع عمل خود قرار دهیم.

در زمانی که می خواهیم کاری انجام دهیم و در مسیر اراده کار کنیم، باید آن را تحت برنامه ریزی خاصی انجام دهیم تا موفق شویم. اگر عواملی بتوانند مسیر ما را تغییر دهند، نتیجه ای از عمل خود نخواهیم برد.

چنانکه این درس اخلاقی است؛ کسی که می خواهد مسلمان واقعی باشد باید به نماز خود اهمیت دهد؛ بهترین روش تلقین در مورد نماز این است: به نماز نگویند کار دارم، به کار بگویند، نماز دارم. (1)

چنین است، حالت کسی که در مسیر خودسازی است. منتهای هدف او باید همان چیزی باشد که اراده کرده است آن را انجام دهد.

## 7 - اهمیت انگیزه

باید بدانیم که در هر کاری تبت خالص، مهم است؛ گاهی شیطان برای اینکه از خودسازی انسان جلوگیری کند، در او وسوسه ایجاد می کند.

مثلاً اگر انسان مشغول خودسازی باشد، تصمیم می گیرد جهتی از حس و حواس خود را در ساعتی معین، مصروف کاری کند، مثلاً به مسجد برود، نماز بخواند، ذکر بگوید و یا هر کار دیگری که با سایر حواس خود انجام می دهد در همین حین شخصی از راه می رسد و کار او را نظاره می کند؛ القاء شیطانی شروع می شود: اگر این کار را انجام دهی او می فهمد، ریا می شود، ثواب ندارد، عملت باطل است و...

او هم در مقابل این وسوس شیطانی، دست از عمل خود برمی دارد. فکر می کند عمل، ریایی می شود و ثوابی هم ندارد، پس انجام نمی دهد.

باید بدانیم که ریا، عملی قلبی است؛ اگر انسان در قلب، قصد ریا نداشته باشد، اگر نمود عمل، ریا هم باشد و سایرین تصور کنند، عمل انسان ریا است، اما اینطور نیست و خداوند عمل او را قبول

ص: 88

---

1- . سخنی از زنده یاد شهید رجایی.

می کند و نباید فکر شیطانی مانع از عمل شود.

در طرف مقابل شاید بعضی باشند که عملی را انجام دهند و دیگران آنها را صادق و درستکار بدانند اما چون در قلبشان شك و ریب و ریا است، عملشان باطل می شود.

به هر حال باید بدانیم اگر عملی به صورت ظاهر چنین اشکالی چون ریا و غرور داشته باشد به آن توجه نکنیم؟ عمل را ترك ننماییم. کاری که ما انجام می دهیم، مقدمه کمال است و مقدمه کمال، عبادت است و مقدمه عبادت هم عبادت است.

به این مثال توجه کنید:

وضو، تیمم و غسل، فی نفسه واجب نیست؛ اما برای نماز واجب می شود؛ وضو مستحب است اما چون مقدمه واجب است، ثواب دارد و عبادت است. پس، مقدمه خودسازی نیز چون منتهی به کمال می شود، ثواب دارد و عبادت است. مهم نیت و انگیزه در عمل است، که نیت انسان رنگ خدایی داشته باشد.

## 8 - با دیگران در میان نگذاریم

لازم نیست در این گونه کارهایی که به طور ممتد انجام می دهیم و سعی داریم بر قوای جسمانی خود غلبه کرده و اراده را در خود شکوفا کنیم، دیگران را نیز در جریان کار خود قرار دهیم.

حتی در برخی موارد، کار خود را خوب جلوه ندهیم و برای دیگران با تعریف بیان نکنیم. زیرا در اذهان، چنین پیش می آید که ما قصد تعریف خود را داریم و می خواهیم خود را به رخ دیگران بکشیم.

در مواردی نیز که از ما سؤال می شود، لازم نیست، آنچه در تمرین داریم، به کسی بگوییم مثلاً من: «تصمیم گرفتم 40 روز به حرم ائمه علیهم السلام بروم یا 40 روز حرف بیهوده نزنم.» زیرا شاید افراد پذیرش نداشته باشند و نتوانند عمل ما را درك کنند و حرفی بزنند که ما را نسبت به کارمان دلسرد کنند.

لذاست که بعضی از اولیای الهی بعد از فوتشان، آثار و کراماتی که در زمان حیات داشته اند، توسط شاگردان خاص یا خادمین آنها مطرح شده است. حتی برخی از آنها، از دیگران قول می گرفتند که تا زنده اند، کرامات آنها را بین مردم منتشر نکنند.

اثر سوء دیگری که نقل کرامت دارد، ممکن است برای خود انسان حالت غرور، ریا و عجب بوجود بیاورد. که اگر چنین شود، شیطان وارد عمل شده و انسان را از عمل خیر باز می دارد.

## اشاره

اگر روی حواس خود کار کردیم و توانستیم کم کم بر آنها مسلط شویم، هرگز احساس پیروزی نکنیم. زیرا اینها مقدمه تسلط بر روح است.

مثلاً: کسی که تازه مراحل ابتدایی را گذرانده است، باید بداند که تا رسیدن به مدارج بالای علمی راه طولانی در پیش دارد.

کسی که به يك عضو و حس خود، در يك زمان محدود می خواهد تسلط داشته باشد باید وقت زیادی صرف کند و هر قدر جلو رود، باید شوق و علاقه اش بیشتر شود. علمای علم اخلاق نیز بر این عقیده اند:

زمانی که انسان احساس کند، که در مرحله خودسازی کاری ندارد، اولین مرحله بدبختی در وجود او بوجود آمده است. (1)

عامل سکون و رکود، همان است که انسان خود را ساخته و برتر از دیگران بداند همان القای غلطی که در وجود شیطان نیز وجود داشت و باعث شد مطرود درگاه خداوند شود. شیطان می گفت:

«أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (2)

«من از آدم بهترم زیرا مرا از آتش خلق کردی و آدم را از خاک.»

پس چون من برتری دارم، بر آدم سجده نمی کنم. همین احساس غرور و برتری، شیطان را از درگاه الهی راند.

هرگز فکر نکنیم که پیروز شدیم، اگر مرحله‌ای را با موفقیت طی کردیم، از نظر روحی خود را تقویت کنیم و بدانیم تا پایان نامه را نگیریم، مراحل زیادی باید پشت سر بگذاریم.

مرحله‌ای برای ما ایده آل است که بتوانیم کارهایی انجام دهیم، که اولیای الهی انجام می دادند؛ آنها که قوه معنوی و تسلط بر روح دارند چه می کنند؟ ما نیز باید به آنها برسیم.

## جلوه های قوای معنوی

دقت در سیره بزرگان اعم از ائمه علیهم السلام و پیروان راستین آنها، روشنگر آن است که کسانی که بر قوای جسمی مسلط شده و روح را در سیطره دارند، قادرند کارهای فوق العاده‌ای انجام دهند. برای آنها وسیله نقلیه یا درب بسته مهم نیست. از درب بسته وارد می شوند و بدون وسیله نقلیه مسافتهای مدید و طولانی را در طی مدت کم می پیمایند.

ص: 90





نقل می کنند: یکی از بزرگان که هنوز هم در قید حیات هستند، از پشت دربهای بسته، خصوصیات جلسات سری دشمن را می فهمیدند و برای اطلاع دیگران و تصمیم گیری مسئولین به اطلاع ایشان می رساندند.

و باز کودکی در حدود 12 سال چنان احاطه بر روح داشت که طی چند دقیقه با «طی الارض» به مشاهد مشرفه سفر می کرد و برمی گشت و خصوصیات آنها را بیان می کرد.

«در کرامات بعضی از اساتید مطرح است که ایشان حالات شاگردان خود را می فهمیدند حتی بر جنابت آنها مطلع می شدند و نسبت به آنان اعتراض می کردند که چرا با حال جنابت سر کلاس درس حاضر شده اند؟»<sup>(1)</sup>

در حالی که جنابت، امری روحی است و آثاری علی الظاهر بر جسم ندارد. اگر فردی عادی باشد بین شخص جنب و عادی نمی تواند فرقی قائل باشد.

## 10 - نکات ضعف و قوت کار خود را بنویسیم

سعی کنیم، هنگامی که در مسیر احاطه بر حواس هستیم، نقاط ضعف و قوت خود را بنویسیم.

نوشتن این نکات برای آنان که اهل محاسبه هستند، بسیار مفید است.

اگر بدانیم در کدام حس، پیشرفت بیشتری داشته ایم یا توانسته ایم روی آن احاطه داشته باشیم، موجب می شود که در سایر حواس نیز این نکات قوت را لحاظ کنیم و در وقت کمتری به هدف خود برسیم.

اگر در هر روز بدانیم که روی يك حس چقدر وقت صرف کرده ایم و چند اشکال داشته ایم، موجب می شود که اشکالات را رفع کنیم، و روی جسمی کار کنیم که اشکال کمتری داشته ایم، این کار موجب تسریع در احاطه بر حواس می شود.

## 11 - در حالت خوف و رجا باشیم

در راستای شکوفایی اراده و تسلط بر حواس، هر لحظه احتمال دهیم که نتوانیم کار را به پایان برسانیم، این احتمال مقدمه دقت و توسل به خداوند می شود. در سایر اعمال نیز باید حالت ترس و امید وجود داشته باشد. وقتی ما در نماز هر روز چندین بار از خداوند می خواهیم:

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»<sup>(2)</sup>

ص: 91

1- . سیمای فرزندگان.

2- . حمد / 4.

«خدایا ما را به راه راست هدایت فرما»

باید بدانیم که ما همیشه سر دوراهی هستیم، رضای خداوند، یا خشم خداوند کدام يك در اعمال ما به چشم می خورد؟ ما در کدام مسیر هستیم؟ از خداوند بخواهیم که ما را هدایت کند.

یکی از تفاسیر این آیه این است که خداوند ما را در راه راست ثابت و استوار نگه دارد.

تداوم در صراط مستقیم داشته باشیم. یکی از دعاهایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود می فرمودند و به افراد نیز توصیه می نمودند این بود:

«اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا»

«خدایا عاقبت امور ما را به خیر گردان»

پس در هر کار و من جمله هدفی که مورد بحث ماست، هر لحظه امکان انحراف و موانع کار وجود دارد. از خداوند بخواهیم ما را ثابت قدم نگه دارد. و خود از پیشرفت نسبی خویش، مغرور نشویم.

در مرحله خودسازی اگر در این دیدگاه باشیم که: شاید نتوانیم، موجب می شود که احتیاط کنیم و عواملی که ما را از کار باز می دارد، رها کنیم.

علی علیه السلام نیز در دعای کامل از خداوند چنین می خواهد:

«قَوِّ عَلَي خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَي الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي»<sup>(1)</sup>

«خدایا اعضاء و جوارح مراقبت بخش، و بعد روحی مرا نیز شدت عنایت فرما».

همه‌انگهی جسم و روح، نتیجه اش خدمت در راه رضای خداست و توفیق الهی، شامل حال انسان خواهد شد.

## 12 - کم کم اعمال را زیاد کنیم.

### اشاره

در هنگامی که مرحله گام به گام یعنی زمان کم و محدود، تک حسی و عمل کوچک را با موفقیت پشت سر گذاشتیم، سعی کنیم زمان بیشتری، حواس را کنترل کنیم. از 5 حس بدن، دو حس مهم تر از دیگر حواس است. بینایی و شنوایی، حسهایی هستند که در ابتدا باید ساخته شوند و در کنترل انسان درآیند و در عرض اینها هم باید مراقب گفتار و زبانمان نیز باشیم.

هنگامی که هر يك از این حواس تحت کنترل درآمد و دیگر عملی، خلاف خواست ما انجام نداد، کم کم اعمال و کارها را گسترش دهیم تا به مرحله ای برسیم که بتوانیم در يك زمان پنج حس را در اختیار بگیریم و حواس همان کاری را انجام دهند که ما در نظر داریم.

---

1- . دعای شریف کمیل.

علی علیه السلام در مضامین دعای کمیل از خداوند همین توفیق را می خواهد:

«وَالدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ.»

«خدایا مرا به گونه ای قرار ده که در تمام لحظات عمرم در خدمت تو باشم.»

«وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِّمًا.»

«زبانم به ذکر تو باز شود و قلبم با محبت تو متبرک گردد.»

«وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ.» (1)

«بر من منت بگذار و بهترین اجابت را داشته باش.»

وقتی انسان تمام اعضاء و جوارحش، قلب و چشم و زبان و دستش، در خدمت خداوند باشد و همه در محضر خدا قرار گیرد، انسان در اوجی قرار می گیرد که افسوس می خورد چرا تا به حال از این همه عظمت بازمانده است؛ آنجاست که زندگی مفهوم و ارزش واقعی پیدا می کند. زندگی او پربرکت می شود و هر لحظه اش برای او پیام آور نیکی و اوج روحی می گردد. آنان که از زندگی سیر می شوند و افسرده می گردند، بدانند که از مسیر اصلی منحرف شده اند و در بیراهه قدم می گذارند.

## تفاوت ظرفیتها

برای آن که روشن شود چرا ما باید بر جسم از تقید به مسائل ساده، مسلط شویم، باید بدانیم که ظرفیت افراد از نظر جسم و روح با هم متفاوت است.

همانگونه که کودک شیرخوار، توانایی هضم غذای سنگین را ندارد و باید ابتدا از شیر و آبمیوه و سوپ برای تقویت معده او استفاده کرد و یا پس از بیماری و دوران نقاهت، جسم انسان و دستگاه گوارش آمادگی جذب غذاهای مقوی و سنگین را ندارد و باید از غذاهای ساده برای تقویت جسم شروع کرد، در ابعاد خودسازی نیز همین مسأله حائز اهمیت است.

روح انسان نیز از این مسأله مستثنی نیست، از نظر معنوی گاهی انسان ظرفیت پذیرش مسائل بالا را ندارد، هر فرد به اندازه ای که روی جنبه های روحی کار کرده و آمادگی داشته باشد، می تواند مسائل را درک کند.

به طور مثال تشرف به حضور ائمه علیهم السلام مراحلی دارد:

گاه مثل: سیدین طاووس رحمه الله آنقدر به حضور حضرت مهدی (عج) می رسد که صدای حضرت را می شناسد و حضرت او را در آغوش می گیرد. (2)

1- . دعای کمیل.

2- . نجم الثاقب.

گاه مثل، شیخ حسین آل رحیم است که وقتی حضرت از نوشیدنی او می خواهد با اکراه می پذیرد و حضرت آن را تبرک می کنند و او شفا پیدا می کند و بعد می فهمد کسی که از او قهوه می خواسته حضرت مهدی (عج) بوده است. (1)

و گاه حضرت برخی از صحابه خود را به نزد کسی می فرستند.

گاه افراد به حضور حضرت می رسند، اما یارای حرف زدن ندارند.

گاه حضرت را می شناسند، گاه بعد از تشریف به وجود حضرت پی می برند و می شناسند. و گاه مثل شخصی که مدتها به دنبال دستیابی به مقام حضرت مهدی (عج) بود و هنگامی که در عالم خواب یا کشف و شهود، حضرت نائی از طرف خود فرستادند که او را بیاورد امتناع ورزید و بعد که به خود آمد فهمید، چه سعادت را از دست داده است. (2)

تمامی این مراحل بستگی به ظرفیت معنوی و روحی افراد دارد.

قرآن در این رابطه داستان جالبی دارد:

حضرت موسی علیه السلام در مقام مناجات از خداوند خواست که خود را به موسی نشان دهد؛ خداوند به موسی علیه السلام فرمود:

«لَنْ تَرَانِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ.» (3)

«هرگز مرا نخواهی دید، ولی به کوه نگاه کن»

جلوه ای از کمال مطلق و قدرت خداوند متعال بر کوه تجلی کرد و به محض اینکه موسی علیه السلام آن جلوه را دید، بیهوش شد. (4)

پس باید برای هر کاری انسان ظرفیت روحی و جسمی خود را در نظر داشته باشد تا کاری که انجام می دهد مداوم بماند.

مثلاً ورزشکاران وزنه بردار، قادرند وزنه های بسیار سنگین را بردارند ولی ما قادر نیستیم و اگر مبادرت به این کار کنیم دچار دیسک کمر و ناراحتی استخوانی می شویم.

پس ظرفیتها چه مادی و چه روحی یکسان نیستند. انسان در خودسازی متوجه این تفاوتها باید باشد.

### 13 - شکستن ابعاد جسم

ص: 94

1- . نجم الثاقب.

2- . عبقری الحسان مرحوم نهایندی رحمه الله.

3- . اعراف / 143.

4- . وخر موسی صعقا (اعراف 143)

اگر انسان بخواهد از نظر روحی قوی و با اراده شود مهم ترین کاری که باید انجام دهد این است که ابعاد جسم را بشکند.

هر قدر انسان به ابعاد مادی و غرائز حیوانی و غرائز شیطانی خود بی اعتنا باشد و آنها را مهار کند، روح جلوه پیدا می کند.

هر قدر انسان بر شهوت، غضب، حب جاه و مقام، حاکم شود و آنها را در اختیار بگیرد روح، قوی می شود و جلوه پیدا می کند.

باید بدانیم که غرائز جزء صفات انسان هستند. و انسان در زندگی مادی خود به نسبت، از غرائز برای دوام حیات، استفاده می کند؛ اما منظور ما در اینجا این است که روح بر این غرائز حاکم باشد. نه اینکه انسان در اختیار غرائز باشد.

هر قدر غرائز و بعد مادی در انسان قوی باشد، روح ضعیف می شود و قدرت بروز ندارد.

لذا باید با شناختن مرزها و دقت در فرهنگ اسلام از این غرائز به وسیله پلی برای رسیدن به معنویت و حاکمیت روح استفاده کنیم.

#### 14 - زدودن موانع

یکی از راههای شکوفایی اراده این است که انسان موانع را يك يك از بین ببرد تا اراده بتواند به مرحله بروز برسد.

مهم ترین مانع، همین مسأله جسم است. دقت در اینکه انسان، جسم خود را به زحمت بیندازد تا روح جلوه کند، مهم است.

در حالات امام رحمه الله یکی از دوستان ایشان می فرمودند:

در تابستان، ایشان وقتی هندوانه می خوردند، روی آن نمک می ریختند.

این کار برای این است که جسم به لذت مادی عادت نکرده و روح را غالب نکند.

معمولاً طبع انسان از غذاهای خوشمزه و خوشبو، لذت می برد. هر کس ادعا کند غذاهای خوشبو و معطر و خوشمزه را دوست ندارد، حتماً عارضه ای دارد و مریض است. برای اینکه این طبع تنوع طلب و لذت جویی را انسان در مهار خود داشته باشد، خوب است، با نفس خود مبارزه کند.

شکم پرستی و پر خوری و لذت جویی، با اراده منافات دارد. اگر توجه انسان در این باشد که به بهترین های ماده و جسم از قبیل، تفریح، خوردن، پوشیدن و سایر لذتها برسد، از دقت در امور معنوی و روح باز می ماند.

دقت در این مسأله لازم است: راهی را که انسان انتخاب می کند از دو حال خارج نیست، یا حق است و یا باطل. لذاست که در نماز چندین مرتبه در روز از خداوند هدایت طلب می کنیم:

«اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (1)

«خدایا ما را به راه راست هدایت فرما»

پس باید موانع تقویت روح از بین برود و انسان به نحوی بر خود مسلط باشد که اگر زمینه انحراف در بین مسائل پیش آمد، هدف را تحت الشعاع قرار ندهد.

## 15 - احتیاط

یکی از راههایی که انسان می تواند، مدارج عالی را به وسیله آن با سهولت طی کند، احتیاط است.

در روانشناسی نیز این يك اصل مهم است: احتیاط، شرط عقل است.

از نظر علمای علم اخلاق و روانشناسی، کسانی که در صدد خودسازی و تسلط بر ابعاد وجود خود هستند، باید در رابطه با کلیه مسائل زندگی خود با احتیاط عمل کنند. دقت در حالات بزرگان، زندگی و حشر و نشر آنها، ما را به این مسأله رهنمون می سازد که بزرگان در مسائل زندگی خود چقدر با احتیاط عمل می کرده اند.

ممکن است انسان کاری را از روی غفلت، ناآگاهی، جبر یا فراموشی انجام دهد. گرچه این موارد از نظر شرعی، حکمی شامل آنها نمی شود، ولی اثر وضعی آن بر روح باقی می ماند.

بطور مثال اگر انسان، غذای حرام، شبهه ناک، یا نجس بخورد. از نظر شرعی اگر از روی غفلت و ناآگاهی یا جبر و فراموشی باشد، اشکالی ندارد ولی اثر وضعی دارد.

بسیاری از بزرگان به همین دلیل غذا خوردن بین راه، در رستورانهای عمومی یا اغذیه فروشها را ترك می کردند و از خوردن غذاهای آنها امساک می کردند.

خوردن اینگونه غذاها موجب سلب توفیق از نماز اول وقت، نماز شب، کار خیر و سایر توفیقات می شود.

چنانکه اگر انسان غذای مسموم بخورد، گرچه مسمومیت آن را نفهمد اما روی دستگاه گوارش او اثر نامطلوب گذاشته و او را بیمار می کند.

اینگونه غذاهای حرام نیز از نظر معنوی مسموم هستند و انسان را از نظر روحی با مشکل مواجه می کنند.

در حالات یکی از بزرگان نقل می کنند:





ایشان را به يك میهمانی دعوت کردند، وقتی غذا آوردند، غذا از گوشت پرنده طبخ شده بود، ایشان به محض مشاهده گوشت فرمودند:

«من از این غذا نمی خورم، چون ذبح شرعی نشده است.»

وقتی تحقیق کردند فهمیدند که حرف ایشان درست بوده است.

حال چطور می شود که انسان حرام بودن غذا را بفهمد یا نجس بودن آن را از نظر روحی درک کند؟ این همان مطلبی است که ما در شکوفایی اراده دنبال به دست آوردن آن هستیم.

باید از نظر اراده و معنویات چنان رشد کنیم و قوی بشویم که همچون بزرگان آنچه از چشم ظاهری بر نمی آید با چشم باطن بنگریم.

## 16 - کارهای مهم را انجام دهیم

یکی از راههای شکوفایی اراده، انجام کارهای مهم نسبت به مهم ها است.

ابتدا این مهم است که اهم شناخته شود. آگاهی نسبت به اهم ها موجب آن می شود که انسان روی آن کار بیشتری انجام دهد.

اگر انسان اهم را بشناسد و روی آن سرمایه گذاری کند، هرگز در هیچ بعدی رکود ندارد. توقف و رکود، در آن است که انسان کارهایی انجام دهد که بعد دریابد، اشتباه بوده است و وقتش بیهوده تلف شده است.

باید بدانیم که انجام مستحبات مهم است. عیادت، صلۀ رحم، عزاداری، شب نشینی ممدوح، خوردن، خوابیدن و سایر امور جاری مهم است؛ اما اهم چیست؟

برای درس خواندن و مطالعه کردن باید مهم ها را تعدیل کرد. برای نماز اول وقت و عبادت باید مقداری از مهم ها را کنار گذاشت.

وقتی انسان می بیند، اگر در مجلسی شرکت کند، آن مجلس طول می کشد، نماز صبحش قضا می شود؛ اهم، نماز است، باید نماز را در نظر بگیرد و شرکت در آن مجلس را ترک کند.

خوردن، لازمه زندگی است اما در مقابل درس خواندن، اهم است. باید آنقدر انسان بخورد که حال مطالعه داشته باشد و پرخوری، موجب سلب موفقیت از تحصیل نشود.

شرکت در مراسم های عبادی سیاسی مثل نماز جمعه، از اهم واجبات است، انسان سعی کند آنها را ترک نکند.

گاه فردی بیمار است، برای صرفه جویی مسافتی پیاده می رود که پول کمتری کرایه دهد، اهم حفظ جان است، باید برای حفظ جان خود یا دیگران از پول گذشت. گاه این صرفه جویی جان خود

یا دیگری را به خطر می اندازد.

توسل به اهل بیت علیهم السلام بسیار مهم است. اما نماز معراج مؤمن (1) و تقرب الی الله است. پس نماز اهم واجبات است.

ورزش، بسیار مهم است و برای تقویت روح و جسم انسان امری ضروری است. اما اهم، ورزش نیست.

در کشورهای غربی، ورزش در هر رشته ای به عنوان يك شغل جانبی است. اکثر ورزشکاران در آن کشورها، با سواد و متخصص و اهل فن هستند و غیر از فعالیتهای ورزشی فعالیتهای اجتماعی دیگری نیز دارند و به عنوان تنوع، ورزش می کنند.

اما در کشورهای شرق آنقدر استعمار، روی ورزش سرمایه گذاری کرده است که برخی تمام قوای خود را صرف ورزش می کنند. کسی که تمام وقت خود را صرف ورزش و کارهای جسمی کند نمی تواند در ابعاد دیگر نیز فعال باشد.

فعالتهای جسمی، میدان را برای فعالیتهای فکری مسدود می کند. در حالی که اهم امور، رشد معنوی و فکری جوامع است.

از مجموعه استنباطهایی که از فرهنگ اسلام می شود، آن است که ورزش باید امری جانبی باشد.

در درس خواندن نیز دانش آموز یا دانشجو باید به درسهای اهم بپردازد. شناخت این دروس با مشورت اهل فن و اساتید امری ممکن و مفید است.

انسان باید دقت کند که اگر تعارض بین اهم و مهم پیش آمد به اهم بپردازد و مهم را تعدیل کند.

## 17 - دوراندیشی و بلند پروازی

یکی از راههای شکوفایی اراده این است که انسان دوراندیش و بلندپرواز باشد. از زندگی و حرکت خود، ماورای ماده را در نظر داشته باشد. اگر انسان دوراندیش شد، رشد و حرکتش نیز بیشتر خواهد بود.

اگر هدف از زندگی همین دنیا باشد، محدود است. متوسط عمر هر نفر حدود 80 سال است که نیمی از آن در خواب می گذرد، چندین سال کودکی و جوانی است که انسان در غفلت سپری کرده است، آنچه می ماند سالهای اندکی است که در نظر بزرگان ارزش، آن را ندارد که انسان به خاطر آن خود را به زحمت بیندازد و هدفش رسیدن به آن باشد. اگر انسان در دنیا متحمل سختی شود اما آخرت را با بلنداندیشی بنگرد، ارزش گذشت دارد.

ص: 98

---

1- . الصلوة معراج المؤمن. سرمایه کلاسرداری اثر دیگر مؤلف.

نعمت خلود و جاودانگی، زندگی راحت و بانشاط، انواع نعمتهای بی شمار، نداشتن نگرانی و ناراحتی، دوستی و شادبها و سایر نعمتهای جسمی و روحی، آثاری هستند که از عمل خالص و روح بلندپرواز بدست می آیند.

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور(1)

به اوج رسیدن، تحمل سختی می خواهد. برای رسیدن به کعبه، خار هم سر راه وجود دارد.

اگر انسان بخواهد در اهدافش پایدار باشد باید دوراندیش باشد.

تا وقتی مشکلات و سختی بر انسان غالب شد و دید دیگر هیچ راه گریز و نجاتی نیست، با دوراندیشی به خداوند و ائمه علیهم السلام متوسل می شود.

ائمه علیهم السلام با آن دید و روح بلندی که داشتند، مستحق نیکی بیشتری در دنیا بودند ولی خودشان نخواستند.

آیا ما از نظر مقام و قرب معنوی و الهی از ائمه علیهم السلام بالاتریم؟ آنها در مقابله با سختی ها چه می کردند؟ گذری کوتاه در زندگی آنان راهگشای زندگی ماست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در راه ارشاد و هدایت مردم چقدر متحمل سختی شدند؟ محاصره اقتصادی، اهانت، اسائه ادب، اذیت و آزار، تهمت، گرسنگی، هجرت، آوارگی، جنگ، شهادت عزیزان، گوشه ای از سختیهای بود که حضرت متحمل شدند و هر چه سرمایه گذاری کردند با خدا معامله نمودند و هدایت مردم و نعمتهای بهشت مورد نظر ایشان بود.

علی علیه السلام شیر مرد میدان جهاد و عبادت و معرفت خداوند، به خاطر داشتن هدایت والایی چون حفظ اسلام و دین خداوند، دست از حق خود برداشتند تا زمینه برای حکومت ایشان آماده شد.

امام حسن علیه السلام، فاطمه زهرا علیها السلام و سایر ائمه علیهم السلام با دوراندیشی فقط اصلاح دین را در نظر گرفتند.

شهادت کربلا نیز چنین بودند. علی اکبر علیه السلام، جوان عارفی بود که طی صحبتش با امام حسین علیه السلام به پدر فرمود:

آیا ما بر حق نیستیم؟ حضرت فرمود: آری حق با ماست. علی اکبر علیه السلام فرمود: در این صورت از مرگ باکی نیست.

قاسم بن حسن علیهما السلام با آنکه جوان کم سن و سالی بود نیز همین تعبیر را از مرگ داشت، وقتی اباعبدالله علیه السلام از او پرسیدند، مرگ در نزد تو چگونه است؟ فرمود:

«احلی من العسل»(2)ه.

ص: 99

1- دیوان حافظ، ماده (راء)

2- لهوف سید بن طاووس رحمه الله.



«از غسل شیرین تر است.»

آنچه باعث شده بود اینها از مرگ چنین برداشتی داشته باشند. عرفان و دید وسیع آنها بود.

چنانکه جوانان بسیجی نیز در جبهه ها با درس گرفتن از همین، صحنه های جانسوز کربلا، با از جان گذشتگی در راه دین و قرآن فدا می شدند و هیچ باکی از جنگ و سختیهای آن نداشتند. اگر انسان اندیشه را بالا ببرد و مافوق جهان مادی را بنگرد، پایدار می ماند و در هدف دچار سستی نمی شود.

مطالعه پیرامون معاد و مسائل عمل انسان و سرنوشت او در قیامت، چنان دوراندیشی را به انسان می دهد که با استفاده از آن بتواند اراده را در خود شکوفا کند.<sup>(1)</sup>

### مدارك و منابع تأليف

قرآن کریم

نهج البلاغه

اصول کافی

مکارم الاخلاق

معراج السعادة

جامع السعادات

محجة البيضاء

ص: 100

---

1- . معاد شناسی، آقای تهرانی، سرنوشت انسان، زمردیان.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

